

خبرنامه



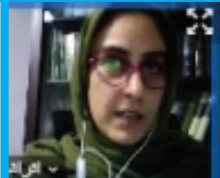
سال نهم، شماره‌ی هفتاد و هشتم، تیر و مرداد ماه ۱۴۰۰

رونمایی از دستاوردهای جدید پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

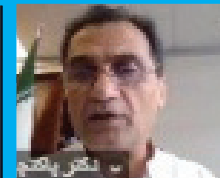


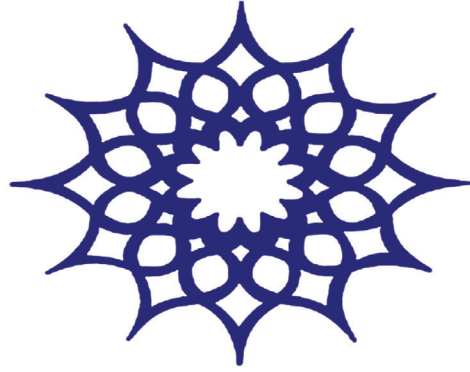
برگزاری دوره‌ی آموزشی «زبان و زبان‌شناسی» برای دانشجویان دانشگاه کابل افغانستان

<p>درس گفتارهای زبان و زبان‌شناسی (زبان و جامعه: بخش دوم: زبان و مهاجرت)</p> <p>درس گفتارهای دانشگاه کابل بجای مدرسین - بهار ۱۴۰۰ www.darses@iics.ac.af</p>		<p>پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی</p> <p>درس گفتارهای زبان و زبان‌شناسی</p> <p>پدانش و کونین زبان‌شناسی پیکره‌ای</p> <p>سینتی‌مای</p>	
--	--	--	--



**رفع ابهام در ریشه واژگان فارسی
و مباحث تکمیلی**





وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رونمایی از دستاوردهای جدید پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ارتقای جایگاه پژوهشگاه در رتبه‌بندی دانشگاه‌ها

مراسم رونمایی از دستاوردهای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با حضور و سخنرانی دکتر غلامحسین رحیمی (معاون پژوهش و فناوری وزیر علوم) و سایر استادان و پژوهشگران به صورت حضوری و مجازی برگزار شد. در این مراسم که ۱۳ مردامه ۱۴۰۰ برگزار شد، از «مرکز پژوهشی اسناد فرهنگی آسیا»، افتتاح به عمل آمد و همچنین گروه پژوهشی «مطالعات قرآنی» به «مرکز پژوهشی مطالعات علوم قرآنی» ارتقاء یافت.



در ابتدای این مراسم دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی گزارشی از فعالیت‌ها و دستاوردهای پژوهشگاه ارائه کرد و گفت: امسال شاهد رتبه‌بندی پژوهشگاه‌های کشور بودیم و پژوهشگاه در این رتبه‌بندی‌ها پنج پله صعود کرد. البته اگر این شاخص‌ها دقیق‌تر و با کارکردهای علوم انسانی هماهنگ‌تر باشد ارتقاء پژوهشگاه بیشتر خواهد بود. بنابراین در یک نظام ارزیابی دقیق‌تر ما صعود بیشتری خواهیم داشت.

دکتر قبادی در مورد مؤلفه‌های اصلی پژوهشگاه گفت: نخستین مؤلفه برنامه‌مداری و اتکاء به اسناد بالادستی و التزام به آن در عمل است. محور دوم نگاه راهبردی کاربردی‌سازی است که علم نافع به ظهور برسد و ما در این زمینه بسیار پایبند بودیم و با منشور کاربردی‌سازی علوم انسانی سعی کردیم در این راستا حرکت کنیم. این سند ملی می‌تواند ثبت شود و کتاب آن هم امروز نشان می‌دهد، علوم انسانی می‌تواند جامع‌محور و مردم‌مدار باشد. قبادی با اشاره به محور بعدی مبنی بر نگاه دانایی‌محور و درون‌زا، حرکت بر

مبنای خرد جمعی و توسعه‌ی مشورت و تعمیق نظام شورایی عنوان کرد: ترویجی‌سازی و مسئله‌ی جامع‌مداری نیز محور دیگر مؤلفه‌های اصلی پژوهشگاه است. حرکت شبکه‌ی نخبگانی نیز یکی دیگر از این مؤلفه‌هاست؛ امروز سه هزار نفر از استادان و محققان کشور در شبکه‌ی نخبگانی در قالب شورای متون و شورای تحول حضور دارند و امروز ۹ کتاب در بخش شورای متون از این شبکه‌ی نخبگانی و ۲۵ کتاب هم در طرح اعتلاء رونمایی می‌شود.

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی درباره‌ی مؤلفه‌ی کیفیت‌گرایی نیز توضیح داد: این محور موجب ارتقاء داخلی و بین‌المللی پژوهشگاه شده است. ما تلاش کردیم عمق اثرگذاری فرهنگ ایرانی را بشناسیم و به آن عمل کنیم. تلاش کردیم تنها به دنبال کمی‌گرایی نباشیم و بسیار شاکریم که با محدود کردن فعالیت‌های حوزه‌ی بین‌الملل همچنان مؤثر هستیم و کارگاه‌های ما به صورت مجازی برای دانشگاه‌های افغانستان برگزار می‌شود و این حرکت علمی برای تمدن و فرهنگ ایرانی بسیار مؤثر است.

او با اشاره به توجه به پدیده‌ی نظارت ارزیابی به عنوان مؤلفه‌ی دیگر گفت: امروز برخی از طرح‌های

پژوهشکده‌ها، شورای اعتلای علوم انسانی و کتاب «اتصال به ریشه و انطباق با زمان» که شعار مرحوم آیینه‌وند است، نیز رونمایی می‌شود و امیدوارم بتوانیم این مسیر را ادامه دهیم. همچنین امروز مرکز علوم قرآنی و مرکز اسناد فرهنگی آسیا نیز افتتاح خواهد شد.

قبادی در بخش دیگری از سخنانش درباره‌ی فعالیت‌های بخش دانشنامه‌نگاری توضیحاتی ارائه داد و افزود: وقتی این پژوهشکده ملحق شد، ابتدا سعی کردیم افزایش سرعت به نتیجه رساندن پروژه‌های دانشنامه را در دستور کار قرار دهیم و شاهد جهش در این زمینه بودیم. «دانشنامه‌ی اقتصاد» سرعت کمی داشت و ۱۵ سال طول



کشیده بود، بنابراین با تغییر مدیریت این دانشنامه به پایان رسید. همچنین ما تلاش کردیم برای دانشنامه‌ها فرصت‌سازی و ظرفیت‌سازی کنیم. این دانشنامه‌ها می‌توانند به دریای پژوهشگاه وصل شود و ظرفیت ایجاد کنند. خوشبختانه امروز دانشنامه‌ی «جامعه‌شناسی معاصر» با حمایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و شهرداری با ۳۰۰ میلیون تومان بودجه شکل گرفته و به دنبال توسعه‌ی این پروژه‌ها هستیم. دکتر قبادی در پایان درباره‌ی طرح اعتلای علوم انسانی هم گفت: این طرح یک رویداد مهم در تاریخ علوم انسانی ایران و مسئله‌محور، راه‌گشا و پیونددهنده‌ی میان نظر و عمل است. منابع درسی علوم انسانی با این طرح غنی، روزآمد، بومی، علمی و روش‌مند می‌شود. استادان مرجعی در این طرح همکاری می‌کنند و امیدواریم این رویداد جریان‌ساز باشد.

در ادامه دکتر غلامحسین رحیمی سخنانش را این‌گونه آغاز کرد و گفت: سؤالی که همیشه مطرح بوده این است که چرا ابن‌سینا مکتوب پزشکی خود را «قانون» و مجموعه‌ی حکمی خود را «شفا» نام‌گذاری کرد؟ پاسخ این است که ابن‌سینا شفای واقعی انسان را در حکمت می‌دانست.

رحیمی ادامه داد: مسئله‌ی دوم این است که چرا حکمای ما حکمت را به نظری و عمل تقسیم کردند. این در حالی است که در حکمت نظری نیمی از طبیعیات علوم کاربردی به معنای امروزی ماست. وی تأکید کرد: پیش از این حدود ۸۰ درصد دانشجویان پیام نور و دانشگاه آزاد اسلامی از رشته‌ی علوم انسانی بود. چون می‌گفتند، علوم انسانی فقط گچ و تخته می‌خواهد و این دو دانشگاه به دلیل شرایطی که دارند به رشته‌های کم‌هزینه می‌پردازند. در کنار این من همیشه می‌پرسیدم چرا آن‌قدر علوم انسانی ما در دبیرستان جنبه‌ی نظری و توصیفی دارد و این میزان تئوری در آینده چه بازخوردی خواهد داشت؟ من معتقد بودم علوم طبیعی قوی، در علوم انسانی دبیرستان لازم است.

او با بیان اینکه حکمای ما در قدیم، بهتر علوم انسانی را می‌شناختند تا عالمان علوم جدید، یادآور شد: البته امروز همه‌ی ما به دنبال پاسخ‌گویی به نیاز هستیم اما حکمای ما در آن زمان بهتر متوجه شده بودند که علوم انسانی چه قدر مؤثر است، پژوهشگاه در این مسیر گام برداشته و این جای تقدیر دارد.

رحیمی تأکید کرد: باید کاربردی‌سازی علوم انسانی با دقت دنبال شود و ذی‌نفعان هر پروژه باید از قبل مشخص باشند و بر مبنای نیازها و درخواست‌هایی که وجود دارد، پروژه طراحی شود.

دکتر رحیمی در پایان گفت: ما باید بدانیم ۵ سال دیگر رشته‌های علوم انسانی چه سرنوشتی خواهند داشت؟ ما در علوم پایه چنین رویکردی را دنبال کردیم و به دنبال این هستیم که بدانیم در چه حوزه‌های خاصی

می‌توانیم آن را تقویت کنیم. این تقویت هم بر اساس پاسخ‌گویی به نیازها، حضور در جامعه‌ی بین‌المللی و ... است. باید بدانیم می‌خواهیم در آینده در جامعه‌شناسی، علوم قرآنی، علوم سیاسی و ... چه شویم. پژوهشگاه می‌تواند حوزه‌هایی را در علوم انسانی که نیاز به سرمایه‌گذاری و تقویت دارد مشخص کند و در نهایت برای این حوزه‌ها حمایت‌های لازم را به عمل آوریم.

گزارش دکتر افراشی

دکتر آزیتا افراشی، رئیس پژوهشکده‌ی دانشنامه‌نگاری نیز در این مراسم توضیحاتی را درباره‌ی روند تدوین سه دانشنامه جدید ارائه کرد و افزود: تدوین دانشنامه‌ها با سرعت در حال انجام است. همچنین کارگاه‌ها و درس‌گفتارهایی که برای دانشگاه‌های افغانستان برگزار می‌شود، حاصل فعالیت‌های پژوهشکده‌ی دانشنامه‌نگاری است و برگزاری کرسی‌های نظریه‌پردازی یکی دیگر از دستاوردهای ماست. او ادامه داد: «دانشنامه‌ی علمی کاربردی» در سال ۱۳۹۶ آغاز به کار کرد و اکنون با ۱۰۱ مدخل و ۹۱۲ صفحه از آن رونمایی می‌شود. «دانشنامه‌ی آموزش عالی بخش نظام‌های آن» سال ۱۳۹۲ زیر نظر شورای علمی آغاز به کار کرد و اکنون مشتمل بر ۷۱ مدخل و هزار صفحه است. «ترجمه‌ی دانشنامه مطالعات



بین‌المللی ورزش» نیز در سال ۱۳۹۵ فعالیت خود را آغاز کرده و در ۹۹۶ مدخل و ۱۶۵۲ صفحه سامان یافته است.

گزارش دکتر کریمی مطهر

جان‌الله کریمی مطهر، رئیس دبیرخانه‌ی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی از فعالیت‌های این شورا گزارشی ارائه کرد و افزود: شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی به‌عنوان یک مرکز منحصر به فرد در نقد منابع علوم انسانی دانشگاه‌ها با رویکرد محصول‌گرایی فعالیت دارد. این شورا با مشارکت بیش از سه هزار نفر از استادان، در ۱۸ گروه تخصصی فعالیت دارد و در سال‌های اخیر فعالیت‌های مختلفی داشته و اکنون بیش از ۲۵۰ اثر آن به ثمر رسیده است.

کریمی مطهر افزود: اکنون تلاش کردیم با شرایط کرونایی خودمان را تطبیق دهیم به‌همین دلیل در سال گذشته، ۴۰۰ کتاب ملی و ۱۰۰ کتاب در گروه‌های ۱۸ گانه مورد بررسی قرار گرفته و ۳۵۰ یادداشت انتقادی و ۲۵۰ مقاله‌ی علمی-پژوهشی در شورا آماده شد. همچنین ۱۲ شماره مجله منتشر شده و پژوهشنامه‌ی انتقادی در ارزیابی سال ۹۹ رتبه الف را کسب کرده است. همچنین نشریه‌ی نقد که توسط هر یک از گروه‌ها منتشر می‌شد، روی سامانه دستاوردهای پژوهشی گروه‌ها در پژوهشگاه قابل دسترسی است.

کریمی مطهر گفت: امروز نیز ۹ کتاب جدید شورا شامل درآمدی بر فلسفه‌ی معاصر غرب، فرهنگ و رشد اقتصادی، بازنمایی هویت از نگاه دیگری، نظریه‌ی انتخاب عمومی: بررسی انتقادی، تاریخ ادبیات روسیه برای دانشجویان ایرانی زبان و ادبیات روسی، مجموعه مقالات همایش روسیه و کشورهای مشترک المنافع، زبان عربی و هویت ایرانی و ... رونمایی می‌شود.

او با اشاره به چاپ دو کتاب درباره‌ی کارنامه‌ی شورا توضیح داد: «کارکرد شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی از منظر مدیریت دانش و تجربه» و «نظری بر شبکه‌ی نخبگانی علوم انسانی» عناوین این دو کتاب است و هدف از انتشار آن این بوده که تاریخچه‌ی شورا به‌صورت مستند مکتوب شود. از سوی دیگر اغلب این کتاب‌ها پاسخ‌گوی نیازهای مختلف رشته‌های علوم انسانی هستند چراکه در گذشته قالب کتاب‌ها در برخی از رشته‌ها ترجمه بوده اما این شورا با کمک شبکه‌ی نخبگانی و استادان دانشگاه سعی کرده این کاستی‌ها را برطرف کند. در خاتمه‌ی نشست دکتر فروغ پارسا، رئیس پژوهشکده‌ی علوم قرآنی نیز توضیحاتی ارائه داد و گفت: بحث تأسیس پژوهشکده‌ی علوم قرآنی از سال ۱۳۹۳ کلید خورد و امروز ۹ عضو هیأت علمی در ۳ گروه جذب کردیم. طی هفت سال گذشته هر کدام از اعضا بیش از سه مقاله علمی و پژوهشی و کتاب تألیف کردند و بیش از ۱۵۰ اقدام علمی داشتیم.



درس گفتارهای بین‌المللی «زبان و زبان‌شناسی» برای دانشجویان افغانستان

دفتر همکاری‌های علمی بین‌المللی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در راستای مأموریت خود جهت تقویت زمینه‌های همکاری مشترک با سایر دانشگاه‌های جهان، به‌ویژه کشورهای حوزه‌ی زبان فارسی و نیز در راستای عملیاتی کردن تفاهم‌نامه با دانشگاه کابل دوره‌ی آموزشی با عنوان «درس گفتارهای زبان و زبان‌شناسی» با همکاری پژوهشکده‌ی دانشنامه‌نگاری، دانشگاه کابل و انجمن زبان‌شناسی ایران برگزار کرد. طراحی این دوره را دکتر آریتا افراشی، رئیس پژوهشکده‌ی دانشنامه‌نگاری، برعهده داشت که با تدریس استادان برجسته‌ی زبان‌شناسی از ۱۵ فروردین ۱۴۰۰ آغاز و طی ۱۴ جلسه در هفت حوزه‌ی متفاوت این رشته ارائه شد و در ۱۳ تیر ۱۴۰۰ پایان یافت. در این جلسات، موضوعات روز علم زبان‌شناسی در قالب مباحث نظری جدید در اختیار مخاطبان قرار گرفت. این جلسات که با استقبال چشمگیر دانشجویان به‌ویژه دانشجویان دانشگاه کابل روبرو شد، در روزهای یکشنبه هر هفته توسط مرکز آموزش‌های تخصصی آزاد (ماتا) پژوهشگاه پشتیبانی و در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفت.

شرح مختصری از درس گفتارها

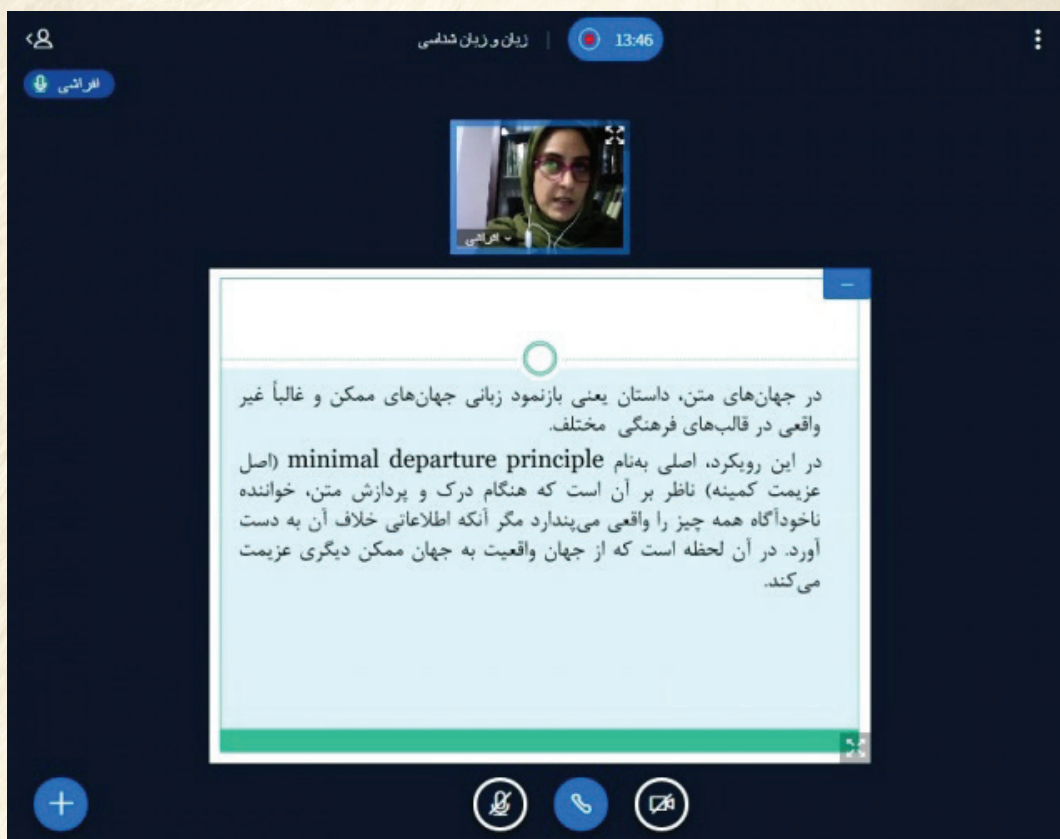
اولین سرفصل این دوره که در دو جلسه برگزار شد توسط دکتر مصطفی عاصی با عنوان «پیدایش و تکوین زبان‌شناسی پیکره‌ای» برای مخاطبان ارائه شد. در این دو جلسه دکتر عاصی ابتدا تاریخچه‌ای از زبان‌شناسی پیکره‌ای با نگاه ویژه به زبان فارسی ارائه و کاربردهای آن را در پژوهش‌های زبانی در ادامه‌ی جلسه‌ی دوم مطرح کرد. به اعتقاد دکتر عاصی برای جست‌وجوی پیشینه‌ی پیکره باید به خیلی دور بنگریم. زیرا در تاریخ زبان‌شناسی شرق (هند و ایران) نمونه‌های شاخصی از فعالیت‌های زبانی وجود دارد که با آنچه امروز به‌عنوان پیکره می‌شناسیم، مرتبط بوده است. در ایران نمونه‌هایی از فارسی میانه داریم. در آن دوره فرهنگ‌هایی تألیف شده است که دو فرهنگ آن به دست ما رسیده است یعنی فرهنگ «اویم» و فرهنگ فارسی میانه. در این فرهنگ‌ها از داده‌های زبانی برای شاهد استفاده کرده‌اند و می‌توانیم کاربرد پیکره را در این فرهنگ‌ها بیابیم. در دوره‌ی فارسی نو، یعنی فارسی دری نمونه‌های زیادی از کارهای پیکره‌ای داریم به‌خصوص در حوزه‌ی فرهنگ‌نگاری. وظیفه‌ی اصلی زبان‌شناسی پیکره‌ای خدمت‌رسانی به همه‌ی حوزه‌های زبان‌شناسی و بررسی زبان است، اما زبان‌شناسی پیکره‌ای ماهیت پژوهشی و دانش مستقل هم دارد. جلسه‌ی دوم درس گفتار با ذکر ابزارهایی که در زبان‌شناسی پیکره‌ای استفاده می‌شود، به پایان رسید.

دومین درس گفتار توسط دکتر فرزانه فرحزاد، عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی در زمینه‌ی «مطالعات ترجمه» ارائه شد. به اعتقاد وی اصطلاح مطالعات، یک شاخه از علوم بشری را با سایر علوم حاضر بررسی می‌کند. مثلاً مطالعات ادبیات یعنی ارتباط ادبیات با تاریخ، جامعه‌شناسی، سینما و ... بررسی می‌کند. خود



ترجمه سابقه‌ی بسیار طولانی دارد یعنی از زمانی که بشر شروع به حرف زدن کرده، در واقع اندیشه را به کلام ترجمه می‌کرده است اما امروز ترجمه‌ی یک متن از یک زبان به زبان دیگر است. مطالعات ترجمه‌ی امروز رشته‌ای است که شاخه‌های متعددی دارد و بدنه‌ی اصلی آن کمتر به آموزش یا حتی سنجش ترجمه می‌پردازد. مطالعات ترجمه اطلاعات خود را ابتدا از زبان‌شناسی گرفته است و بعد رفته‌رفته از فلسفه، منطق و مطالعات ادبی، فرهنگی و تاریخ و ... درهم آمیخته است. دکتر فرحزاد ادامه‌ی سخن خود را به توضیح سه جنبه‌ی اصلی مطالعات ترجمه اختصاص داد: ۱- فرایندهای ذهنی ترجمه (ارتباط ذهن و زبان)؛ ۲- نقش ادبی ترجمه (انتقال ژانرهای ادبی)؛ و ۳- نقش اجتماعی و فرهنگی ترجمه.

درس گفتار سوم با عنوان «از زبان‌شناسی انتقادی تا گفتمان‌شناسی انتقادی و کارکرد آن در نقد» ترجمه توسط دکتر گلرخ سعیدنیا ارائه شد. ایشان با ایراد مقدمه‌ای درباره‌ی زبان‌شناسی بحث خود را آغاز کرد. سپس با خاستگاه زبان‌شناسی انتقادی به سخن خود ادامه داد و کتاب‌های مهم در این زمینه را معرفی کرد. به اعتقاد وی آنچه تاکنون به‌طور سنتی نقد ترجمه نامیده می‌شود، در واقع بر اساس ضوابط درست، غلط، وفادار و آزاد و متأثر از تفکر ساختارگرایانه دو ارزشی بوده، اما تحلیل گفتمان انتقادی پسامدرن نگاهی منتقدانه به متن دارد.

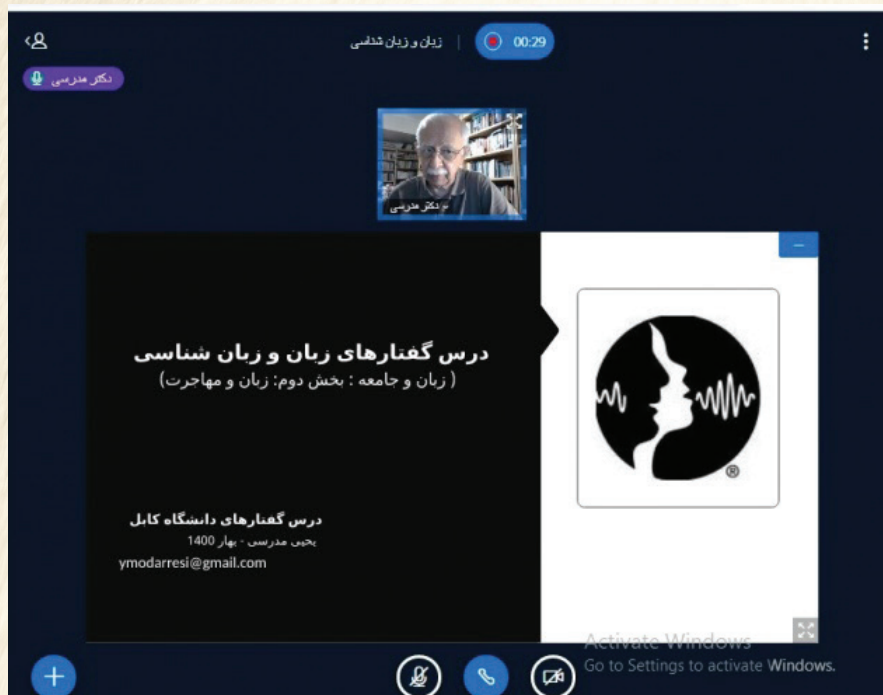
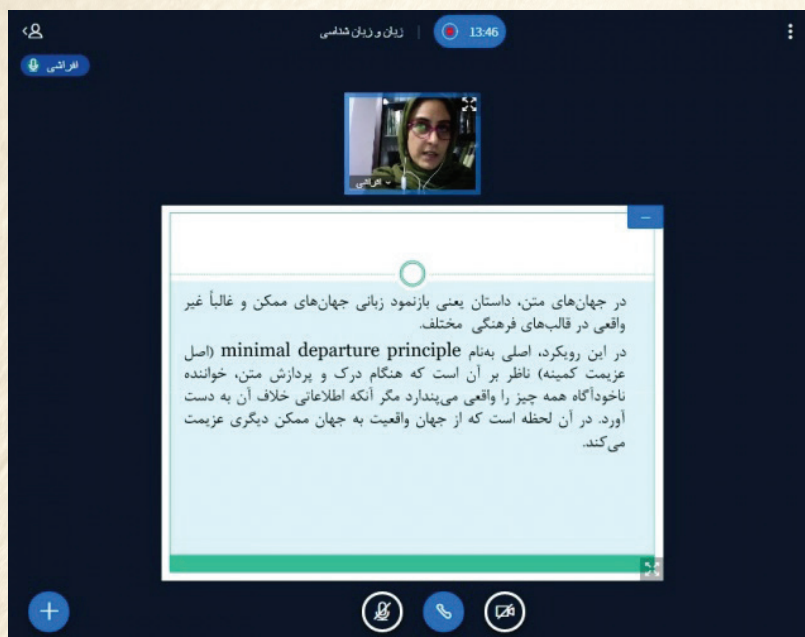


«دوزبانگی و زبان و مهاجرت» درس گفتار بعدی بود که توسط دکتر یحیی مدرسی ارائه شد. وی ابتدا از مباحث زبان و جامعه سخن گفت. زبان و جامعه به‌عنوان یکی از رویکردهای زبان‌شناسی جدید در طول چند دهه‌ی گذشته مورد توجه بوده است. دو زیرشاخه‌ی زبان‌شناسی اجتماعی که به مسائل زبان و جامعه در سطح خرد توجه دارد و جامعه‌شناسی زبان که به مسائل زبان و جامعه در سطح کلان می‌پردازد، از مباحثی بودند که استاد مدرسی به آن پرداخت. وی در ادامه به تنوع زبانی به‌عنوان یکی از مباحث اصلی در حوزه‌ی زبان‌شناسی اجتماعی اشاره و بیان کرد که در واقع سهم مهمی از مباحث اجتماعی به مسئله‌ی تنوع مربوط می‌شود و می‌توان گفت که از طریق تنوع بسیاری از جنبه‌های اجتماعی زبان را بررسی می‌کنیم، از جمله مسئله‌ی دوزبانگی. وی در ادامه به مسئله جامعه و بحث مهاجرت پرداخت.



درس‌گفتار بعدی با عنوان «ادبیات از منظر زبان‌شناسی شناختی» توسط دکتر آریتا افراشی ارائه شد. وی ابتدا با مقدمه‌ای از شعرشناسی شناختی و تعریفی از آن، بحث خود را آغاز و اشاره کرد که مسائل اصلی در شعرشناسی این است که جهان واقعی چه‌طور در ادبیات بازنمود می‌یابد. ماهیت خلاقیت چیست و خلاقیت ادبی چه ماهیتی دارد؟ چه چیزی باعث می‌شود ما اثر ادبی خلاقانه را ارزیابی کنیم و یک اثر را به لحاظ ادبی خلاقانه فرض کنیم و در نهایت اینکه زبان ادبی چه تفاوتی با زبان روزمره دارد. دکتر افراشی در جلسه‌ی دوم به نمونه‌هایی از این موضوع در نمونه‌های ادبی اشاره و آن‌ها را بررسی کرد.

دکتر علی‌رضا قلی‌فامیان از سخنرانان بعدی این درس‌گفتار بود که به «گوش‌شناسی ادراکی، خاستگاه و سیر تحول آن» نگرش‌های زبانی از منظر جغرافیا و توسعه پرداخت. وی در این زمینه کتاب‌های مفیدی را معرفی کرد. در این بحث ابتدا دو اصطلاح با عنوان دیدگاه زبانی و نگرش زبانی مطرح و درباره‌ی آن بحث شد. در ادامه در

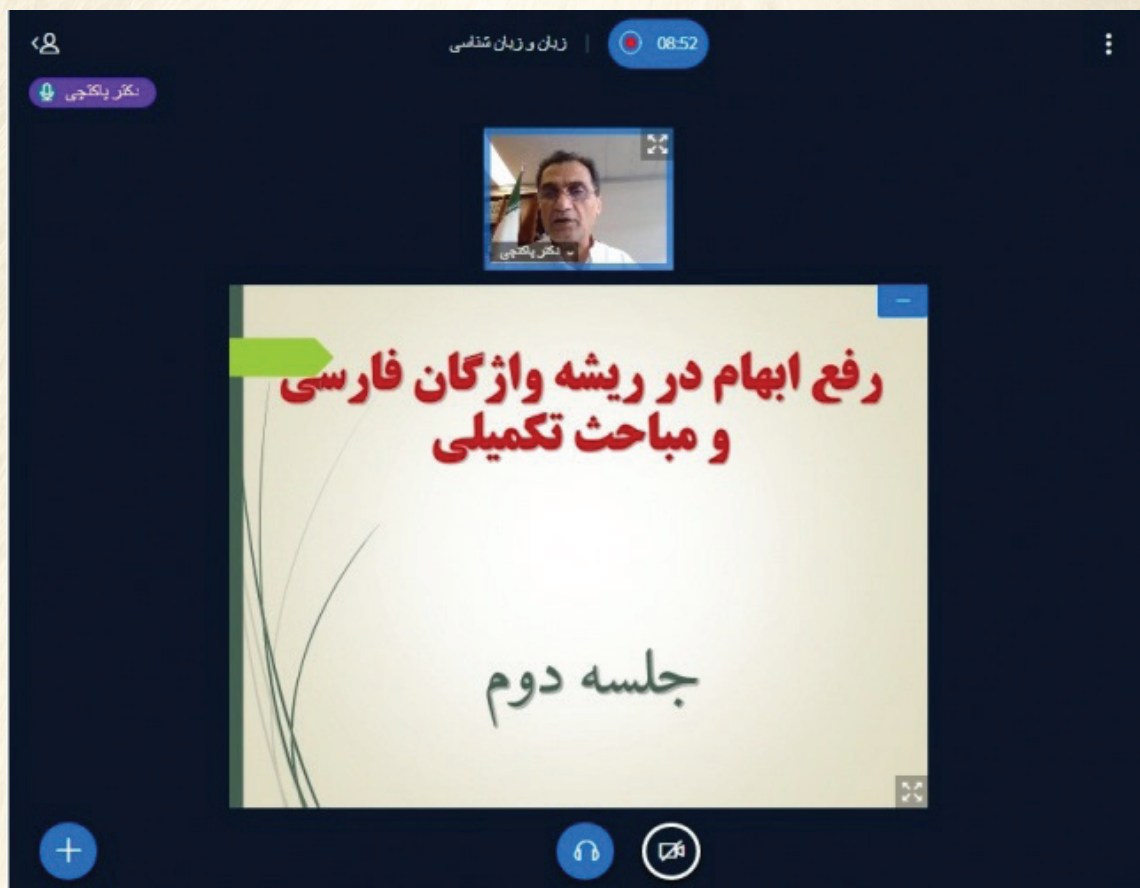


مورد نحوه‌ی تشخیص زبان رسمی مطالبی بیان شد.

آخرین درس گفتار این دوره مربوط به درس گفتار دکتر احمد پاکتچی با عنوان «ریشه‌های واژگانی دشوار در فارسی و پشتو با رویکرد معناشناسی تاریخی-تطبیقی» بود که رفع ابهام در ریشه‌ی واژگان پشتو اولین موضوعی بود که وی با مقدمه‌ای از تقسیم‌بندی خانواده‌ی بزرگ هند و اروپایی مطرح کرد. وی اشاره کرد که وقتی درباره‌ی زبان پشتو و نسبت آن به زبان فارسی صحبت می‌کنیم، در واقع درباره‌ی دو زبان خواهر سخت می‌گوییم. در شاخه‌ی زبان‌های ایرانی دو زیرشاخه‌ی غربی و شرقی داریم که پشتو مهم‌ترین زبان در گروه شرقی است و زبان فارسی نیز زبان شاخص در شاخه‌ی غربی این خانواده زبانی قرار می‌گیرد. در ادامه‌ی بحث رفع ابهام در واژگان زبان فارسی مطرح و عنوان شد که زبان پشتو می‌تواند به ما کمک کند تا برخی واژه‌های بازسازی نشده هند و اروپایی مشخص شود.

دکتر پاکتچی افزود: راه نرفته‌ی زیادی داریم. در این‌که بتوانیم در دیالوگ و گفت‌وگوی بین زبان‌شناسی فارسی و پشتو گام‌های مهمی را جلو ببریم، به‌خصوص در حوزه‌ی ریشه‌شناسی و واژه‌های مشکل‌نه تنها در این دو زبان بلکه حتی گاهی به‌عنوان حلقه‌های وصلی برای سرخ‌های گمشده در سایر زبان‌های هند و اروپایی مانند زبان‌های اسلاوی و رومانی هم استفاده کرد.

در پایان جلسه دکتر حمیدزی، رئیس دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه کابل از برگزاری این درس گفتارها ابراز خرسندی و امیدواری کرد که برگزاری این‌گونه دوره‌ها بین این دو مرکز علمی همواره تداوم داشته باشد.



همه‌گیری و تاریخ و علم

نشست تخصصی «همه‌گیری و تاریخ و علم» ۲۸ تیرماه ۱۴۰۰، به همت پژوهشکده‌ی مطالعات فلسفی و تاریخ علم پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. گروه فلسفه‌ی علم و تکنولوژی و گروه تاریخ علم این پژوهشکده، از آغاز همه‌گیری کرونا تلاش کردند در حوزه‌ی تخصصی خود به موضوع ورود کنند که گواه آن برگزاری چند وبینار، فراخوان، انتشار ویژه‌نامه‌ی کرونا مجله‌ی فلسفه‌ی علم، انتشار مقالات و کتاب و ... سهم خود را ادا کند. عضویت دو تن از اعضای این پژوهشکده، دکتر مقدم‌حیدری و منجمی، در فرهنگستان علوم پزشکی ایران و برگزیده شدن این پژوهشکده در رویداد «کرونا روایت» سازمان نظام پزشکی کشور نشان از آن دارد که تلاش‌های این پژوهشکده تأثیرگذار بوده و مورد توجه جامعه‌ی پزشکی قرار گرفته است.



در ابتدای این نشست، دکتر علیرضا منجمی، رئیس پژوهشکده‌ی مطالعات فلسفی و تاریخ علم گفت: این پژوهشکده خود را ملزم می‌داند مسائل روز جامعه را مورد مذاقه قرار دهد و با مسئله‌مندی، نقد و تحلیل فلسفی-تاریخی به فهم آن‌ها و جست‌وجوی رهیافت‌های نو یاری رساند. وی به نقد پژوهشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی در کشور پرداخت که صرفاً به دنبال چاپ مقالات در مجلات انگلیسی‌زبان هستند و نوشتن و سخن‌گفتن به فارسی را نگوهرش می‌کنند.

دکتر منجمی افزود: آن‌چه امروز در این نشست ارائه خواهد شد را باید در چارچوب حوزه‌ی میان‌رشته‌ای علوم انسانی سلامت فهم کرد که در تلاش است تا مسائل حوزه‌ی سلامت را در میان‌رشته‌ی علوم انسانی صورت‌بندی و فهم کند. فلسفه‌ی پزشکی، جامعه‌شناسی پزشکی، انسان‌شناسی پزشکی و تاریخ پزشکی در این سپهر جای می‌گیرند. او افزود تاریخ‌نگاری پزشکی بدون نظریه‌ها و مفاهیم فلسفه‌ی پزشکی نابسند است و راهی نمی‌گشاید.

در ادامه‌ی این نشست مجازی دکتر غلامحسین مقدم‌حیدری مدیر گروه تاریخ علم و دبیر علمی این نشست با نقل قولی از تامس کوهن (فیلسوف علم معاصر) در کتاب «ساختار انقلاب‌های علمی» سخن خود را آغاز کرد و گفت: «اگر تاریخ بیش از انبانی از داستان‌ها یا گاه‌شماری‌ها در نظر گرفته شود، می‌تواند دگرگونی سرنوشت‌سازی در تصورمان از علم به وجود آورد». او هدف این نشست تخصصی را بررسی همه‌گیری‌ها در تاریخ ارزیابی کرد که قرار است تا به ابعادی از همه‌گیری‌ها در ادوار زندگی بشر پردازد که کمتر از آن منظر به آن توجه شده است.

دکتر مقدم‌حیدری ادامه داد: موضوع نشست موضوعی است معطوف به بحرانی که ما در حال حاضر با آن مواجهیم. بنابراین تاریخ علم مورد نظر در این نشست صرفاً بررسی تاریخی موضوعی در تاریخ پزشکی نیست بلکه با در نظر گرفتن مسئله‌ی کنونی جامعه‌ی جهانی (همه‌گیری کووید-۱۹) می‌کوشد تا به برخی از ابعاد آن در همه‌گیری‌های دوره‌ی اسلامی پردازد. او با اشاره به فراخوان ویژه‌نامه‌ی کرونا مجله‌ی فلسفه‌ی علم بر اهمیت مطالعات تاریخی همه‌گیری در فهم موقعیتی که در آن گرفتار آمده‌ایم، تأکید کرد.

در ادامه دکتر احمد فضل‌نژاد، دانشیار گروه تاریخ دانشگاه شیراز به تأثیر همه‌گیری طاعون در شیوه‌ی تاریخ‌نگاری‌های همه‌گیری در ابتدای تمدن اسلامی پرداخت و شرح داد که چگونه عوامل سیاسی در دوره‌ی

بنی‌امیه و سپس بنی‌عباس بر شیوه‌های تاریخ‌نگاری همه‌گیری‌ها تأثیر گذاشته‌اند. دکتر محمد صدر، عضو هیأت‌علمی گروه تاریخ علم بنیاد دائره‌المعارف اسلامی به چگونگی مواجهه با همه‌گیری طاعون در دوره‌ی قاجار پرداخت. او ابتدا به دستورالعمل‌هایی که در آن حکومت جهت کنترل و مهار طاعون وضع شد، اشاره کرد و سپس به پزشکان خارجی مقیم ایران در آن دوره از جمله «تولوزان» و تألیفات متعددی در خصوص طاعون در ایران پرداخت. دکتر صدر در خاتمه‌ی سخنانش به طیبیان سنتی آن دوره مانند حکیم ساوجی و تألیفاتش در باب طاعون اشاره و مواردی را مطرح کرد.

دکتر حامد آرزایی، عضو هیأت‌علمی دانشگاه امام صادق(ع) سخنان خود را درباره‌ی لغت‌شناسی واژه‌ی «سرایت» که مفهوم محوری در بررسی یک همه‌گیری است، بیان کرد. او نشان داد که مفهوم «عدوی» (سرایت) در تمدن اسلامی سیر تطوری داشته است و برحسب زمان چه دلالت‌هایی را در بر گرفته است. پس از آن، دکتر شهرزاد ایران‌نژاد، پژوهشگر پسادکتری مؤسسه‌ی خاورپژوهی استانبول، به استعاره‌ی عدوی از منظر تاریخ ایده‌ها پرداخت. او به بررسی مفهوم همه‌گیری نزد «قسطابن لوقا» پرداخت و استعاره‌ی «پیکان» را برای نشان دادن سرایت در آثار وی بررسی کرد. سخنرانی این پژوهشگر تاریخ پزشکی واجد این وجه نوآورانه بود که بر تأثیر استعاره‌ها در شکل‌گیری مفاهیم و آموزه‌های طب اخلاطی تأکید داشت. در آخرین سخنرانی این نشست دکتر حمیدرضا نمازی، رئیس موزه‌ی تاریخ علوم پزشکی ایران با اشاره به دو کتاب «هونیگزبام» به این موضوع پرداخت که چگونه وی با مرور تاریخ یک‌صد سال گذشته نشان داده که همه‌گیری‌ها، به طرز غریب، به فراموشی سپرده شده است. این عضو هیأت‌علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران، با تأمل بر مفهوم فراموشی در تاریخ، گذری بر تاریخ‌نگاری چینه‌ای «میشل فوکو» داشت و کوشید نشان دهد که فوکو، چگونه با تأکید بر «رخداد» به‌مثابه امر سرپوش گذاشته شده، بر آن سر است تا گفتمان را با برملاً کردن رخداد نقد کند. او سپس با مرور آثار «ریف» و «ریکور» در نهایت گفت: به نظر می‌رسد، خاطره، یادسپاری و حافظه‌ی فردی و جمعی، بخشش و فراموشی اموری تأمل‌برانگیز در تاریخ‌نگاری همه‌گیری‌اند.

در پایان نشست نیز بحث و تبادل‌نظر بین حاضرین صورت گرفت که مدیریت آن بر عهده‌ی دکتر حمیدرضا نمازی بود. دکتر نمازی به بداعت و نوآوری این نشست اشاره کرد و افزود: کنار هم قرار گرفتن متخصصان حوزه‌های مختلف تاریخ،

تاریخ پزشکی، زبان عربی، فلسفه‌ی اسلامی، فلسفه‌ی علم، فلسفه‌ی پزشکی و اخلاق پزشکی نشان از رویکرد جدیدی در تاریخ‌نگاری پزشکی دارد و در این نشست به شیوه‌های جدید تاریخ‌نگاری پزشکی اشاره شد و این موضوع مورد نقد قرار گرفت که چرا تاریخ پزشکی پیشامدرن متمرکز بر طبابت (به‌ویژه طب اخلاطی) است و تاریخ همه‌گیری و سلامت عمومی کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

گروه تاریخ علم و فلسفه علوم انسانی
پروژه‌های مطالعات فلسفی و تاریخ علم برقرار است

نشست تخصصی
همه‌گیری و تاریخ علم

دبیر علمی: دکتر بلال‌محمد حسن مقدم صبری

دکتر احمد افشاری نوبختی	همه‌گیری طاعون در دوره‌های قاجاری و زکریا رازی
دکتر شهرزاد ایران‌نژاد	تاریخ‌نگاری طبابت
دکتر حامد آرزایی	تاریخ‌نگاری طاعون در دوره قاجاری
دکتر بلال‌محمد حسن مقدم صبری	تاریخ‌نگاری همه‌گیری‌ها
دکتر حمیدرضا نمازی	تاریخ‌نگاری همه‌گیری‌ها
دکتر شهرزاد ایران‌نژاد	تاریخ‌نگاری همه‌گیری‌ها
دکتر بلال‌محمد حسن مقدم صبری	تاریخ‌نگاری همه‌گیری‌ها
دکتر حمیدرضا نمازی	تاریخ‌نگاری همه‌گیری‌ها
دکتر شهرزاد ایران‌نژاد	تاریخ‌نگاری همه‌گیری‌ها
دکتر بلال‌محمد حسن مقدم صبری	تاریخ‌نگاری همه‌گیری‌ها
دکتر حمیدرضا نمازی	تاریخ‌نگاری همه‌گیری‌ها

زمان: دوشنبه ۲۸ آبر ماه ۱۴۰۰
<https://webinar.ihe.ac.ir/t/ihe-r5r-2bo-9ux>

دکتر قبادی: راه تمدن‌سازی، تقویت علوم انسانی است

دکتر حسینعلی قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در نشست شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی ضمن خیر مقدم به اعضای این شورا و تبریک به رئیس جمهور منتخب و آرزوی موفقیت برای ایشان، گفت: ما در پی ارتقای کارآیی و کارآمدی علوم انسانی هستیم و مبنای این هدف، اسناد بالادستی و برنامه‌های توسعه پژوهشگاه است.



وی ادامه داد: اثربخشی علوم انسانی در هر دو برنامه‌ی اول و دوم توسعه پژوهشگاه تصریح شده است و وزیر محترم علوم و هیأت امناء نیز بر آن تأکید دارند و معاونت کاربردی‌سازی در پژوهشگاه علوم انسانی نیز بر همین اساس تأسیس شده و در این بخش وظیفه‌ی مستقیم دارد. رئیس پژوهشگاه علوم انسانی در این خصوص خبر داد: منشور کاربردی‌سازی علوم انسانی در ایران تهیه و در مراکز گوناگون ارائه شده است و امیدواریم به‌عنوان یک سند ملی ثبت شود.

دکتر قبادی با اشاره به کارکردهای ضمنی علوم انسانی با تأکید بر حوزه‌ی فرهنگ پرداخت و گفت: فرهنگ ایران کارکردهای بسیار عمیق، ماندگار و تاریخی دارد. ایران، بهترین بستر ترکیب فرهنگ بومی و اسلامی است و ایران اسلامی بستر تمدن‌سازی بوده است و راه تمدن‌سازی، تقویت علوم انسانی است چون راه شکوفایی تمدن و فرهنگ، علوم انسانی است. به گفته‌ی دکتر قبادی، ما ایرانیان برای سخن گفتن با جهان باید از موضع علوم انسانی، فرهنگ و تمدن سخن بگوئیم. امروزه علوم انسانی می‌تواند فرهنگ و تمدن ایرانی-اسلامی را بازیابی و نوآورانه ارائه کند.

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در ادامه افزود: مسئله‌ی فرهنگ و کارآمدی اجتماعی حائز اهمیت است. به‌عنوان نمونه می‌توان به نقش علوم انسانی در کنترل جرائم اجتماعی اشاره داشت، چون توسعه‌ی علوم انسانی با نوع جرم و جنایت رابطه‌ی معکوس دارد. این مسئله می‌تواند به‌عنوان کلان مسئله‌ی علوم انسانی در شورای بررسی متون و به مثابه رویکردی آینده پژوهانه مورد توجه قرار گیرد.

دکتر قبادی در پایان در جمع اعضای شورای بررسی متون خاطرنشان کرد: شورای بررسی متون یک مرکز مردم‌نهاد است و شبکه‌ی نخبگانی و بدنه‌ی مردم‌نهاد این شورا به مسیر خود ادامه خواهد داد چون اعضای این شورا در مرزهای علم و دانش حرکت می‌کنند. به گفته دکتر قبادی، شورای بررسی متون یک سرمایه‌ی بی‌بدیل برای نظام جمهوری اسلامی ایران است و جامعه‌ی علمی باید از مزایای آن بهره‌مند شود.

موفقیت نشریه‌ی «تحقیقات تاریخ اجتماعی پژوهشگاه»

نشریه‌ی «تحقیقات تاریخ اجتماعی» پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در ارزیابی سال ۱۳۹۹ کمیسیون نشریات وزارت علوم، رتبه «الف» را کسب کرد.



بر اساس این خبر، نشریه‌ی «تحقیقات تاریخ اجتماعی» با صاحب‌امتیازی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بر اساس آیین‌نامه‌ی نشریات علمی در ارزیابی سال ۱۳۹۹ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، موفق به کسب رتبه‌ی «الف» شد.

این نشریه با بهره‌مندی از استادان متخصص داخلی و بین‌المللی در کادر هیأت تحریریه و داوران، فعالیت علمی خود را با هدف گسترش کوشش و تشریک مساعی برای تأسیس دانش تاریخ اجتماعی در ایران، اهتمام به ایجاد حوزه‌های پژوهشی تاریخ اجتماعی در ایران؛ ایجاد هم‌گرایی بین دانش تاریخ و دیگر حوزه‌های علوم انسانی پی‌گیری می‌کند. بر این اساس، مقالات را در وجوه گوناگون اجتماعی زندگی مردم ایران در طول تاریخ ایران، از جمله بحث‌های نظری و روش‌شناسی در حوزه‌ی تاریخ اجتماعی؛ قشرها و طبقات اجتماعی؛ معیشت و زندگی روزانه؛ باورهای اجتماعی و فرهنگی؛ جمعیت؛ مهاجرت؛ نهادهای اجتماعی؛ حوادث طبیعی؛ بیماری؛ بهداشت و پزشکی؛ روستا و شهرنشینی؛ آداب و رسوم؛ زندگی شبانی و کوچ‌روئی؛ مطالعات تطبیقی تاریخ اجتماعی ایران و دیگر کشورها؛ و دیگر زمینه‌های خاص پژوهش در تاریخ اجتماعی منتشر می‌کند.

دسترسی به مقالات این نشریه به صورت دسترسی آزاد (open access) و تحت قوانین گواهی‌نامه‌ی بین‌المللی Creative Commons Attribution 4.0 International License منتشر می‌شود که اجازه‌ی اشتراک (تکثیر و بازآرایی محتوا به هر شکل) و انطباق (بازترکیب، تغییر شکل و بازسازی بر اساس محتوا) را می‌دهد؛ اگر چه این مجله هنوز به عضویت قطعی کمیته‌ی بین‌المللی اخلاق در انتشارات (COPE) در نیامده است، اما از راهنمایی آن‌ها در این حرکت ارزش‌مند مدد جسته و خود را متعهد به اصول آن و رعایت اصول ارزش‌های اخلاق حرفه‌ای می‌داند.

لازم به ذکر است این نشریه برای دومین سال پیاپی در فهرست نشریات هسته‌ی پایگاه استنادی جهان اسلامی

(ISC) قرار گرفته است. این لیست شامل مجموعه‌ای از مجلات برتر در حوزه‌های موضوعی مختلف است که توسط گروهی از متخصصان رشته‌های مرتبط مورد تجزیه و تحلیل محتوایی دقیق قرار گرفته است.

این نشریه همچنین در نمایه‌های بین‌المللی DOAJ، Google Scholar، Index Copernicus، نمایه شده است. در حال حاضر دکتر شهرام یوسفی فر سمت سردبیری و مدیر مسئولی و دکتر اعظم ریاحی نیز مدیریت داخلی این نشریه را برعهده دارند.

علاقه‌مندان جهت کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند به تارنمای نشریه به آدرس www.socialhistory.iics.ac.ir مراجعه فرمایند. این موفقیت را به جامعه‌ی علمی و پژوهشی کشور، مخصوصاً خانواده‌ی بزرگ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تبریک عرض می‌کنیم و آرزوی کسب موفقیت‌های افزون‌تر را داریم.



افتخاری دیگر برای «پژوهشنامه‌ی انتقادی متون»

نشریه‌ی پژوهشنامه‌ی انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی رتبه‌ی الف ارزیابی نشریات سال ۱۳۹۹ توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری را کسب کرد. بر اساس این خبر، نشریه‌ی «پژوهشنامه‌ی انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی» با صاحب‌امتیازی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و نیز شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی بر اساس آیین‌نامه‌ی نشریات علمی در ارزیابی سال ۱۳۹۹ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، موفق به کسب رتبه‌ی الف شد که نشریات پژوهشگاه در دومین سال متوالی در ارزیابی سال ۹۹ کمیون نشریات، موفق به کسب رتبه‌ی «ب» شده‌اند و در این میان علاوه بر موفقیت نشریه‌ی «پژوهشنامه‌ی انتقادی متون»، نشریه‌ی «پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی» نیز در نخستین ارزیابی با کسب رتبه‌ی «ب» در مجموعه‌ی نشریات علمی کشور قرار گرفت. گفتنی‌ست، پژوهشنامه‌ی انتقادی متون فعالیت علمی خود را با هدف گسترش ادبیات نقد در جامعه‌ی علمی ایران و بررسی ابعاد گوناگون این مسئله از سوی صاحب‌نظران داخلی و بین‌المللی، به‌ویژه بازنمایی ابعاد آن در کتب علوم انسانی و متون درسی و کمک‌درسی دانشگاه‌های کشور در حیطه‌ی علوم انسانی آغاز کرده و در تلاش است به شناسایی مسائل و چالش‌های رشته‌های مختلف تخصصی علوم انسانی و نقد شیوه‌های اجرایی و نتایج برنامه‌های آموزشی و پژوهشی در رشته‌های آن بپردازد. پژوهشنامه‌ی انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی پیش از این هم در عرصه‌های دیگری نظیر جشنواره‌ی نقد کتاب و جشنواره‌ی فارابی افتخاراتی کسب کرده که جدیدترین آن، برگزیده شدن ۱۲ مقاله از این نشریه در هفدمین جشنواره‌ی نقد کتاب سال ۹۹ است. این موفقیت را به جامعه‌ی علمی و پژوهشی کشور، مخصوصاً خانواده‌ی بزرگ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تبریک عرض می‌کنیم و برای این مجموعه آرزوی کسب موفقیت‌های افزون‌تر را داریم.



جایزه‌ی دکتر کاظمی آشتیانی به عضو هیأت علمی پژوهشگاه تعلق گرفت



عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی موفق به کسب جایزه‌ی علمی دکتر کاظمی آشتیانی بنیاد ملی نخبگان شد.

بر اساس این خبر، دکتر مهدی کریمی سلطان‌احمدی، استادیار «پژوهشکده‌ی مطالعات فرهنگی و ارتباطات و تحقیقات اسناد فرهنگی آسیا» پژوهشگاه علوم انسانی، موفق به کسب جایزه‌ی دکتر کاظمی آشتیانی از سوی بنیاد ملی نخبگان شد. دکتر سلطان احمدی فارغ‌التحصیل دانشگاه تربیت مدرس، ۱۱ مقاله‌ی علمی-پژوهشی و ISI در مجلات معتبر بین‌المللی و داخلی را در کارنامه پژوهشی خود دارد که بنیاد ملی نخبگان در جدیدترین فهرست برگزیدگان خود، جایزه‌ی مرحوم کاظمی آشتیانی را به این عضو هیأت علمی پژوهشگاه اختصاص داد. گفتنی‌ست، طبق شیوه‌نامه‌ی جایزه‌ی کاظمی آشتیانی، استادیاران جوان حداکثر تا سه‌سال پس از جذب فرصت دارند تا برای کسب این جایزه اقدام کنند. این جایزه در قالب کمک هزینه‌ی پژوهشی و کمک هزینه‌ی تجهیزات به استادیاران جوان پرداخت می‌شود.

انتصاب

دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی طی احکامی جداگانه، دکتر ریما مرشد را به سمت سرپرست گروه پژوهشی علوم طبیعی، دکتر فروغ پارسا را به عنوان رئیس مرکز پژوهشی مطالعات علوم قرآنی، دکتر علیرضا ملایی توانی را به عنوان سرپرست مرکز اسناد فرهنگی آسیا، دکتر مهدی معین‌زاده را به سمت «سرپرست گروه پژوهشی مستقل مطالعات میان فرهنگی معاصر»، دکتر مسعود رضایی را به عنوان سرپرست مدیریت پژوهشی پژوهشگاه، منصوب و دکتر آمنه بختیاری را در سمت «مشاور رئیس پژوهشگاه در امور کارمندان» ابقاء کرد.

تسلیت در گذشت رحیم نیکبخت دانش آموخته‌ی تاریخ در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

متأسفانه باخبر شدیم آقای رحیم نیکبخت، از پژوهشگران و دانش آموختگان برجسته‌ی حوزه‌ی تاریخ پژوهشگاه در اثر ابتلا به بیماری کرونا درگذشته است. در این زمینه، جمعی از پژوهشگران و اعضای هیأت علمی اطلاعیه‌ای صادر کردند که در ادامه می‌آید:

مردی از جنس آذربادگان ایران



آذربایجان سر ایران است و سر را سلطان بدن گویند. به راستی که از سپیده دم تاریخ ایران تا به امروز مردم این سرزمین چه در دفاع و چه در توسعه و آبادانی و رونق ایران کم نگذاشته‌اند. همین بس که در هر جای ایران جست‌وجو کنی، خفته شهیدی از خطه آذربایجان بیابی. شیر مردانی که از دوره صفویه تا امروز به ویژه در دوره قاجار، برای امنیت و حراست از مرزهای ایران مظلومانه شهید شدند و در همان جا هم آرمیدند تا ایران بماند.

سرشت این مردم را به مردانگی، صداقت، مهرورزی، وفاداری، میهن دوستی و سخت‌کوشی آمیخته‌اند.

رحیم نیکبخت میرکوهی از این جنس فرزندان ایران بود، سرشت و تربیت آذربایجانی داشت.

طوفان سیاهی و سهمگین کرونا او را هم گرفت، تاریخ مظلومیت و نجابت و البته مقاومت مردم ایران را فراموش نخواهد کرد و صد البته کوتاهی کوتاهی کنندگان را.

پژوهشگری جوان بود که اواخر دهه‌ی ۷۰ به مرکز اسناد انقلاب اسلامی پیوست و ماندگار شد. همچون تفسیر نام زیبایش، جوانی مؤدب و دوست‌داشتنی و پژوهشگری فروتن بود.

با عمر کوتاهی که کرد، کارنامه‌ی پژوهشی پرباری برجای گذاشت. از ویژگی کارهای پژوهشی اوست:

- ۱- سخت‌کوشی و دقت نظر در کار پژوهش، همین بس که در این مدت کم ۲۰ عنوان کتاب پژوهشی متکی بر اسناد و خاطرات دست اول از تاریخ معاصر ایران منتشر کرد.
 - ۲- برخی از این آثار چون جنبش دانشجویی تبریز، نقش آذربایجان در نهضت ملی نفت، نقش آذربایجان در تحکیم هویت ملی ایران، پیدایش فرقه‌ی دموکرات به روایت اسناد و خاطرات، فرقه‌ی دموکرات آذربایجان در سراب و ... آثاری هستند که موشکافانه و بی‌طرفانه به تحلیل برخی از مسائل مهم تاریخ معاصر ایران پرداخته‌اند.
 - ۳- نیکبخت در زمینه‌ی تدوین خاطرات روحانیون مبارز، نشر اسناد و پژوهش تاریخ معاصر ایران از مشروطه تا به امروز، قلم زد و به ادبیات دینی و مرثیه در آذربایجان علاقه‌مند بود.
 - ۴- مسئله‌ی اصلی او آذربایجان بر تارک تاریخ و هویت ایرانی بود، آرزویی که در اثر ارزشمند نقش آذربایجان در تحکیم هویت ایران، سرانجام به واقعیت درآمد. موضوعی که نگاه همه زنان و مردان فرزانه و فرهیخته آذربایجان و نیز همه‌ی مردم ایران است.
- ما پژوهشگران پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی نام و یاد او و دیگر پژوهشگران و استادان بزرگوار که مظلومانه در این روزها تلخ بار سفر بستند را، گرامی می‌داریم و به خانواده‌ی محترم ایشان و جامعه‌ی علمی-پژوهشی کشور تسلیت می‌گوییم.

انعقاد تفاهم‌نامه‌ی همکاری میان پژوهشگاه و انجمن هنر و ادبیات تطبیقی ایران

نشست مشترک رؤسای فرهنگستان هنر و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی اول تیرماه ۱۴۰۰، با حضور دکتر بهمن نامورمطلق (رئیس فرهنگستان هنر) و دکتر قبادی (رئیس پژوهشگاه) و برخی مدیران دو مجموعه برگزار شد و طرفین در این نشست بر لزوم توجه به گسترش دانش‌های تطبیقی و مطالعات بینارشته‌ای در حوزه‌های مختلف هنر و علوم انسانی تاکید کردند.

در ابتدای این نشست، دکتر نامورمطلق ضمن خوشامدگویی به حاضران به شرح تاریخچه‌ای از دانش‌های تطبیقی و بینارشته‌ای پرداخت و اهمیت دادن به جایگاه این‌گونه از مطالعات تطبیقی را در فضای علمی و هنری کشور ضروری دانست. او بیان کرد: معرفت بشری همراه با دگرگونی عصرها و نسل‌ها، صورت‌های متفاوتی به‌خود گرفته و این معرفت گاه به‌صورت یک واحد کلان و یک‌پارچه و گاهی به‌صورت واحدهای کوچک و مجزا در نظر گرفته شده است. در قرون باستانی و تا حدی میانه، «معرفت» واحدی پیوسته محسوب می‌شد و حکیم بر اغلب دانش‌های روز خود واقف بود، اما در دوران مدرن و پارادایم‌های آن که بر اساس علوم تجربی استوار بود، رفته‌رفته به تجزیه‌ی دانش‌ها پرداخته شد. مفاهیمی همچون دانش‌های دقیق یا ناب زاینده‌ی چنین تفکری بود. رئیس فرهنگستان هنر در ادامه افزود: «گسست میان دانش‌ها موجب شد هر دانشی و دانشمندی فقط متوجه موضوع تحقیق خود با روش تحقیق خاص آن شود و شناخت یا توجهی به دیگر شاخه‌ها نداشته باشد و از دریچه‌ی علم جزئی خود به جهان و حتی جهان‌بینی بپردازد. سپس در اواخر قرن نوزدهم و طول قرن بیستم آسیب‌های جدی و عمیق که حاصل چنین نگرش جزئی و منفصل‌گرایانه‌ای بود، نمایان شد. انسان و زمین بر اساس چنین نگرش‌های تک‌بعدی به‌شدت آسیب‌پذیر شدند. انسان معاصر که مشاهده می‌کرد، دانش تک‌بعدی به پدیده‌ای تهدیدکننده تبدیل شده است، در اندیشه‌ی رفع این مشکل برآمد و راه‌حلی برای ترمیم معرفت جست‌وجو کرد. از میان راه‌حل‌های گوناگون ارائه‌شده می‌توان به طرح دانش‌های بیناشاخه‌ای و دانش‌های تطبیقی اشاره کرد.

دکتر نامورمطلق در ادامه ضمن بررسی وضعیت دانش‌های تطبیقی در ایران افزود: در ایران به‌ویژه توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانش‌های بینارشته‌ای مورد توجه خاص قرار گرفت و تأسیس رشته‌های جدید میان‌رشته‌ای حاصل این نگرش است، اما اگر دانش‌های میان‌شاخه‌ای بر اساس مناسبات و پیوند رشته‌های علمی شکل گرفته‌اند، دانش‌های تطبیقی دانش‌هایی هستند که در آن پیوند بر اساس موضوعات و پیکره‌ی مطالعاتی خود شکل می‌گیرند.

وی با تشریح فعالیت‌های فرهنگستان هنر و انجمن‌های علمی فعال در این حوزه به ذکر برخی حوزه‌های مورد توجه پژوهشگران پرداخت و ایجاد زمینه‌های تعامل و تفاهم برای همکاری‌های مشترک میان نهادهای



علمی و هنری در این راستا را امری مغتنم دانست و گفت: نظر به ضرورت و طرح این موضوعات، فرهنگستان هنر و برخی انجمن‌ها نظیر انجمن علمی هنر و ادبیات تطبیقی برآنست طی همکاری با دیگر دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها و همچنین با برگزاری هم‌اندیشی و نشست و انتشار آثار پژوهشی و کتاب در شکل‌گیری تعامل میان انواع دانش‌های تطبیقی، از دستاوردهای دانش‌ها و پژوهش‌هایی با قدمت بیشتر برای «هنر تطبیقی» که دانشی نوپاست، بهره‌برد.

در ادامه‌ی این نشست دکتر قبادی ضمن تبریک میلاد امام رضا (ع) و قدردانی از تلاش‌های انجام‌شده‌ی طرفین، هم‌زمانی این نشست با این روز خجسته را امری مبارک دانست و تأکید کرد: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در راستای وظایف و مأموریت‌های سازمانی محوله در سالیان گذشته همواره توجه به موضوع مطالعات بینارشته‌ای را در دستور کار خود قرار داده و وجود پژوهش‌ها و مطالعات ارزش‌مند در سالیان اخیر نشان‌دهنده‌ی میزان اهمیت و توجه به این حوزه‌ی مطالعاتی در پژوهشگاه است.

وی افزود: پژوهشگاه علوم انسانی، یک پژوهشگاه جامع با بیش از ۶۰ سال قدمت و ۱۶۰ عضو هیأت علمی است که در ۱۲ پژوهشکده و چندین مرکز فعالیت دارند. پژوهشگاه بر مبنای برنامه‌ی راهبردی خود علاقه‌مند به فعالیت در حوزه‌ی بین‌رشته‌ای است؛ چرا که در واقع علاقه‌مند به حل مسئله است. مسائل جامعه‌چندبعدی هستند و به‌صورت تک‌ساحتی نمی‌توان مسائل را حل کرد. در سال‌های اخیر انجام چندین طرح پژوهشی توسط اعضای هیأت علمی در زمینه‌ی هنر، تشکیل شاخه‌ی هنر در پژوهشکده‌ی دانشنامه‌نگاری و نیز شکل‌گیری گروه تخصصی هنر در شبکه‌ی نخبگانی، میل به فعالیت در حوزه‌ی هنر را نشان می‌دهد.

دکتر قبادی در خاتمه‌ی سخنانش افزود: در حکمت کهن ایرانی-اسلامی مسئله‌ی مهمی که همیشه به آن توجه می‌شد، احساس شعورمندی جهان است اما تخصص‌گرایی‌ها ما را از این حکمت دور کرده است. این حرکت بین‌رشته‌ای و این اتصال هنر به علوم انسانی گویی بیشتر به شعورمندی جهان و کیهان‌اندیشی متصل می‌شود. سرتاسر متون عرفانی ما جز این نیست؛ چرا که جان کلام متون عرفانی ما اشاره می‌کند به این‌که ما باید کیهان‌اندیش باشیم و شعورمندی ذرات هستی را درک کنیم و قطع‌یقین همکاری روش‌مند و برنامه‌مدار میان پژوهشگاه و فرهنگستان هنر می‌تواند به این امر کمک کند و منجر به بازآفرینی فرهنگ ایرانی-اسلامی شود. اگر بتوانیم زبان دقیق جوانان را پیدا کنیم و این میراث را به آن‌ها منتقل کنیم کار بزرگی انجام داده‌ایم. در بخش پایانی مراسم این نشست، تفاهم‌نامه‌ای میان پژوهشگاه و انجمن هنر و ادبیات تطبیقی ایران به امضای طرفین رسید. همچنین مقرر شد تفاهم‌نامه‌ای میان پژوهشگاه و فرهنگستان هنر منعقد شود.



انعقاد تفاهم‌نامه‌ی همکاری میان پژوهشگاه و فرهنگستان هنر

روز دوشنبه ۲۱ تیرماه ۱۴۰۰، در نشستی با حضور دکتر قبادی (رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) و دکتر بهمن نامور مطلق (رئیس فرهنگستان هنر) و برخی از مدیران دو مجموعه، تفاهم‌نامه‌ی همکاری بین طرفین منعقد و بر لزوم توجه به گسترش همکاری در حوزه‌های مختلف هنر و علوم انسانی تأکید شد. در ابتدای نشست دکتر قبادی ضمن ارائه‌ی گزارشی از فعالیت‌های علمی و پژوهشی پژوهشگاه و ظرفیت‌های آن، از جمله شبکه‌ی نخبگانی، تشکیل معاونت کاربردی‌سازی و فرهنگی، ظرفیت‌های پژوهشکده‌ی دانشنامه‌نگاری، جامعیت پژوهشکده‌های مختلف و نیز توانایی اعضای هیأت علمی برای انجام پژوهش در حوزه‌های بین‌رشته‌ای، مواردی را مطرح کرد و گفت: ارتباط دو حوزه‌ی علوم انسانی و هنر می‌تواند در حفظ و معرفی مفاخر و میراث مادی و معنوی و تمدنی ایران موثر باشد. هم‌افزایی این دو حوزه می‌تواند تمدن را پویا و زنده نگه داشته و به گفت‌وگو و وارد و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در راستای وظایف و مأموریت‌های سازمانی در سالیان گذشته همواره نگاه ویژه‌ای به موضوع هنر و مطالعات بینارشته‌ای داشته است. وجود پژوهش‌ها و مطالعات ارزش‌مند در سالیان اخیر نشان از اهمیت و توجه به این حوزه‌ی مطالعاتی در پژوهشگاه دارد. دکتر قبادی در خاتمه‌ی سخنانش تعامل و همکاری‌های مشترک میان نهادهای علمی و هنری به‌خصوص فرهنگستان هنر را امری مغتنم شمرد.

در ادامه دکتر نامور مطلق رئیس فرهنگستان هنر، ضمن اشاره به جای خالی مطالعات بین‌رشته‌ای به‌ویژه فلسفه‌ی هنر یا جامعه‌شناسی هنر، طراحی و برگزاری رویدادهای مشترک میان پژوهشگاه و فرهنگستان را ضروری دانست و تأکید کرد: کار فرهنگستان سیاست‌گذاری و الگوسازی است. ضمن استخراج الگوهای خوب باید به کمک نقد، این الگوها را تقویت کنیم. برخلاف تکنولوژی و علم، حوزه‌ی علوم انسانی و هنر نمی‌تواند به واردات امید داشته باشد و این دو حوزه به دلیل نقشی که در هویت‌سازی و فرهنگ دارند باید مولد و تولید کننده باشند. در فقدان این دو، هویت مخدوش می‌شود. اگر در حوزه‌ی هنر بخواهیم به آفرینش و خلق نایل شویم، ناگزیر باید با حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی ارتباط داشته باشیم تا به تألیف و خلق مؤلف دست یابیم. علوم انسانی می‌تواند به تغذیه‌ی هنر کمک و یاری رساند. امیدواریم با همکاری‌های آتی به خصوص در مطالعات بینارشته‌ای بتوانیم رویدادهای مشترکی داشته باشیم که با شناسایی سلیقه و ذائقه‌ی زیباشناسی جامعه و نقد این وضعیت بتوانیم با الگوسازی و تقویت الگوها، سلیقه‌ی جامعه را ارتقاء بخشیم. معاونان، مدیران و اعضای حاضر در جلسه دکتر پارساپور، دکتر حسینی، دکتر کنگرانی، دکتر عبدی، دکتر ابراهیمی، دکتر تقوی و دکتر شاکری نیز دیدگاه‌های خود در ارتباط با ظرفیت‌های همکاری دو مجموعه را برشمردند. در پایان تفاهم‌نامه‌ی همکاری میان پژوهشگاه و فرهنگستان هنر به امضای رسید.



برگزاری جلسه‌ی هیأت امنای پژوهشگاه با حضور وزیر علوم

ششمین نشست از دوره‌ی چهارم هیأت امنای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دوم تیرماه ۱۴۰۰، با حضور دکتر منصور غلامی وزیر علوم، تحقیقات و فناوری و اعضای هیأت امنای پژوهشگاه برگزار شد. در این جلسه، دستور کارهای مربوط به حوزه‌های مختلف پژوهشگاه، از جمله؛ بودجه، امور مالی، امور اداری، مقولات پژوهشی مانند، گرنت و نظام پرداخت‌ها، برنامه‌ی جذب اعضای هیأت علمی، بخشنامه‌های وزارتی و همایش‌های بین‌المللی مورد بحث و بررسی اعضا قرار گرفت و مقرر شد مصوبات جلسه، پس از تأیید از سوی وزارت عتف، جهت اجرا به پژوهشگاه ابلاغ شود.

در پایان نشست، گزارشی از مجموعه فعالیت‌های پژوهشی و اجرایی پژوهشگاه در طول سال‌های اخیر ارائه شد که اعضای هیأت امناء ضمن قدردانی از خدمات علمی و کاربردی ارائه‌شده، از برنامه‌مداری و جهت‌گیری فعالیت‌های هیأت امناء به تدوین و اجرای برنامه‌های کلان و راهبردی قدردانی کردند.



مدیریت اجرای برنامه‌ی ملی «نظام‌سازی قرآنی» گزارش نشست اول کارگروه «نظام‌سازی اقتصادی»

نخستین جلسه‌ی «کارگروه نظام‌سازی اقتصادی به‌منابه اولین گام در روند اجرای کلان‌پروژه‌ی مدیریت اجرای برنامه‌ی ملی نظام‌سازی قرآنی»، پنج‌م تیرماه ۱۴۰۰ در سالن اندیشه‌ی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

در ابتدای جلسه دکتر فروغ پارسا، مسئول پژوهشکده‌ی مطالعات قرآنی ضمن خوش‌آمدگویی به حاضران، درخصوص چگونگی تفویض این کلان‌برنامه‌ی ملی به پژوهشگاه مطالبی بیان کرد.

در ادامه دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه به‌عنوان مجری اصلی برنامه‌ی ملی ضمن خوش‌آمدگویی به حاضرین در نشست، اجرای طرح کلان «مدیریت اجرای برنامه‌ی ملی نظام‌سازی قرآنی» را در شمار مأموریت‌های مهمی دانست که از سوی وزارت عتف و کمیسیون توسعه‌ی آموزش و پژوهش قرآنی کشور برعهده‌ی پژوهشگاه علوم انسانی گذاشته شده که با توجه به ظرفیت و توان‌مندی پژوهشکده‌ی مطالعات قرآنی و البته با همکاری دیگر پژوهشکده‌ها ان‌شاءالله به نحو شایسته‌ای انجام خواهد شد.

دکتر قبادی تأکید کرد: این کارگروه می‌تواند از تجربه‌ی عالی کارگروه‌ها در شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی استفاده کند و بر این اساس روند اجرایی کارگروه نظام‌سازی اقتصادی با سرعت بیشتری ادامه‌ی کار داشته باشد.

در ادامه دکتر مصباحی‌مقدم، رئیس کارگروه اقتصادی پژوهشگاه به شرح کوتاهی از نظام‌سازی پرداختن و تصریح کرد: جهان خلقت که توسط خداوند آفریده شده است، در تمامی سطوح و اجزای خود از نظام‌مندی فوق‌العاده دقیقی برخوردار است. قرآن به‌عنوان کلام الهی، نظامی تشریحی را بیان می‌کند که منطبق بر نظام تکوینی جهان است و نظام تکوین و نظام تشریح جهان کاملاً هم‌سو هستند لذا، این وظیفه‌ی ماست که با استخراج نظام‌های قرآنی، راهی برای انطباق و عمل به آن‌ها در زندگی بشری باز کنیم.

دکتر میرعظیمی، رئیس کمیسیون توسعه‌ی آموزش و پژوهش قرآنی کشور و ناظر این طرح نیز طی سخنانی اعلام کرد که آیین‌نامه‌ای برای کارگروه‌ها تدوین شده که در اختیار آنان قرار خواهد گرفت. وی همچنین با ذکر نام اعضای کارگروه نظام اقتصادی قرآنی شامل: دکتر مهدی رضوی، دکتر حسین نمازی، دکتر احمد شعبانی، دکتر حسین عیوضلو، دکتر عبدالمجید مبلغی، دکتر حسینعلی سعدی و دکتر سید کاظم رجایی تصریح کرد: دبیر علمی این کارگروه دکتر مهدی رضوی خواهند بود و پژوهشگاه می‌تواند یک دبیر اجرایی برای هرکارگروه انتخاب کند تا هماهنگی‌های لازم جهت برگزاری جلسات و دیگر امور اجرایی انجام گیرد. این دبیر اجرایی همچنین جلساتی با نمایندگان ۶ دستگاه اجرایی مانند وزارت ارشاد برگزار خواهد کرد تا از ظرفیت‌های



موجود در این دستگاه‌ها برای پیشبرد کار استفاده شود.

دکتر میرعظیمی در ادامه عنوان کرد: طی سال‌های اخیر نظام‌سازی‌هایی در حوزه‌ی قرآنی و اسلامی انجام شده است، اما هیچ‌کدام به نتیجه‌ی مطلوب و مورد نظر دست نیافته‌اند. گام اول کارگروه اقتصادی این کلان‌پروژه باید در راه آسیب‌شناسی کارهای انجام‌شده و همچنین روش‌شناسی برداشته شود. سبدهای پروژه‌ای که پیش از این تهیه شده نیز در اختیار کارگروه قرار گرفته است تا از پیشینه‌ی این پژوهش مطلع باشند.

دکتر شعبانی دیگر عضو کارگروه نیز به ایراد سخنانی پرداخت و به این موضوع اشاره کرد: پژوهش‌هایی که تاکنون توسط متولیان امر و دانشگاه‌ها در حوزه‌ی اقتصادی انجام گرفته، اکثراً بر مبنای نظام‌های اقتصادی بشری انجام شده است. بدین ترتیب که عمدتاً زیرساخت‌های اقتصادی غربی به‌عنوان مثال، در حوزه بانک‌داری یا بیمه مدنظر قرار گرفته و سپس به‌دنبال مصداق‌هایی قرآنی برای آن بوده‌اند. این رویکرد منفعلانه نسبت به اقتصاد باید آسیب‌شناسی شده و کنار گذاشته شود. در این پژوهش بایست به دنبال رویکردی کشفی به اقتصاد قرآنی باشیم و این نظام‌سازی را از پایه با نگاهی قرآنی انجام دهیم. وی همچنین پیشنهاد داد که در کارگروه افراد با تنوع‌های تخصصی بیشتری استفاده شود.

در ادامه دکتر فروغ پارسا به‌عنوان دبیر علمی کارگروه توسعه‌ی پژوهش‌های قرآنی کمیسیون توسعه، پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور و مدیر این کلان‌پروژه تصریح کرد: فرصت برای این کلان‌پروژه محدود بوده و دو سال تعیین شده و تاکنون چهار ماه از آن نیز سپری شده است. همچنین سبدهای پروژه‌هایی که از پیش تهیه شده بودند، به‌روز نیستند و با نیازهای کنونی جامعه هم‌خوانی ندارند و می‌توان گفت، ما هنوز در فاز صفر این پروژه قرار داریم.

دکتر پارسا افزود: پژوهشکده‌ی مطالعات قرآنی پژوهشگاه علوم انسانی با سابقه‌ای عالی در انجام پروژه‌های گوناگون قرآنی، نیاز به زمان برای انجام کار دارد، زیرا همیشه کاری دقیق، غنی و کم‌اشکال ارائه داده است، لذا پیشنهاد می‌کنیم که جلسات لازم هر چه زودتر با حضور اعضای کارگروه برگزار شود تا ان‌شاءالله اولویت‌های پژوهشی معین شود و بتوانیم کار پژوهش را آغاز کنیم.

دکتر گرامی از اعضای هیأت علمی پژوهشکده‌ی مطالعات قرآنی نیز در صحبتی کوتاه به این موضوع اشاره کرد که علاوه بر توجه به مشکلاتی که به اصطلاح «اسلامی‌کردن» زیرساخت‌های غیراسلامی برای حوزه‌ی اقتصاد به‌وجود آورده است، مبانی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی این حوزه نیز باید مورد توجه و دقت قرار گیرد.

دکتر سلمان‌نژاد دیگر عضو هیأت علمی پژوهشکده‌ی مطالعات قرآنی در ادامه صحبت‌ها با توجه به پیشینه‌ی فعالیت‌های پژوهشی در حوزه‌ی نظام‌سازی اقتصادی شرح داد: نظام‌سازی‌هایی که به‌نوعی در حوزه‌ی اقتصاد انجام شده، بر اساس شاکله‌ها و طرح‌های برون‌قرآنی بوده و فقط محتواهای قرآنی داشته‌اند که در بسیاری از موارد منجر به تفسیر به رأی نیز شده است.

در پایان جلسه مقرر شد این کارگروه با حضور اکثریت اعضا، ۳ جلسه‌ی دیگر (یک هفته در میان) برگزار و در پایان این جلسات اولویت‌های پژوهشی را مشخص کند که کار پژوهش و تحقیق در اسرع وقت آغاز شود.



نقد کتاب «یک علم اقتصاد: تجویزهای بسیار»

نشست تخصصی نقد کتاب «یک علم اقتصاد: تجویزهای بسیار» اثر: دنی رودریک و مترجمی هادی ورتاییان ۱۰ تیرماه ۱۴۰۰، با سخنرانی دکتر عباس شاکری و دکتر سیدحسین میرجلیلی برگزار شد.



در ابتدای این نشست دکتر شمس‌الملوک مصطفوی، دبیر نشست ضمن خوش‌آمدگویی به حاضرین، در مورد اهداف گروه روش‌شناسی علوم انسانی به ارائه‌ی تصویری درست از روش‌شناسی در رشته‌های مختلف حوزه‌ی علوم انسانی مانند سیاست، اقتصاد، تاریخ، فلسفه، علوم اجتماعی، روان‌شناسی، هنر و... تأکید کرد و گفت: به کمک گروه‌های مربوطه در شورای بررسی متون، (بررسی چالش‌های موجود مرتبط با روش در رشته‌های مختلف علوم انسانی و ارائه راهکارهای ممکن برای مواجهه اصولی با این چالش‌ها) ارائه‌ی نمونه‌هایی از کاربرد روش در بررسی و پژوهش‌های موجود در شاخه‌های مختلف علوم انسانی در سطح ملی و بین‌المللی صورت می‌پذیرد. دکتر مصطفوی در ادامه در مورد کتاب «یک علم اقتصاد، تجویزهای بسیار» توضیحاتی ارائه داد و این نشست را به‌عنوان نمونه‌ای از همکاری گروه روش‌شناسی علوم انسانی و گروه اقتصاد شورای بررسی متون معرفی کرد و گفت: قبلاً نیز کتاب «اقتصاد حکم می‌راند» که در حوزه‌ی فلسفه و روش‌شناسی علم اقتصاد است، با همکاری گروه اقتصاد، نقد و بررسی شده است.

سپس مترجم این کتاب، دکتر ورتاییان به معرفی نویسنده و هدف نگارش اثر پرداخت. بررسی اجمالی فصول کتاب نیز از دیگر موارد ارائه شده توسط وی بود.

ورتاییان شرح داد: کتاب یک علم اقتصاد؛ تجویزهای بسیار [۱] تألیف «پروفسور دنی رودریک»، استاد برجسته‌ی اقتصاد سیاسی بین‌الملل دانشگاه هاروارد است که در حوزه‌های متعددی از دانش اقتصاد نظیر تجارت بین‌الملل، سیاست‌های تجاری، جهانی‌شدن، رشد و توسعه‌ی اقتصادی و اقتصاد سیاسی دارای آثار علمی برجسته است و به‌سبب این فعالیت‌های علمی موفق به کسب جوایز معتبر هیرشمن، لئونتیف و فن‌نیومن برای پیشبرد مرزهای اندیشه‌ی اقتصادی شده است.

وی تأکید کرد: کتاب در سه بخش مجزای رشد اقتصادی، نهادها و جهانی‌شدن تدوین شده و هر بخش شامل دو فصل اصلی و یک فصل انتهایی به‌عنوان نتیجه‌گیری آن بخش است که در مجموع تشکیل دهنده‌ی فصول نه‌گانه کتاب هستند. در فصل نخست با ارائه‌ی حقایق آشکار شده‌ی رشد اقتصادی و همچنین کیفیت و نوع سیاست‌های اتخاذ شده در کشورهای موفق و ناموفق بیان می‌شود که اول، تطابق بسیار اندکی میان سیاست‌های اتخاذ شده‌ی نمونه‌های موفق (نظیر چین، هند و برخی از کشورهای جنوب شرق آسیا) با سیاست‌های اجماع واشنگتنی وجود دارد و دوم، کشورهایی که با اشتیاق از این سیاست‌ها پیروی کرده‌اند، عملکردهای بسیار نامطلوبی را تجربه کرده‌اند. نتیجه‌گیری نویسنده در این فصل آن است که سیاست‌های رشد مناسب برای هر کشور تابع شرایط و اقتضائات خاص همان کشور بوده و پیروی و تقلید از دستورالعمل‌های از پیش تعیین شده (نظیر سیاست‌های اجماع واشنگتنی) استقبال از فاجعه است.

فصل‌های دوم و سوم به ارائه‌ی یک راهبرد برای جهش در رشد اقتصادی اختصاص دارد که بر اساس آن کشورهای در حال توسعه می‌توانند متناسب با فرصت‌ها و محدودیت‌های بومی خود بر حوزه‌هایی متمرکز شوند که دارای

بیشترین و فوری‌ترین تأثیر بر رشد اقتصادی است. بر اساس این راهبرد، با تعیین محدودیت‌های دست و پاگیر رشد اقتصادی، اولویت‌های سیاستی استخراج شده و پس از آن با طراحی سیاست و تقویت زیرساخت‌های نهادی و تنوع فعالیت‌های تولیدی زمینه‌ی تداوم رشد اقتصادی فراهم می‌شود.

بخش دوم کتاب به‌طور خاص بر موضوع نهادها متمرکز است. در فصل چهارم از سیاست‌های صنعتی به‌عنوان سیاست‌هایی که زمینه‌ی بازسازی و تجدید ساختار اقتصاد و همچنین خلق مزیت نسبی برای اقتصاد را تشویق



می‌کند یاد شده و ویژگی‌های نهادی آن به تفصیل بیان می‌شود. در فصل پنجم، با عنوان نهادهای پشتیبان رشد اقتصادی با کیفیت بالا، انواع نهادهایی که باعث کارکرد مناسب بازارها و شکوفایی اقتصاد می‌شود، مورد بحث قرار گرفته و این استدلال مطرح می‌شود که نظام‌های سیاسی مشارکتی و غیرمتمرکز دارای این قابلیت هستند که دانش بومی را جمع کرده و توانایی دستیابی به رشد اقتصادی بالا و باکیفیت را فراهم سازند.

فصل ششم با نام تبیین ماهیت صحیح نهادها به‌عنوان فصل جمع‌بندی بخش دوم به بررسی اهمیت و جایگاه مقایسه‌ای نهادها و سیاست‌های اقتصادی پرداخته و به میزان تأثیر و اهمیت مقولاتی نظیر جبرگرایی تاریخی، جغرافیا و حقوق مالکیت اختصاص دارد. این فصل به این موضوع اشاره دارد که با وجود اجماع نظر گسترده در خصوص اهمیت کیفیت نهادی، شناخت بسیار اندکی از دلالت‌ها و اشارات سیاستی آن وجود داشته و لازم است در تفسیر اهمیت نهادها دقت لازم صورت گیرد تا سبب گمراهی نشود.

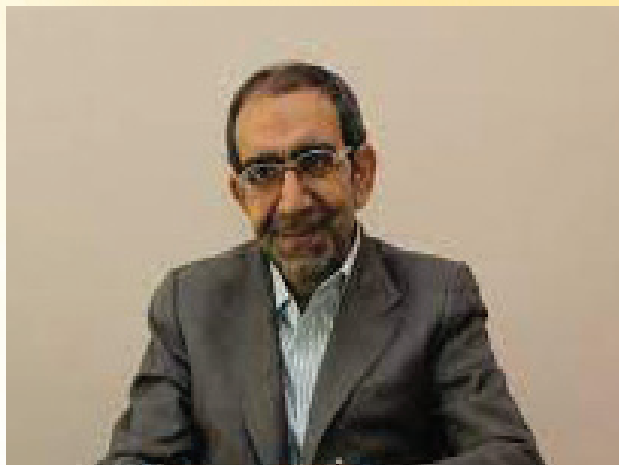
در بخش پایانی کتاب، مغایرت میان ماهیت جهانی بازارهای کالا، خدمات و سرمایه و ماهیت ملی نهادهای پشتیبان و حامی آن‌ها مورد بحث قرار گرفته و دلالت‌های آن به‌طور خاص در مورد رژیم تجارت بین‌المللی مورد بررسی قرار می‌گیرد. نویسنده ضمن انتقاد از عملکرد سازمان تجارت جهانی استدلال می‌کند که این سازمان از اهداف اولیه‌ی خود که همانا توانمندسازی کشورها برای غلبه بر فقر است، فاصله گرفته و صرفاً بر «تجارت حداکثری» متمرکز است.

ورتایان ادامه داد: کتاب به‌شکل نظام‌مند حول کانون اصلی تمرکز خود یعنی سیاست‌گذاری رشد اقتصادی و روش‌شناسی ذکر شده و به‌صورت گام‌به‌گام و منسجم پیش می‌رود. نویسنده به‌این منظور با تمایز قائل شدن میان جهش در رشد اقتصادی و پایداری رشد بالا و باکیفیت دو راهبرد متفاوت برای دو موضوع در نظر می‌گیرد. به‌این صورت که برای اقتصادی که در دام رشد اندک اقتصادی گیر افتاده است نخست باید زمینه‌ی رهایی از این دام و دستیابی به رشد بالا فراهم شود. در گام دوم، لازم است تا رشد اقتصادی تداوم یابد. به‌این منظور نویسنده معتقد است که کشورهای در حال توسعه باید در چارچوب یک برنامه اقدام دولتی (سیاست صنعتی) و با لحاظ ابتکار عمل‌ها، نوآوری‌ها و توانایی‌های بخش خصوصی درون آن، از بازسازی اقتصادی، تنوع‌بخشی به فعالیت‌های اقتصادی و پویایی‌های تکنولوژیکی، بسیار بیشتر از نظام پاداش‌دهی در قالب نیروهای بازار حمایت کنند.

می‌توان بیان کرد که روش‌شناسی مورد استفاده در جهت تبیین، تحلیل و ارائه‌ی راهبردهای سیاستی وجه تمایز این کتاب است. همان‌گونه که نویسنده اذعان دارد، کتاب کاملاً مبتنی بر تحلیل‌های اقتصادی نئوکلاسیکی است و نویسنده ضمن اقرار به کاستی‌های روش‌شناسی نئوکلاسیکی، آن را تنها راه تفکر درباره‌ی مسائل اقتصادی می‌داند اما هم‌زمان میان خود و اقتصاددانان نئوکلاسیک جریان اصلی فاصله می‌گذارد. نقد اصلی مؤلف به اقتصاددانان جریان اصلی که نقطه افتراق وی از ایشان محسوب می‌شود نه به روش تحلیل، که به استخراج نسخه‌های سیاستی جهان‌شمول و تجویز آن به کشورهای در حال توسعه با تمام تفاوت‌های تاریخی، موجودی

اولیه منابع، قابلیت‌های اجرایی و ظرفیت‌های سیاسی آنهاست. به عبارت دیگر، وی به کاربست نادرست علم اقتصاد در استخراج توصیه‌های سیاستی واحد به شدت انتقاد کرده و آن را مسبب کاهش اعتبار علم اقتصاد می‌داند و معتقد است که هر چند یک علم اقتصاد وجود دارد اما نسخه‌ای واحد برای توسعه‌ی اقتصادی وجود ندارد و حتی برای چالش یکسان در دو اقتصاد نمی‌توان راه حل واحدی متصور شد.

سپس دکتر شاکری، استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی در نقد روش‌شناسی کتاب گفت: دنی رودریک در کتاب «یک علم اقتصاد و تجویزهای بی‌شمار» سه موضوع اساسی مرتبط با رشد نهادها و جهانی‌شدن را بررسی و تحلیل می‌کند اما، در عین حال که خود را طرفدار اقتصاد نئوکلاسیک معرفی می‌کند، از منظر روش‌شناختی در علم اقتصاد به نکات بسیار مفید و درس‌آموزی اشاره دارد. وی در این کتاب تأکید می‌کند که اساساً نظریه‌های پایه‌ای و اصول متعارف مبنای تحلیل‌های آسیب شناسانه و سیاستی است اما هنر اقتصاددان باید این باشد که با استفاده از این اصول متعارف و پایه‌ای از میان راه‌کارها و سیاست‌های بی‌شمار ممکن آن را به کار و سیاستی برای ایجاد رشد و تداوم آن توصیه کند که با واقعیت‌ها و شرایط خاص کشور مورد نظر سازگار و منطبق باشد و همه را از ساده‌انگاری در تحلیل و سیاست‌گذاری و تمسک به راه‌کارها و سیاست‌های تقلیدی و کلیشه‌ای برحذر می‌دارد. وی خاطر نشان می‌کند که «تمایل بسیاری از اقتصاددانان در ارائه‌ی مشاوره‌های سیاستی بر اساس قواعد سرانگشتی ساده و بدون در نظر گرفتن شرایط (این را خصوصی کن! آن را آزاد کن و ...) در واقع به جای



این که کاربرد صحیح اصول اقتصادی نشر کلاسیک باشد کاستن از اعتبار آن است اما بیان می‌دارد، زمانی که یک سیاست به‌طور غیر مشروط تجویز می‌شود نظیر آنچه در اجماع واشنگتنی و پساواشننگتنی اتفاق می‌افتد، چیزی جز یک قمار خطرناک نخواهد بود. وی بر لزوم و ضرورت پرهیز از تقلید و تلقیات کلیشه‌ای خاطر نشان می‌کند که «مطالعه‌ی تجربه‌ی کشورهای دیگر یک امر ضروری است اما باید توجه داشت که تقلید و اقتباس (یا رد کردن) بی‌کم‌وکاست سیاست‌ها بدون کسب آگاهی از شرایطی که زمینه‌ی موفقیت (یا شکست) آن کشور را فراهم کرد، تجویز فاجعه است» و این برای نظام آموزش و پژوهش ما در حوزه‌ی علوم اقتصادی بسیار درس‌آموز است. یعنی نمی‌توان با توجه به فلسفه‌ی علوم اجتماعی و اقتصاد، و بدون توجه به تاریخ اندیشه و سیر تحول و تطور نظریات و مکاتب اقتصادی و بدون فراگیری مجموعه‌ای جامع از نظریات و لحاظ شرایط بومی، اجتماعی و محیطی به مجموعه‌ی محدودی از نظریات خاص در لابه‌لای مدل‌های انتزاعی ریاضی و آماری اکتفا کرد و این مجموعه‌ی محدود تک‌ساحتی و کلیشه‌ای را به‌عنوان اصول پایه‌ای نظری علم اقتصاد معرفی کرد و بعد هم با توسل به اجماع واشنگتنی وارد اقتصاد کاربردی شد و برای رشد و توسعه‌ی کشور با این ابزار کند و محدود، راه حل رشد و توسعه ارائه کرد و با ارائه‌ی یک نمایش ساده و تک‌ساحتی از دانش اقتصاد به همه‌ی غیر حرفه‌ای‌ها و اقتصاد نخوانده‌ها مجال داد که وارد حوزه‌ی تحلیل اقتصاد شوند و سرخ همه‌ی امور برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری اقتصاد کشور را به‌دست گیرند. با این حال خالق اثر در مقدمه‌ی کتاب خاطر نشان می‌کند، وقتی بسیاری از افراد به‌راحتی در مورد موضوع مهمی مثل رشد نظر می‌دهند، دلیلش این است که راجع به این موضوع بی‌اطلاع یا کم‌اطلاع هستند.

وی در مورد ضرورت پرهیز از مواضع کلیشه‌ای و تک‌ساحتی در مورد برنامه‌ریزی خاطر نشان می‌کند که «مسئله‌ی هیچ‌کس معتقد نیست برنامه‌ریزی مرکزی جایگزین بهتر و مناسب‌تری است، اما متقابلاً تعداد کمی

از تحلیل‌گران نیز معتقدند که آزادسازی، مقررات‌زدایی و خصوصی‌سازی به خودی خود کلید آغاز جهش در رشد اقتصادی است». وی همچنین بر نقش هنرمندانه‌ی اقتصاددانان خبره و ضرورت جدی گرفتن علم اقتصاد تأکید می‌ورزد. «نکته‌ی اصلی فهم و درک مسئله این است که این اصول (نظری پایه‌ای) مستقیماً به صورت و شکل توصیه‌های سیاستی در نمی‌آیند. حلقه‌ی واسط تبدیل این اصول به توصیه‌های سیاستی، فرد تحلیل‌گری است که بر اساس دانش و آگاهی خود از بافت سیاسی و اقتصادی جامعه، موارد و عناصر فرعی دیگری را به این اصول اضافه کند و این امر بدون مشاهده‌ی تجربی امکان‌پذیر نیست.

دکتر شاکری تأکید کرد: اهمیت شرایط و اقتضائات بومی به این دلیل نیست که این اصول اقتصادی از یک کشور به کشور دیگر تغییر می‌کند، بلکه به این خاطر است که این اصول ملاحظات نهادی را در نظر نمی‌گیرند و تکمیل نهادی آن‌ها نیازمند دانش بومی است. بنابراین درس واقعی برای طراحان راهبردهای رشد اقتصاد آن است که علم اقتصاد را جدی‌تر بگیرند، نه این‌که از اهمیت این علم نزد آن‌ها کاسته شود، اما علم اقتصاد مناسب، علمی است که از تعمیم‌های غیرشرطی امتناع کرده و روابط بین محیط اقتصادی و اشارات و دلالت‌های سیاستی را به دقت آزمون کند. علم اقتصاد سرانگشتی که مدت‌هاست بر سیاست‌های رشد اقتصادی حکم‌فرماست را می‌توان با اطمینان خاطر کنار گذاشت.

در ادامه‌ی این نشست دکتر میرجلیلی، استاد اقتصاد پژوهشگاه علوم انسانی به بررسی و نقد کتاب از منظر اقتصادی پرداخت. وی ابتدا از مترجم کتاب به خاطر ارائه‌ی ترجمه‌ای مناسب تشکر کرد و گفت: در شرایط کنونی اقتصاد ایران، مباحث کتاب می‌تواند در اتخاذ رویکرد مناسب برای شروع رشد و تداوم آن کمک شایانی کند. هر چند مقالات این کتاب طی مدت ۶ سال به نگارش درآمده‌اند و همه‌ی آن‌ها (به جز فصل ۴) تا قبل از تحریر این کتاب، در مجلات اقتصادی به چاپ رسیده‌اند، اما دیدگاه منسجمی از سیاست‌گذاری توسعه ارائه می‌کنند. این کتاب در سه بخش: رشد اقتصادی، نهادها و جهانی‌شدن تدوین شده است.

دکتر میرجلیلی ادامه داد: در این کتاب دو هدف اصلی را دنبال می‌شود؛ هدف نخست، ارائه‌ی تفسیری از تجربیات رشد اقتصادی در گذشته و استخراج و ارائه‌ی راهنمایی‌هایی برای سیاست‌های آتی است. هدف دیگر این کتاب، توضیح ماهیت ترتیبات نهادی، ملی و جهانی است که بیشترین حمایت را از توسعه‌ی



اقتصادی در دوره‌های زمانی بلندمدت فراهم می‌کنند.

یکی از محورهای کتاب این است که «دولت نقش مثبتی در تحریک توسعه‌ی اقتصادی ایفا می‌کند. به دلیل شکست‌های بازار (به عنوان مثال، سرایت اطلاعاتی و شکست‌های هماهنگی) که مرتبط با توسعه‌ی اقتصادی است، به سیاست‌هایی برای شروع رشد و تداوم آن نیاز داریم. از نظر «رودریک» اگرچه یک علم اقتصاد واحد وجود دارد، اما هیچ دستورالعمل واحدی برای توسعه‌ی اقتصادی وجود ندارد.

«رودریک» رویکردهای غالب در سیاست توسعه (یعنی اجماع و اشنگتنی مبتنی بر اقتصاد نئوکلاسیک) را نقد و رویکرد بدیل ارائه می‌کند و آن را دست‌یخت دیگری بر اساس علم اقتصاد می‌داند. از نظر رودریک، فرایندی که کشورها از آن طریق آن نهادها را خوب به دست می‌آورند، معمولاً کاملاً خاص و متناسب با زمینه‌ها هستند (context-specific).

روش آسیب شناسی رشد، این مزیت را دارد که برای این پرسش مکرر کشورهای در حال توسعه که چرا برخلاف انباشت سرمایه‌ی فیزیکی و انسانی، رشد بالا و مستمر، به دست نمی‌آید؟ پاسخ عمل‌گرایانه‌ای می‌دهد. به‌جای این‌که مانند نظریه‌های مرسوم رشد بگوید که سرمایه‌ی فیزیکی و انسانی بیشتری انباشت کنید، می‌گوید؛ «گیرهای و تنگناهای رشد» را شناسایی و رفع کنید، آن‌گاه پتانسیل رشد اقتصادی، آزاد می‌شود. برخی نقدهای محتوایی کتاب عبارتند از:

عنوان کتاب، «تجویزهای بسیار» ترجمه شده است، در حالی که معادل تجویز، prescription است و به نظر من ترجمه‌ی «دستورالعمل‌های بسیار» مناسب‌تر بود. زیرا کلمه recipe دستورالعمل آشپزی و پخت‌وپز است. مقصود مؤلف این است که هر چند یک علم اقتصاد وجود دارد ولی دستورالعمل یکسانی برای سیاست‌های رشد اقتصادی همه‌ی کشورها وجود ندارد. سیاست رشد اقتصادی هر کشور باید با توجه به شرایط خاص آن کشور و به‌صورت مسئله‌محور و برای غلبه بر محدودیت‌های دست‌وپاگیر تهیه شود.

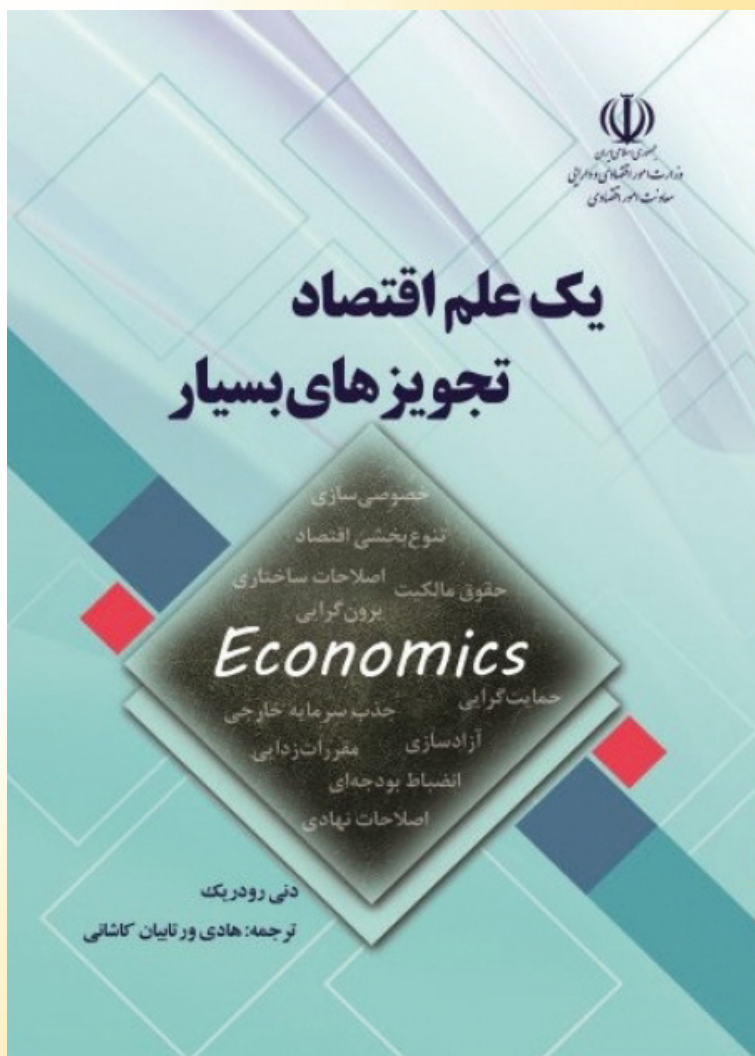
از تحلیل آسیب‌شناسی رشد مشخص می‌شود که رودریک طرفدار تحلیل زمینه‌ای در سیاست‌گذاری توسعه است. این روش تحلیلی در توسعه‌ی اقتصادی طرفداران و مزایایی دارد. اما مشخص نیست که چگونه چنین تحلیلی می‌تواند منجر به یک راه حل روشن شود؟ وقتی خود زمینه (context) در کشورهای در حال توسعه مثلاً منطقه‌ی خاورمیانه در حال تحول دائمی است و محدودیت‌های دست‌وپاگیر مدام تغییر می‌کند.

مؤلف، شناسایی و رفع محدودیت‌های دست‌وپاگیر را موجب جهش رشد می‌داند و پایداری رشد را مستلزم اصلاحات نهادی و اتخاذ سیاست صنعتی معرفی می‌کند اما ویژگی کشورهایی که به مرحله‌ی دوم (پایداری رشد) راه می‌یابند و کشورهایی که به این مرحله نمی‌رسند، توضیح داده نشده است.

مطالعه‌ی محدودیت‌های دست‌وپاگیر رشد اقتصادی در کشورهای مورد بررسی توسط بانک جهانی و سازمان

توسعه‌ی ملل متحد به روش کیفی انجام شده و با توجه به نظرات پاسخ‌دهندگان بوده است. این به‌آن معناست که اگر دو تحقیق در مورد یک کشور انجام شود، به احتمال زیاد نتایج متفاوتی خواهد داشت که به معنای آن است که قضاوت ارزشی در آن دخیل شده. بنابراین شناسایی محدودیت‌های دست‌وپاگیر، متکی بر نظر و قضاوت تحلیل‌گر است. تحقیقات منتشر شده در ایران در زمینه‌ی آسیب‌شناسی رشد اقتصادی شامل مهدوی (۱۳۹۳)، میرجلیلی (۱۳۹۵)، اکبرزاده، پهلوانی و میرجلیلی (۱۳۹۸) و اکبرزاده، پهلوانی و میرجلیلی (۱۳۹۹) نتایج متفاوتی به‌همراه داشته که حاکی از نظرات ارائه شده در پیمایش بوده است.

نکته‌ی پایانی این است که برای مقابله با چالش‌هایی که اقتصاد ایران در زمینه‌ی رشد و توسعه با آن مواجه است، توصیه می‌شود که محققان، کارشناسان و سیاست‌گذاران اقتصادی این کتاب را مطالعه فرمایند. **دانلود** این کتاب به‌صورت رایگان از تارنمای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی امکان‌پذیر است.



دومین همایش ملی واج‌شناسی

دومین همایش ملی واج‌شناسی؛ وام‌واژه‌ها را انجمن علمی زبان‌شناسی و پژوهشگاه را ۲۶ فروردین ۱۴۰۰ برگزار کرد. در این همایش دکتر بشیر جم، دکتر معصومه خیرآبادی، دکتر شاهرودی، دکتر کلاهدوز، عظیمی، جعفری، سیدرضایی، شادی زند سلیمی سخنرانی کردند.

وام‌گیری روندی است که طی آن یک زبان یا گویش برخی از عناصر زبانی را از زبان یا گویش دیگر می‌گیرد و در خود جای می‌دهد. از آن‌جا که واژگان، بی‌ثبات‌ترین بخش هر زبان هستند، معمول‌ترین نوع تبادل میان زبان‌ها محسوب می‌شوند. وام‌واژه‌ها، با نظام واجی زبان وام‌گیرنده منطبق می‌شوند. انطباق وام‌واژه‌ها مدت‌هاست توجه آشناسان و واجشناسان را به خود جلب کرده است. زبان فارسی در طی دوران مختلف بنا به دلایل سیاسی، اجتماعی، مذهبی و علمی تحت تأثیر زبان‌های گوناگونی از جمله عربی، فرانسه، انگلیسی، ترکی، روسی و مغولی قرار داشته است. قرض‌گیری ممکن است منجر به روند تغییراتی در زبان وام‌گیرنده شود، مانند تغییر در تعداد واج‌های زبان یا پذیرش واجی جدید. این وام‌گیری‌ها ممکن است منجر به بروز تغییر در املا، نحو و معناشناسی زبان وام‌گیرنده شوند. این تغییرات از روند یکسانی برخوردار نیستند؛ بعضی زودگذرند و به سرعت جای خود را به صورت‌های دیگر یا عناصر بومی قدیمی داده و زبان را ترک می‌کنند. از سوی دیگر بعضی دیگر از صورت‌های وام‌گرفته شده ممکن است دستخوش تغییرات متنوعی از جمله تغییر آوایی - واجی شوند و به صورتی در آیند که شباهتی به گونه‌ی موجود در زبان قرض‌دهنده نداشته باشند در این همایش شیوه‌های مختلف انطباق واجی وام‌واژه‌ها مطرح شد.

محورهای همایش:

انجمن زبان‌شناسی ایران با همکاری پژوهشگاه زبان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار می‌کند:

«فراخوان مقاله»

دومین همایش ملی واج‌شناسی: وام‌واژه‌ها

معرفی همایش:

وام‌گیری روندی است که طی آن یک زبان یا گویش برخی از عناصر زبانی را از زبان یا گویش دیگری می‌گیرد و در خود جای می‌دهد. از آنجا که واژگان، بی‌ثبات‌ترین بخش هر زبان هستند، معمول‌ترین نوع تبادل میان زبان‌ها محسوب می‌شوند. وام‌واژه‌ها، با نظام واجی زبان وام‌گیرنده منطبق می‌شوند. انطباق وام‌واژه‌ها مدت‌هاست توجه آشناسان و واجشناسان را به خود جلب کرده است. زبان فارسی در طی دوران مختلف بنا به دلایل سیاسی، اجتماعی، مذهبی و علمی تحت تأثیر زبان‌های گوناگونی از جمله عربی، فرانسه، انگلیسی، ترکی، روسی و مغولی قرار داشته است. در این همایش شیوه‌های مختلف انطباق واجی وام‌واژه‌ها مطرح می‌شود.

محورهای همایش:

- ۱- انطباق همخوان‌ها
- ۲- مقایسه همخوان‌ها در دو زبان وام‌دهنده و وام‌گیرنده
- ۳- شیوه تغییر همخوان‌ها
- ۴- انطباق واژه‌ها
- ۵- مقایسه واژه‌ها در دو زبان وام‌دهنده و وام‌گیرنده
- ۶- شیوه تغییر واژه‌ها
- ۷- انطباق ساخت‌ها
- ۸- مقایسه ساخت‌ها در دو زبان وام‌دهنده و وام‌گیرنده
- ۹- تغییر در خوشه آغاز
- ۱۰- تغییر در خوشه پایانه
- ۱۱- تغییر در تعداد هجاهای یک واژه
- ۱۲- انواع فرایندهای واجی در انطباق با زبان وام‌گیرنده
- ۱۳- فرایند درج همخوان یا واژه
- ۱۴- افزایش یک همخوان
- ۱۵- فرایند حذف همخوان یا واژه
- ۱۶- فرایند حذف یک همخوان
- ۱۷- فرایند جایگزینی یک صدا به جای صدای دیگر

دبیر علمی: دکتر عالیه کرد زعفرانلو کامیوزیا
دبیر اجرایی: دکتر افتخار سادات هاشمی

تاریخ‌های مهم:

ارسال اصل مقاله و چکیده انگلیسی: ۱۳۹۸/۱۰/۱۰
اعلام نتایج نوبت اول: ۱۳۹۸/۱۱/۱۱
ارسال نسخه نهایی مقاله (اعمال نظرات داوران): ۱۳۹۸/۱۲/۱۵
زمان برگزاری همایش: فروردین ۱۳۹۹

- مقالات حتماً باید بر اساس قالب محتوایی و صورتی ابلاغی انجمن تدوین شود.
- مقالات می‌بایست به نشانی رایانامه hamayesh@lsl.ir ارسال شوند



- ۱- انطباق همخوان‌ها: مقایسه همخوان‌ها در دو زبان وام‌دهنده و وام‌گیرنده، شیوه‌ی تغییر همخوان‌ها
- ۲- انطباق واژه‌ها: مقایسه‌ی واژه‌ها در دو زبان وام‌دهنده و وام‌گیرنده، شیوه‌ی تغییر واژه‌ها

- ۳- انطباق ساخت‌ها: مقایسه‌ی ساخت‌ها در دو زبان وام‌دهنده و وام‌گیرنده، تغییر در خوشه‌ی آغاز، تغییر در خوشه‌ی پایانه، تغییر در تعداد هجاهای یک واژه

- ۴- انواع فرایندهای واجی در انطباق با زبان وام‌گیرنده: فرایند درج همخوان یا واژه، افزایش یک همخوان، فرایند حذف همخوان یا واژه، فرایند حذف یک همخوان یا واژه، فرایند جایگزینی یک صدا به جای صدای دیگر

تحقیقات بین رشته‌ای زیرساخت الکترونیکی برای زبان، میراث تاریخی و فرهنگی: مطالعه‌ی موردی برای زبان بلغاری

سخنرانی تحقیقات بین رشته‌ای زیرساخت الکترونیکی برای زبان، میراث تاریخی و فرهنگی: یک مطالعه‌ی موردی برای زبان بلغاری با سخنرانی دکتر کرل ایوانف سیموف استاد آکادمی علوم بلغارستان برگزار شد.

وی در این سخنرانی گام‌های اولیه در اجرای زیرساخت‌های تحقیقاتی برای حمایت از پژوهش‌های علوم اجتماعی و انسانی (SSH) ارائه کرد. نیاز است مدیریت حجم زیادی از اطلاعات متنوع حاصل از پژوهش‌ها از جمله انواع مختلف متون (ژانرهای مختلف، دامنه‌های متن‌ها، و دوره‌های زمانی)، مدل‌سازی‌های انجام‌شده، نمایش و توصیف شاهکارهای هنری و غیره انجام پذیرد. اصلی‌ترین عامل وحدت این داده‌ها فراداده‌های مربوط به آنها است، ولی از این طریق اطلاعات معمولی بسیار کمی را می‌توان بازنمایی کرد. از سویی دیگر، داده‌ها و ابزارهای بسیار خاص و ویژه برای مدیریت آن نیاز است مانند ایجاد این داده‌ها و ابزارها (دیجیتال سازی)، بازنمایی، تعمیم، جستجو و غیره.

ما کار شناسایی اطلاعات مورد نظر و مشاهده‌ی همزمان آن در همان بافت که بافت‌سازی اطلاعات در مجموعه داده‌های مختلف نامیده‌ایم را به‌عنوان یکی از مراحل پژوهش در حوزه‌ی علوم اجتماعی و انسانی در نظر گرفته‌ایم. این بافت‌سازی در قالب گراف دانش اجرا می‌شود که توصیف افراد، وقایع، موجودیت‌های جغرافیایی، اشیاء، اسناد، نویسندگان، نظرات و غیره را به یکدیگر پیوند می‌زند که شامل این اطلاعات است:

- (۱) افراد شامل داده‌های بیوگرافی - وقایع در زندگی آنها، نقش آنها؛
 - (۲) موجودیت‌های جغرافیایی شامل تاریخچه شهرها و غیره؛
 - (۳) اشیاء شامل ایجاد، مواد، شکل، کشف؛
 - (۴) رویدادها شامل مکان، زمان، شرکت‌کنندگان، ارتباط با سایر رویدادها؛
 - (۵) اسناد شامل نویسندگان، محتوا، نظرات درباره مردم، رویدادها.
- ایجاد این گراف دانش به ادغام منابع و فن‌آوری‌های مختلفی نیاز است از جمله هستی‌شناسی، گراف‌های دانش موجود، منابع زبانی (مانند پیکره‌های حاوی نشانه‌گذاری معنایی، واژگان معنایی (مانند وردنت)، فهرست اصطلاحات، فن‌آوری‌های زبان)، ترتیب فرایندهای ابهام زدایی معنایی واژه‌ها، بازشناسایی و تعیین موجودیت‌های نامدار و استخراج دانش از متن.

Webinar

Faculty of Linguistics at IHCS and the Department of AI and Linguistic Technology at BAS hold:

Interdisciplinary Research E-Infrastructure for Language, Historical and Cultural Heritage: A Case Study for Bulgarian

Prof. Dr. Kiril Ivanov Simov

Abstract:

The lecture will present the first steps in implementation of a research infrastructure to support the research within Social Sciences and Humanities (SSH). It is needed to provide management of information of a huge variety of research objects including different kinds of texts (various genres, domains, time periods), artifacts models, art masterpieces representations and descriptions, etc. The top unification of these data is the metadata, but very little common information can be represented in this way. On the other end of the scale are the very specific data and tools for its management like creation (digitization), representation, generalization, search, etc.

In this talk, we will discuss the problems with the integration of the existing resources, and the design of new necessary resources. At the end, we will present briefly a tool for usage of the knowledge graph and the language pipeline for indexing of documents.

Date: May 9, 2021 Time: 11:00 AM (Tehran local time)

link <https://webinar.ihcs.ac.ir/b/ihc-vcm-rav-5yo>

کاربرد نرم‌افزار پرت (Praat) در مطالعات گویش‌شناسی

در نشست ۱۲۰ دقیقه‌ای که در تاریخ ۳ تیر ۱۴۰۰ توسط دکتر نوریخس در پیوهشکده زبان‌شناسی دپوهشگاه به صورت رایگان برگزار شد نرم‌افزار پرت در سطح مقدماتی به علاقه‌مندان معرفی شد و علاوه‌بر توضیح کلیات در مورد نرم‌افزار و ویژگی‌های آن، به موضوعات مرتبط با تحلیل گفتار از جمله تحلیل طیف، زیروبمی، سازه‌ها، و شدت، برچسب‌گذاری، تقطیع و رسم نمودار به صورت عملی پرداخته شد. از جمله کاربردهای دیگر این ابزار در حوزه گویش‌شناسی و آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان مطرح شد.

نرم‌افزار پرت (Praat) یک نرم‌افزار رایگان است که برای تحلیل امواج صوتی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این نرم‌افزار از طریق پیوند (https://www.fon.hum.uva.nl/praat/download_win.html) قابل پایین‌گذاری است. نرم‌افزار پرت توسط پل بورسما و دیوید وینیک در دانشگاه آمستردام هلند تهیه شده است و تاکنون نسخه‌های مختلفی با قابلیت استفاده در سیستم عامل‌های مختلف ارائه شده است. این نرم‌افزار یکی از مهم‌ترین ابزارهای تحلیل امواج صوتی گفتار است. با استفاده از این نرم‌افزار امکان مشاهده و اندازه‌گیری دقیق بسیاری از مؤلفه‌های تحلیل زبان‌شناختی فراهم می‌شود. این نرم‌افزار می‌تواند برای تحلیل گفتار، برچسب‌دهی و تقطیع طیف گفتاری، بازشناسی گفتار، نحوه تولید گفتار و حتی برنامه‌نویسی و استفاده از یادگیری ماشینی برای بازشناسی گفتار استفاده شود. در واقع پرت نرم‌افزاری تخصصی برای تحلیل گفتار در حوز آواشناسی است. در این کارگاه سعی بر آن است که شرحی مقدماتی از کاربردهای مختلف این نرم‌افزار از جمله آنالیز گفتار (از جمله تحلیل طیف، زیروبمی، سازه‌ها، شدت و غیره)، برچسب‌گذاری، تقطیع و رسم نمودار ارائه شد.

دانشگاه الزهراء
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشکده زبان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
با همکاری گروه زبان‌شناسی دانشگاه الزهراء برگزار می‌کند:

کاربرد پرت (Praat) در مطالعات گویش‌شناسی



سخنران:
دکتر ماندانا نوربخش

زمان: پنجشنبه ۳ تیر ماه ۱۴۰۰ ساعت: ۱۴ تا ۱۶

لینک ورود رایگان:
<https://webinar.ihcs.ac.ir/b/ihc-y55-3ov-kch>

روش و کارکرد فلسفه

جلسه‌ی سخنرانی دکتر هادی صمدی، عضو هیأت علمی گروه فلسفه‌ی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، با عنوان «روش و کارکرد فلسفه» نهم مردادماه ۱۴۰۰، با حضور مخاطبان برگزار شد.

در آغاز جلسه، دکتر شمس‌الملوک مصطفوی، رئیس گروه روش‌شناسی علوم انسانی، ضمن خوش‌آمدگویی به حاضرین در نشست، خاطرنشان کرد که گروه روش‌شناسی علوم انسانی شورای بررسی متون پژوهشگاه علوم

انسانی و مطالعات انسانی، تلاش می‌کند با برگزاری نشست‌ها، کارگاه‌ها، سخنرانی‌ها و همایش‌های مختلف موضوع روش و روش‌شناسی را در حوزه‌های مختلف علوم انسانی مانند فلسفه، سیاست، اقتصاد، روان‌شناسی، علوم اجتماعی و ... مورد بررسی قرار دهد، مسائل مبتلابه آن را روشن سازد و تصویر روشنی از روش و روش‌شناسی در علوم انسانی به جامعه‌ی علمی ارائه دهد. همچنین این گروه در تلاش است چالش‌های مربوط به روش را در رشته‌های مختلف علوم انسانی معلوم کرده و راه‌کارهای ممکن را ارائه دهد. سخنرانی صمدی نیز در راستای تحقق این اهداف برگزار شد.



در این سخنرانی به پرسش‌های ذیل پرداخته شد:

آیا فلسفه روش منحصر به فرد خود را دارد؟

اگر چنین روشی هست ویژگی آن چیست؟

آیا منظور از روش در فلسفه همان هدف یا کارکرد فلسفه است؟

صمدی به این پرسش‌ها از منظر تکاملی انواع مختلف فلسفه‌ورزی، یعنی فلسفه‌ی تحلیلی، فلسفه‌ی ترکیبی، فلسفه‌های قاره‌ای و ... پاسخ داد و یادآور شد: سخن گفتن از روش فلسفه در دو دهه‌ی اخیر و با پیدایی رویکردهایی در فلسفه با نام فلسفه‌ی آزمایشی باب شده است. در ابتدای قرن بیستم سخن از چپستی روش علمی بود و با گسترش رویکردهای طبیعت‌گرایانه و در ابتدای قرن بیست و یکم سخن از روش فلسفی باب شد. همانند ناکامی در مشخص کردن روش منحصر به فردی برای علم، معرفی روش منحصر به فردی برای فلسفه نیز ناکام مانده است. در این میان بحث به کارکرد فلسفه در جامعه کشیده شد. فلسفه برای جامعه نقش بخش تحقیق و توسعه را برای شرکت‌های تولیدی بزرگ بازی می‌کند. همان‌طور که بخش تحقیق و توسعه هم مسئولیت یافتن خطاهایی پنهان در سیستم را بازی می‌کند و هم نقش پیشنهاد راه‌حلی بدیل را فلسفه نیز کارکردش نقد روندهای رایج در بخش‌های مختلف جامعه و یافتن خطاهای پنهان در آن است و هم عرضه‌ی رویه‌هایی بدیل برای آینده.

دکتر صمدی تأکید کرد: همان‌طور که از بخش تحقیق و توسعه نباید انتظار تعریف و تمجید از روندهای رایج را داشته باشیم (این کار بخش تبلیغات و بازاریابی شرکت است)، از فلسفه نیز نباید انتظار توجیه شرایط کنونی را داشته باشیم.

وی ادامه داد: آیا قابل تصور است که صاحبان یک شرکت تولیدی از پژوهشگران بخش تحقیق و توسعه‌ی خود بخواهند که از سیستم رایج ایرادی نگیرند و راه‌کار جایگزینی عرضه نکنند؟ در این صورت چرا آن بخش را به‌طور کامل منحل نکنند؟! در جوامعی که فیلسوفان آن حقوق‌بگیرانی هستند که به خواست حقوق‌دهندگان پژوهش می‌کنند و حقوق‌دهندگان نیز نقد بر روندهای کنونی را بر نمی‌تابند، نباید انتظار پیشرفت را داشت. پیشرفت جز با نقادی رخ نخواهد داد.

در پایان جلسه، مخاطبین پرسش‌های خود را مطرح کرده و سخنران به آن‌ها پاسخ داد.

سوگواری در تنهایی

نشست تخصصی «سوگواری در تنهایی» با هدف تحلیل پیامدهای ارتباطی، جامعه‌شناختی و روان‌شناختی کرونا ۲۵ خردادماه ۱۴۰۰، به همت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به صورت مجازی برگزار شد. در این نشست دکتر مهدی محسنیان‌راد (استاد دانشگاه امام صادق)، نعمت‌الله فاضلی (استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) و روح‌الله شهابی (استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) به تحلیل مسئله‌ی سوگواری در تنهایی پرداختند.

دکتر مهدی محسنیان‌راد که نخستین سخنران این نشست بود، گفت: در طول تاریخ بشر هیچ واژه‌ای به اندازه‌ی کرونا همه‌گیر و وارد همه‌ی زبان‌ها نشد. کرونا به تمام زبان‌ها با یک واژه‌ی مشترک وارد شد و به نظر می‌رسد پر استعمال‌ترین واژه در طول تاریخ بشر بوده است.



استاد دانشگاه امام صادق (ع) با اشاره به موضوع انسان و ارتباط با خود گفت: به نظر من با توجه به فراگیری و پیشروی کرونا در جهان و ایران، شرایطی برای همگان پیش آمده که وارد لایه‌ی پیچیده‌ی بسیار ناشناخته‌ای به نام «ارتباط درون‌فردی» یا به زبان عامیانه «ارتباط با خود از نوع رنج‌آور» شده‌ایم.

محسنیان‌راد با بیان این‌که، سوگواری نوعی ابراز اندوه عمیق برای کسی است که جایگاه ویژه‌ای از نوع جهت‌گیری مثبت به متوفی دارد، گفت: این اندوه عمیق هنگام فوت نزدیکان، امری طبیعی است. زمانی که فرد در اندوه عمیق فرو می‌رود تا زمانی که به آرامش و وضعیت عادی برگردد، زمان‌بر است. واژه‌ی چهل‌م یا چهل روز قطعاً در طول تاریخ و از درون تجربیات گذشتگان در انسان معاصر درست شده است و مقطع مناسبی است تا فرد به حالت طبیعی خود برگردد.

او بیان کرد: شواهد علمی نشان می‌دهد که طولانی شدن دوره‌ی اندوه و سوگواری اگر در تنهایی بگذرد، بیشتر رنج‌آور خواهد شد. امروزه در همه‌ی جوامع کرونازده، افرادی که به دلایل غیرکرونایی هم فوت می‌کنند از تمام مواهب سوگواری جمعی در فضای واقعی محروم می‌شوند و در تنهایی سوگواری می‌کنند. یک نکته‌ی بسیار مهم این است که این اندوه عمیق سوگوار با اجرای هنجارهای خاصی همراه است که در فرهنگ‌های مختلف متفاوت است. در تقریباً ۹۰ درصد جوامع پوشیدن لباس سیاه یکی از این نمادهای ارتباطی مرتبط با سوگواری است. می‌دانیم در بندرعباس سوگواری همراه با حرکات و رفتارهای خاص است. یا مثلاً در هند طبق تجربه‌ای که داشتیم، شاهد تدفین مادری بودم که همه‌ی اقوام به آرامی شاهد سوزاندن جسد بودند و کسی عکس‌العمل خاصی از خود نشان نمی‌داد. این‌ها مجموعه‌ای از کنش‌ها و به‌کارگیری نشانه‌های ارتباطی است. از دیدگاه دکتر محسنیان‌راد، سوگواری هم بروز درونی و هم بروز بیرونی دارد که همه‌ی آن‌ها دربرگیرنده‌ی

مجموعه‌ای از کنش‌هاست. او توضیح داد: از نحوه‌ی ایستادن نزدیکان متوفی در مجلس ترحیم به ترتیب جایگاه و میزان قرابت با متوفی، نوع رفتاری که انجام می‌دهند. این‌ها مجموعه‌ای از نشانه‌های ارتباطی هستند که از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر فرق می‌کنند. این هنجارها و رفتارها در دوره‌ای از زمان رخ می‌دهند و خارج از آن، دیگر هنجار محسوب نمی‌شود.

این استاد دانشگاه با اشاره به دو گونه سوگواری در دوران کرونا گفت: یکی تجربه‌ی اندوه عمیق همراه با کمک دیگران با برگزاری هنجارهای سوگواری و دیگری، تجربه‌ی اندوه عمیق بدون کمک دیگران. مثلاً در مذهب شیعه وقتی کسی، صدای لاله‌الاله را هنگام تشریح میتی می‌شنود و می‌بیند، میت را همراهی می‌کند و به تشیع میت می‌پیوندد و اطرافیان متوفی در آن لحظات احساس می‌کنند که تنها نیستند، اما در نوع دوم یعنی تجربه‌ی اندوه عمیق بدون کمک دیگران در اجرای هنجارهای سوگواری، اصلاً هنجارها به هم می‌ریزد و زمینه و امکان اجرا وجود ندارد.

محسنیان‌راد درباره‌ی عوامل تأثیرگذار در کنش‌های ارتباطی افراد هنگام سوگواری توضیح داد: سه عامل مهم تعیین می‌کند که کنش ارتباطی سوگواران در چه درجه‌ای قرار دارد. یکی جایگاه سوگوار در هرم وابستگی فرد از دست رفته است. در نظر بگیرید که در نوک هرم نزدیک‌ترین درجه‌ی وابستگی فرد به متوفی مثل فرزندان و همسر تا پایین‌ترین درجه‌ی وابستگی به متوفی نظیر کسانی که مغازه‌ای را تعطیل کرده و ایستاده‌اند تا تشییع آغاز شود، قرار دارند، پس جایگاه سوگوار در هرم وابستگی متوفی یک عامل مهم در کنش‌های ارتباطی اوست. عامل دوم این است که سوگوار چه وزنی به اطلاعات مربوط به مرگ فرد از دست‌رفته می‌دهد و عامل سوم، درجه‌ی انتظارات دریافت آن اطلاعات (خبر مرگ عزیزان) است. فرد چه میزان انتظار دریافت خبر یک مرگ ناگهانی را دارد.

استاد ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع) افزود: کسانی که در نوک هرم وابستگی قرار دارند به‌طور نسبی، بالاترین وزن اطلاعاتی را به خبر درگذشت متوفی می‌دهند. این موضوع را «لینل جان» این‌طور تحلیل می‌کند که ما به هنگام مواجهه با هر اطلاعاتی وزن مشخصی به آن می‌دهیم که تابع عوامل مشخصی است و حاصل همه‌ی آن عوامل، درجه‌ی اهمیتی است که آن اطلاعات برای ما دارد. در مورد اطلاعات دریافتی از رسانه‌ها نیز این دیدگاه مطرح است که هر قدر وزن تعیین‌شده بیشتر باشد، میزان توجه و اثرپذیری از آن بیشتر است اما عامل مهم درجه‌ی انتظار دریافت اطلاعات است، مترقبه یا غیرمترقبه بودن اطلاعات این‌جا نقش دارد. مثلاً درجه‌ی بالای انتظار دریافت اطلاعات در کنار وزن بالای اطلاعات، بروز اندوه کمتری به دنبال دارد تا درجه‌ی پایین انتظار اطلاعات و وزن متوسط اطلاعات. در همان حال درجه‌ی پایین انتظار دریافت اطلاعات و وزن بالای اطلاعات اندوه بیشتری را به دنبال دارد.

او تصریح کرد: در سوگ در تنهایی بیشتری فشار را بر دارندگان پایین‌ترین درجه‌ی انتظار دریافت اطلاعات و بالاترین وزن اطلاعات وارد می‌کند. در کرونا دقیقاً از لحظه‌ای که از بیماری نزدیکان‌تان باخبر می‌شوید، تا انتهای بیماری، حدوداً ۱۴ روز طول می‌کشد. این چهارده روز، در مقایسه با بیماری که مدت‌هاست درگیری بیماری مزمن قلبی، دیابت و سرطان دارد، دوره‌ی غیرمترقبه‌ای است. یعنی ظرف ۱۴ روز این درجه‌ها از صفر به ۱۰۰ تبدیل می‌شود، دو هفته‌ای که در آغاز به دلیل نامشخص بودن آن در چهارده روز فشار مضاعفی را برای افراد در نوک هرم ایجاد می‌کند و وقتی به مرگ منجر می‌شود، سوگوار با یک فرسایش عمومی جسمی و روحی وارد مرحله‌ی سوگواری می‌شود. چون هیچ‌گونه اطلاعاتی در مورد این‌که این مسیر درمان جواب می‌دهد یا نه، ندارد و بیش از همیشه به کارهای مناسبی پرکنش متقابل و پرهنجار واقعی نه مجازی احتیاج دارد.

او در ادامه به کارکردهای سوگواری جمعی پرهنجار واقعی و رابطه‌اش با ارتباطات درون‌فردی پرداخت و گفت: ارتباطات درون‌فردی، وسیع‌ترین لایه‌ی ارتباطی ماست و ارتباط رسانه‌ای پایین حجم ارتباطات انسان را به‌طور طبیعی در بر می‌گیرد. ارتباط با خود دو گونه است که یکی ارتباط محاوره‌ای و صامت به‌صورت گفت‌وگوی درونی است و دیگری مکالمه‌ای شنیدنی و بیرونی که به خود فرد ارجاع داده می‌شود و فرد با خودش حرف می‌زند و شاید دیگران هم آن را بشنوند که در حال گفت‌وگو با خود است. ارتباط با خود هم می‌تواند آگاهانه و عامدانه انجام شود و هم ناخودآگاه.

محسنیان‌راد توضیح داد: ارتباط با خود هنوز یکی از پیچیده‌ترین و ناشناخته‌ترین سطوح ارتباط برای ارتباط شناسان است که با تفکر متفاوت است و ظهور بیرونی ندارد و یا کمتر دارد و لذا از جبرهای هنجارهای اجتماعی برای ارتباط کاملاً رهاست. چون رها از قیود ارتباط اجتماعی است، اجازه‌ی بیشترین ادراک و تفسیر انتخابی از موضوع را به فرد (سوگوار) می‌دهد. درک پدیده‌ی مرگ و تفسیر ماهیت مرگ به دلیل جاودانگی این سؤال مهم و به‌طور عملی بی‌جوابی همه‌ی انسان‌ها در طول تاریخ از همه‌ی موضوعات برای ارتباط به‌ویژه



ارتباط با خود دشوارتر است. به‌نظرم «رنجی» که ادراک و تفسیر انتخابی در سوگواران مرگ‌های کرونایی ایجاد می‌کند، علاوه‌بر این‌که متأثر از عوامل درجه‌ی وابستگی فرد متوفی، درجه‌ی انتظارات دریافت اطلاعات و وزن اطلاعات است، به میزان زیادی به هویت و شخصیت فرد هم بستگی دارد. مثلاً بیشتر کسانی که تقدیرگرا و آخرت‌باور هستند به‌هنگام مواجهه با مرگ عزیزان‌شان در موضع ترکیب درجه‌ی انتظار پایین دریافت اطلاعات و وزن بالای اطلاعات و درجه‌ی وابستگی بالای فرد، در مدیریت رنج و اندوه خود تواناتر هستند و این با ویژگی ادراک انتخابی و تفسیر انتخابی از مرگ انجام می‌شود. ادراک و تفسیر انتخابی یعنی این‌که فرد کوشش می‌کند بر اساس چارچوب‌های مرجع خاص خود و آنچه می‌شنود و می‌بیند و در ارتباط با خود هر آنچه دریافت می‌کند را با باورهایش سازگار کند.

محسنیان‌راد معتقد است مهم‌ترین کارکرد سوگواری جمعی پرهنجار واقعی به زبان ساده این است که حواس شما را پرت می‌کند تا فرد به وادی ارتباط باخود پررنج نیفتد. زیرا فرد سوگوار در حالت تنهایی اندوه عمیقی را در ارتباط با خود متوجه می‌شود که بسیار رنج‌آور است.

این استاد دانشگاه در ادامه به تأثیرات حضور افراد در کنار فرد بازمانده اشاره کرد و گفت: طبق تحقیقات انجام شده زمانی‌که فرد دچار سوگ از دست دادن عزیز می‌شود، همراهی دیگران در فرستادن پیام‌هایی از جنس هم‌دردی با بازمانده، تنها ۳ درصد می‌تواند تسکین بخش برای بازمانده باشد و بقیه‌ی ۹۷ درصد به حضور افراد در کنار بازمانده برمی‌گردد. این نوع حضور به معنای تنها نگذاشتن و بیشتر گوش‌دادن هم‌دلانه است و همه‌ی این‌ها در واژه به نام «خدمت حضور» معنا پیدا می‌کند. مهم‌ترین ویژگی خدمت حضور می‌تواند همین مسئله باشد که اجازه ندهد فرد به ارتباط با خود برود و گوش‌دادن هم‌دلانه راه‌کاری برای نجات برای نرفتن فرد برای ارتباط با خود است.

او ادامه داد: در چند دهه‌ی گذشته در متون درسی ارتباطات، فصلی به نام گوش‌دادن نبود و بیشتر بر صحبت‌کردن و گفت‌وگو تأکید می‌شد، در حالی‌که الان چندین سال است که فصولی به نام گوش‌دادن به دروس اضافه شده است. گوش‌دادن هم‌دلانه در سوگواری‌ها به شدت تأکید شده است.

محسنیان‌راد در ادامه به کارکرد گوش‌دادن هم‌دلانه اشاره و بیان کرد: این نوع گوش‌دادن باعث می‌شود تا نوعی تخلیه در فرد بازمانده صورت بگیرد. به‌نوعی نگرانی‌هایش تخلیه می‌شود در نتیجه این تخلیه، نوعی آرامش برای فرد ایجاد می‌شود. کارکرد دوم این است که برای ذهن افراد بازمانده موضوع شفاف می‌شود و راه‌کارهایی برایش نمایان می‌شود. در این‌جا باید به این نکته اشاره کنم که ارتباط با خود با تفکر متفاوت است. تفکر برای حل مسئله است و هر اندیشمندی و هر محصولی دارای تفکر است. سومین کارکرد گوش‌دادن هم‌دلانه این است که ممکن است خود فرد بازمانده به راه‌کارهایی دست پیدا کند. به‌طور کلی فرد به یک آرامش بیشتری می‌رسد و این دوره را با راحتی بیشتری طی می‌کند.

در ادامه این نشست غیرحضور، دکتر نعمت‌الله فاضلی در ابتدای صحبت‌های خود با تحلیل «چرایی مسئله‌شدن سوگواری در تنهایی» توضیح داد: منظورم از مسئله‌شدن سوگواری در تنهایی این است که مرگ از همان لحظه‌ی تولد انسان، متولد می‌شود و از همان لحظه، ماتم و غم از دست دادن انسان در دل آدمیان می‌نشیند و همین باعث شد تا فرهنگ به‌عنوان مجموعه‌ای از معناها، راهبردها و الگوهایی که ما انسان‌ها آن‌ها را برای رویارویی برای زندگی شکل می‌دهیم، مرگ در کانون این فرهنگ قرار گیرد و مجموعه‌ای از راهبردها و مدل‌های فرهنگی و طرح‌واره‌های شناختی برای معناپذیر کردن مرگ به‌وجود می‌آید که می‌توانیم به آن‌ها «آیین‌های مرگ» بگوییم.

فاضلی ادامه داد: آیین‌های مرگ دربرگیرنده‌ی مراسم تشییع و تدفین تا آیین‌های تسکین بخشیدن به انسان‌هاست. درواقع مجموعه‌ای از آیین، فرهنگ جامعی در تمام جوامع تشکل داده است. شاهدیم از همان زمان انسان‌های تکامل‌گرا، همگی درگیر این آیین‌های مرگ بودند و هستند. برای علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی همواره این مسائل از موضوعات قابل توجه بوده است. چون این آیین‌ها درپچه‌ای برای شناخت جامعه و انسان هستند. این استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، با اشاره به این‌که مرگ در نوع خود یکی از بزرگترین معماها برای پژوهشگران علوم اجتماعی است، بیان کرد: در همه‌ی فرهنگ‌ها و اقوام، مسئله‌ی آیین‌های مرگ اهمیت دارد و همین باعث شده تا انسان‌شناسان در همه‌ی کشورها روی شناخت این مقوله متمرکز شوند. هر فرهنگ، تاریخ و جامعه‌ای شیوه‌ی خاصی از بساختن مرگ و معنای مرگ را تجربه می‌کند. در کشور ما مرگ به‌شیوه‌ی خاصی برساخته شده است. پیش از اسلام به یک شکل بوده، بعد از اسلام شکل دیگر. در دوره‌ی معاصر تا الان ما با یک «گسست معنا» در مرگ روبه‌رو بوده‌ایم. این گسست بیشتر تاریخی بوده، یعنی

یک شکلی از تغییر در معنای هویت مرگ در زندگی ایرانی آشکار شده است. فاضلی با توضیح درباره‌ی این گسست معنا در خصوص مرگ گفت: محققان درباره‌ی این تغییر در حوزه‌ی مرگ توضیحاتی داده‌اند. سال گذشته یک پژوهشگر مردم‌شناسی، کتابی را منتشر کرد که اولین کتابی است که مسئله‌ی مرگ را از جنبه‌های گوناگون و از دیدگاه نویسندگان اجتماعی و فرهنگی شرح داده است و مسئله‌شدن آیین‌های مرگ را هم توضیح داده‌اند.



او تشریح کرد: مسئله‌شدن آیین‌های مرگ به این دلیل است که باعث تغییرات عمیقی در نحوه‌ی برگزاری سوگواری و آیین‌ها و معنای مرگ شده است. مرگ از معنای امری طبیعی زیستی یا یک تقدیر ابدی بیرون آمده و از معناهای تاریخی که یا در پرتو الهیاتی یا در چشم‌انداز طبیعی بود، خارج شده و مرگ تبدیل به امری شده که می‌توان آنرا کنترل و دست‌کاری کرد و می‌توان برداشتهای متنوع و متکثر از آن داشت. این انسان‌شناس با نگاهی اجتماعی به تغییر معنای مرگ در زندگی ایرانیان بیان کرد: فرآیندهایی که در چند دهه‌ی اخیر در ایران به وجود آمده، مرگ، سوگ و ماتم را دست‌کاری کرده و با فرآیندهای متعدد پزشکی، بوروکراتیک‌شدن مسئله‌ی مرگ، مداخله‌های گسترده‌ی ایدئولوژیکی و سیاسی مرگ و درآمیختن مرگ با شهرنشینی و تکنولوژی و درآمیختن مرگ با سازمان مدرن زندگی اجتماعی همه‌ی این موارد مذکور به‌طور طبیعی آیین‌های مرگ را دست‌خوش تغییر کرده است. به این معنا که هر چه قدر جامعه، فرآیندهای معاصرشدن خود را بیشتر تجربه می‌کند، (فرآیندهایی مثل رسانه‌ای شدن، بروکراتیک شدن، شهری شدن، جهانی شدن و...) مسئله‌ی مرگ، سوگ و ماتم و رویارویی بشر با آن نیز دست‌خوش تغییرات جدی شده است. فاضلی معتقد است، احساس ماتم، اندوه و آیینی که برای ابراز اندوه به کار می‌گیریم، برگرفته از برساخت‌های جمعی فرهنگی و تاریخی هستند. او توضیح داد: در حال حاضر اگر چه فرد در خلوت و تنهایی خود آن‌ها را تجربه می‌کند، اما رمزگان عاطفی و احساسی که ماتم و معنای آن را شکل می‌دهد، بخش عظیمی از آن به برساخت‌های جمعی فرهنگی و رسانه‌ای و اجتماعی است که باید از آن زاویه به آن نگاه کرد. او با اشاره به تغییرات در مفهوم مرگ و ارتباط آن با شهرنشینی گفت: با توسعه‌ی شهری و شهرهای مدرن مثل تبریز، تهران و... ما شاهد اولین مواجهه با مفهوم مرگ «شهری‌شده» هستیم. چون از همین جا آرامستان‌ها هویت جدیدی در فضای شهری پیدا می‌کنند تا این‌که به دورانی می‌رسیم که آرامستان‌ها از شهرها خارج و به حاشیه‌ی شهرها می‌روند. سمبل همه‌ی این‌ها بهشت زهرا (س) تهران هست. اتفاقی که در دوره‌ی قاجار و دور بعد یعنی دوره‌ی پهلوی شکل گرفت و بعداً گسترش پیدا کرد. آرامستان‌ها به‌عنوان یک فضای تاریخی

جمع‌ی جدیدی از معنای مرگ هستند و مرگ را از درون امامزاده‌ها و محله‌ها بیرون آورده و به حاشیه‌ی شهر راندند.

او توضیح داد: بروکراتیک شدن مقوله‌ی مرگ به این معناست که با تولد آدم‌ها و فوت آن‌ها و ثبت این موارد در شناسنامه‌ی افراد، به‌نوعی تبدیل به بخشی از آمار دموگرافیک جامعه می‌شود و نوعی کنترل نظارت اجتماعی و سازمانی جدیدی برای مرگ است تا تحولاتی که با پیدایش رسانه‌ها، مطبوعات، رادیو و تلویزیون به وجود آمد که مقوله‌ی بازنمایی مرگ شکل دیگری به خود گرفت.

فاضلی در ادامه به عرفی شدن مسئله‌ی مرگ برای افراد پرداخت و گفت: نکته‌ی مهم دیگر، عرفی شدن مسئله‌ی مرگ در جامعه است. به معنای درگیر شدن همه‌ی مردم ایران با ارزش‌های دنیوی و فهم دنیوی از مقوله‌ی مرگ و زندگی است و به‌نوعی عقلانی شدن مواجهه‌ی ما با مقوله‌ی مرگ است که با فرایند پزشکی شدن بدن و سلامتی این موضوع را بسیار برجسته‌تر می‌کند. یعنی میزان باورهای عمیق آدمیان با این‌که مرگ واقعاً چه معنایی دارد، معنای خود را از دست می‌دهد و این مفهوم سست‌تر می‌شود و در نتیجه به‌لحاظ معنایی، تلقی‌های بدیهی به‌وجود می‌آید که البته در این مورد جامعه‌ی ما هم‌دست و هم‌شکل نیست. به مقدراری که باورهای الهی و متافیزیکی درباره‌ی مرگ تغییر می‌کرد، مسئله‌ی تجاری و مسلکی شدن آیین‌های مرگ نیز بیشتر می‌شود.

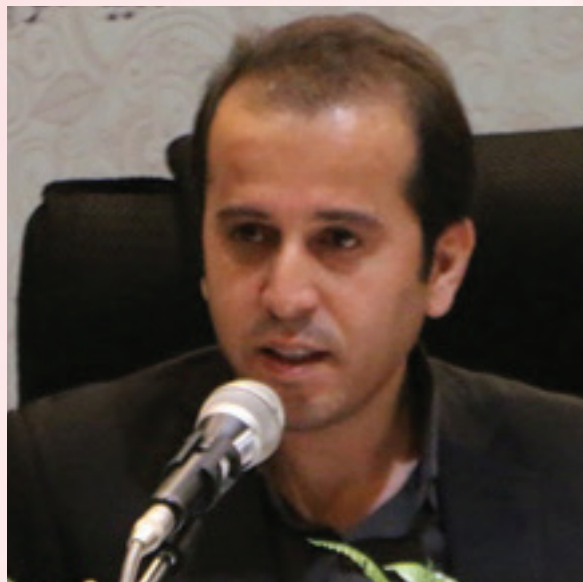
فاضلی درباره‌ی نوع سوگواری افراد در تنهایی ناشی از مرگ‌های کرونایی چنین تحلیل کرد: اگر همه‌ی این موارد را کنار یکدیگر بگذاریم، به نکته‌ی مهمی می‌رسیم که دکتر محسنیان‌راد از آن به‌عنوان ارتباط با خود یاد کرد. به‌نظرم در دوران کرونا، آن ارتباط با خود، تنها شدنش بیشتر شد. چون در واقعیت روز به‌روز جامعه، آیین‌های بیرونی را مصرفی، تجاری و وجوه مادی مرگ را پررنگ می‌کرد. اما وجوه درونی و معنایی درباره‌ی مرگ نحیف‌تر و کم‌رنگ‌تر شد و اغلب ما این باور و تجربه‌ی زیسته را داشتیم. مثلاً شاهد برگزاری مراسم با آداب و آیین‌های فراوانی چون مراسم پررنگ و لعاب‌تر و سنگ‌های گران‌قیمت‌تر در دهه‌های اخیر بودیم و همه‌ی این‌ها نشانه‌ای بود برای این‌که بدانیم تغییر مفهوم مرگ و سوگواری معنای خود را از سال‌ها پیش شروع کرده. او ادامه داد: سوگواری در تنهایی در فرایندی اتفاق افتاد که سال‌ها پیش رخ داد و آن‌چه کرونا برای ما رویت‌پذیر کرد، یک تنهایی بود که در واقعیت جامعه کمابیش رخ داده. کاری که کرونا کرد سوگ را کم کرد و به‌نوعی قید سوگواری را زد.

سومین سخنران این نشست دکتر روح الله شهبابی بود که در ابتدای صحبت‌های خود توضیح داد: در ادبیات روان‌شناسی هنوز به اندازه‌ی کافی پژوهش درباره‌ی سوگواری ناشی از پاندمی کرونا انجام نشده است و این مسئله، صحبت بر پایه‌ی پژوهش درباره‌ی این پاندمی را سخت می‌کند. با این حال گفته می‌شود به ازای هر مرگ حداقل ۹ نفر سوگواری می‌شوند. البته با توجه به ویژگی‌های جامعه‌ی ما این عدد احتمالاً بیشتر است. به عبارتی در یک‌سال گذشته چند میلیون از هم‌وطنان دچار سوگی شده‌اند که با سوگ ناشی از کرونا اشتراک‌های زیادی دارد.

دکتر شهبابی گفت: مجموعه عواملی دست به دست هم می‌دهند تا هم‌وطنان ما آمادگی ابتلا به سوگ پاتولوژیک یا پیچیده را داشته باشند. اول؛ مشخصه‌های تروماتیک مرگ ناشی از پاندمی کرونا است. دکتر محسنیان اشاره کردند که مرگ ناشی از کرونا خیلی ناگهانی و غیرمنتظره اتفاق می‌افتد، علاوه بر آن بیمار در شرایط انزوا و تنهایی کامل است و فرصت خداحافظی با آشنایان و نزدیکانش را ندارد. شواهد پژوهشی نشان می‌دهد بستگان و نزدیکان افرادی که در آی.سی.یو فوت می‌کنند، ۲ الی ۳ برابر بیشتر از مرگ‌های دیگر احتمال ابتلا به سوگ پاتولوژیک را دارند، افراد در یک ضعف بدنی شدید فوت می‌کنند، دارای علائمی چون زجر تنفسی هستند، علاوه بر آن بازماندگان اجازه در آغوش کشیدن یک‌دیگر را ندارند و... مجموعه‌ی این عوامل یک وجه تروماتیک به مرگ ناشی از کرونا می‌دهد و باعث می‌شود ضربه‌ی روحی شدیدی به بازماندگان وارد شود.

این استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی علاوه بر وجه تروماتیک، نحوه‌ی به‌تصویر کشیدن مرگ ناشی از کرونا در رسانه‌ها را روی سوگواری تأثیرگذار خواند و گفت: در یک پژوهش، اخبار مربوط به مرگ‌های ناشی از کرونا در ۷ روزنامه پرمخاطب انگلیسی تحلیل محتوا شده بودند و نشان داد که رسانه‌ها در آن دوره برای مرگ ناشی از کرونا از توصیفات مثل احساسات‌گرایی، مدیریت نامطمئن، استیصال و... استفاده می‌کنند. در عین حال از کادر درمان و فوت‌شدگان کادر درمان به شایستگی یاد می‌کنند. نکته‌ی مهم این مطالعه، احساسات‌گرایی است که از مرگ در روایت رسانه‌ای وجود داشته. باید توجه داشته باشیم که اگر احساسات‌گرایی متعادل نباشد، ممکن است به حساسیت‌زدایی منجر شود. کاهش حساسیت نسبت به مرگ و میر، به کم شدن حمایت اجتماعی برای بازماندگان می‌انجامد که بر روی سوگ، اثر منفی دارد.

شهابی با اشاره به مفهوم‌سازی یا گفتمان سوگ در جامعه گفت: به نظر می‌آید در دوره‌ی پاندمی کرونا، ساخت مفهوم سوگ در جامعه‌ی ما از حوزه‌ی عمومی و مرتبط با آیین‌ها و سنت‌ها به سمت پزشکی شدن پیش رفته است. به عبارتی به‌نظر می‌رسد، به‌موازات کم‌شدن سهم جامعه در سوگ، افراد برای تسکین سوگ خود به دنبال دارو درمانی و روان‌درمانی باشند که احتمالاً نتوانند آن را برطرف کنند و یک تجربه‌ی عدم موفقیت و عدم توانایی در حل سوگ به تجاربشان اضافه شود.



او به آسیب دیدن ماهیت اجتماعی سوگ در دوره‌ی پاندمی کرونا اشاره کرد و گفت: سوگواری اساساً یک ماهیت اجتماعی دارد و در محیطی که افراد بتوانند یکدیگر را حمایت و تقویت کنند، بهتر سازگار می‌شود. با این حال ماهیت اجتماعی سوگ در دوره‌ی پاندمی کرونا به‌شدت آسیب دیده است. اساساً تشییع جنازه آیین یا رسمی برای جلب حمایت دیگران از فرد داغ‌دیده بوده است و مراسم هفتم و چهلم به این حمایت تداوم می‌بخشید ولی تغییر آیین‌های سوگواری در دوران کرونا مانع از شکل‌گیری این حمایت و تداوم آن شد. شهابی ادامه داد: در ماه‌های اول شیوع کرونا، افراد تمایلی برای صحبت کردن درباره‌ی مرگ عزیزانشان را نداشتند. یعنی بازماندگان و افرادی که برای حل سوگ خود نیازمند ارتباط و صحبت با دیگران بودند، به دلیل ترس ناشی از انگ، درباره‌ی شرایط مرگ نزدیکانشان سکوت کرده بودند. او به ویژگی‌های فردی سوگواران و تأثیر آن بر میزان حل شدن طبیعی یک سوگ پیچیده اشاره کرد و گفت: ویژگی‌هایی چون توانایی افراد در سازگاری با مشکلاتشان، دلبستگی‌هایی که در دوران کودکی وجود داشته، سوگ‌ها و جدایی‌های گذشته، وسواس، اضطراب و افسردگی‌های گذشته، سلامتی جسمانی ضعیف فرد، کیفیت رابطه‌ی فرد با متوفی و ... از جمله عوامل فردی هستند که می‌تواند در حل شدن طبیعی یک سوگ پیچیده مؤثر باشند.

شهابی گفت: مرگ‌های قابل پیش‌گیری مورد دیگری است که می‌تواند در حل شدن طبیعی یک سوگ پیچیده مؤثر باشند. به‌عنوان مثال فردی که کرونا را به مادر یا پدرش منتقل کرده و منجر به فوت آن‌ها شده، سوگ عمیق و پیچیده‌ای را می‌گذراند. مرگ پدر یا مادر برای او مرگ قابل پیش‌گیری تفسیر می‌شود. وی تصمیمات اتخاذ شده مرتبط با سلامت عمومی را از دیگر عواملی خواند که روند مواجهه با سوگ را بدتر می‌کند و گفت: به‌عنوان مثال منع برگزاری مراسم، الزام به تشییع در ساعت مشخص و با حضور تعداد مشخصی از افراد و ... ممکن است منجر به خشم و عصبانیت در افراد بازمانده شود و متعاقباً روند مواجهه با سوگ را بدتر کند.

شهابی در خاتمه‌ی سخنانش پیشنهاد داد: برای این‌که سوگ پیچیده در جامعه شیوع پیدا نکند و واکنش طبیعی اتفاق بیفتد، باید از راه‌های مختلف به توسعه‌ی روابط اجتماعی در اطراف سوگواران کمک کنند، مسئله‌ی سوگ به‌عنوان بخشی از برنامه‌های نظام سلامت به رسمیت شناخته شود و از بازماندگان حمایت اجتماعی شود.

ویژگی‌های حجت خدا در کلام امیرالمومنین (ع)

مرکز تحقیقات امام علی (ع) پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با همکاری مرکز آموزش عالی قاسم ابن‌الحسن روز ۶ مرداد ۱۴۰۰، نشست مجازی «ویژگی‌های حجت خدا در کلام امیرالمومنین (ع)» را به مناسبت عید غدیر برگزار کرد.



سید زهیرالمسیلینی استاد و محقق تونسوی و سخنران این نشست با قرائت این بخش از نهج البلاغه «قال امیر المومنین علی علیه السلام: «اللَّهُمَّ بَلِّغْ لَنَا تَخْلُو الْأَرْضِ مِنْ قَائِمِ اللَّهِ بِحُجَّتِهِ إِمَّا ظَاهِرًا مَشْهُورًا وَ إِمَّا خَائِفًا مَغْمُورًا، لَغَلًّا تَبْطُلُ حُجُّجُ اللَّهِ وَ بَيِّنَاتُهُ...» (حکمت ۱۴۷ نهج البلاغه) گفت: ابتدا بر خود لازم می‌دانم فرارسیدن عید سعید غدیر خم را خدمت همه‌ی عاشقان مولاالموحدین و یعسوب‌الدین حضرت امیرالمومنین علی‌بن ابی‌طالب را به شما عزیزان و فریختگان حاضر در این وبینار تبریک و تهنیت عرض کنم و امیدوارم به‌حق امیرالمومنین همه‌ی مسلمانان مشمول عنایت الهی قرار گرفته باشید.

وی ادامه داد: موضوعی که مقرر بود در این جلسه مطرح شود: «ویژگی‌های حجت خدا در کلام امیرالمومنین» است که ان‌شاءالله سعی می‌کنم مطالبی را خدمت عزیزان و سروران گرامی تقدیم کنم اما اجازه بدهید قبل از ورود به اصل بحث سه مقدمه را تقدیم کنم:

۱ مطابق با اعتقادات شیعه که برگرفته از روایات اهل بیت (ع) است همواره باید بر روی زمین، انسانی الهی وجود داشته باشد که به‌عنوان حجت خدا بر روی زمین باشد. و زمین هیچ‌گاه از وجود حجت خدا خالی نمی‌ماند. (لولا الحجة لساخت الارض باهلها) (لو لم يبق في الأرض إلا اثنان لكان أحدهما الحجة أو الثاني الحجة) و مراد از حجت در این روایات امام معصوم است.

۲ فلسفه‌ی وجود حجت خدا، اتمام حجت بر خلق و بستن راه استدلال و بهانه‌جویی بر آن‌ها دانسته است، قرآن کریم در این فلسفه ارسال رسل نیز می‌فرماید: «رسلًا مبشرين و منذرين لئلا يكون للناس على الله حجة بعد الرسل و كان الله عزيزًا حكيم»

۳ حکمت «۱۴۷» نهج البلاغه که به خطبه‌ی کمیل‌بن زیاد معروف است و مستند بحث ماست، یکی از سند‌های محکم بر لزوم وجود حجت خدا در روی زمین در همه‌ی عصرها تلقی شده است، امام علی (ع) در این حکمت ضمن بیان ضرورت و فلسفه‌ی وجود حجت خدا بر روی زمین به شمارش ویژگی‌های معنوی حجت خدا پرداخته است.

بنابراین مضمون حکمت ۱۴۷ به‌لحاظ سندیت علاوه بر نهج البلاغه در کتاب‌های حدیثی شیعه و سنی آمده است و مرحوم شوشتری در کتاب «بهج الصباغه» بر آن ادعای اجماع کرده است و چنین می‌نویسد: «این سخن امام علی (ع) خطاب به کمیل‌بن زیاد، در میان اهل سنت و شیعیان متواتر است.

وی تأکید کرد: از اهل سنت می‌توان به ابن عبد ربه، ابو هلال عسکری و ابن جوزی نقل کرده‌اند. در میان عالمان شیعه نیز این حکمت مورد استناد مرحوم کلینی، شیخ صدوق، ابن ابی شیبه حرانی، شیخ مفید و ابن ابی زینب نعمانی نقل کرده‌اند. در خصوص راوی هم علاوه بر کمیل اشخاص دیگری نیز این حکمت را روایت کرده‌اند، بنابراین به‌لحاظ سندیت معتبر و متواتر است و مورد اجماع فریقین است.

سید زهیرالمسیلینی در مورد مفهوم حجت در لغت و اصطلاح آن شرح داد:

الف) حجت در لغت

واژه‌ی «حجت» در لغت عرب به معنای برهان و چیزی که به‌وسیله‌ی آن پیروزی در مقابل خصم حاصل می‌شود و در قرآن کریم نیز در چندین جا کلمه‌ی حجه به‌معنای دلیل و برهان آمده است از جمله:

الف) «قل لله الحجة البالغة» مقصود از حجت در این آیه برهان است،

ب) همچنین در سوره‌ی نساء درباره‌ی فلسفه بعثت انبیاء می‌فرماید: «لئلا يكون للناس على الله حجة بعد الرسل» اما در اصطلاح، «حجت» در دو معنا به کار رفته است:

الف) حجت عقلی: که عبارت از گزاره‌هایی در دو ساحت عقل نظری و عملی است که عقل به واسطه‌ی آن حکم می‌کند

ب) حجت نقلی (شرعی): به معنای شخص معینی است که از جانب خدا سخن می‌گوید و راستی ادعای او در سخن گفتن از جانب خدا برای ما محرز شده است. مانند انبیاء، ائمه و اولیای الهی است.

یکی از شواهد مؤید تقسیم فوق روایتی است که از امام کاظم (ع) به هشام می‌فرماید: «يَا هِشَامُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ حُجَّةً ظَاهِرَةً وَ حُجَّةً بَاطِنَةً فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْأَئِمَّةُ ع وَ أَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ»

مراد ما از حجت در این بحث، معنای دوم حجت، یعنی حجت ظاهری است و تحدیدا مراد از حجت در حکمت ۱۴۷ حضرات ائمه‌ی معصومین است. یعنی کسی است که سخن و رفتار از جانب خداوند، برای مؤمنان حجت است و امیرالمؤمنین در آغاز حکمت ۱۴۷ یا همان خطبه کمیل این زیاده می‌فرماید: «اللَّهُمَّ بَلَى لَا تَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ لَكَ بِحُجَّتِهِ، إِلَّا ظَاهِرًا مَشْهُورًا، وَ إِلَّا خَائِفًا مَعْمُورًا، لِئَلَّا تَبْطُلَ حُجُجُ اللَّهِ وَ بَيِّنَاتُهُ» سپس به شمارش ویژگی‌های ظاهری و معنوی می‌پردازد:

مهم‌ترین ویژگی‌های حجت خدا در کلام امیرالمؤمنین (ع)

اول: از لحاظ عدد محدود هستند: در حکمت ۱۴۷ نهج البلاغه صریح عبارت امیرالمؤمنین علیه‌السلام بر این است که حجج الهی افراد محدودی هستند می‌فرمود: «أُولَئِكَ وَ اللَّهُ الْأَقْلُونَ عَدَدًا» بنابراین واژه‌ی «الأقلون عَدَدًا» در حکمت ۱۴۷ همان‌گونه که به واسطه‌ی «عَدَدًا» تأکید شده است، ناظر به تعداد و کمیت آن‌هاست نه به کیفیت و حالات درونی آن‌ها.

در قرآن کریم نیز هیچ‌گاه کمیت و کثرت عددی ملاک حقانیت حقانیت شماره شده است، بلکه بیشتر به کیفیت توجه شده است، به عنوان مثال:

۱) در سوره‌ی کهف «وَ لَوْ لَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ إِنَّ تَرَنَّا أَقْلَ مِنْكَ مَالًا وَ وَلدًا» بنابراین تعداد مال و فرزند در برابر اعتقاد به خدا و پرستش او مهم تلقی نشده است.

۲) در سوره‌ی جن «حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَيَسْأَلُونَ مَنْ أَعْطَاهُمُ النَّاصِرَ وَأَقْلَ عَدَدًا»

۳) امام حسین (ع) در دعای عرفه: «مَا ذَا وَجَدَ مَنْ فَقَدَكَ؟! وَ مَا الَّذِي فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ»

۴) در سوره‌ی زخرف: ۷۸ «لَقَدْ جِئْنَاكُمْ بِالْحَقِّ وَلَكِنْ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ»

۵) سوره‌ی سبأ: ۱۳ «وَقَلِيلٌ مِنَ عِبَادِيَ الشَّاكِرُونَ»

۶) علی ابن ابی طالب: «لَا تَسْتَوْحِشُوا طَرِيقَ الْحَقِّ لِقَلَّةِ سَالِكِيهِ»

دوم: از جهت کیفیت دارای جایگاه عظیم نزد خدا هستند: از منظر امیرالمؤمنین علیه‌السلام گرچه حجج خدا عدشان اندک است، اما نزد خداوند از منزلتی بسیار بزرگ برخوردارند «وَالْأَعْظَمُونَ عِنْدَ اللَّهِ قَدْرًا» قدر و منزلت‌شان نزد خداوند بسیار بزرگ است.

در روایتی امیرالمؤمنین علی (ع) معیار شناخت منزلت انسان نزد خدا را چنین معرفی می‌کند: «مَنْ أَرَادَ مِنْكُمْ أَنْ يَعْلَمَ كَيْفَ مَنَزَلَتِهِ عِنْدَ اللَّهِ فَلْيَنْظُرْ كَيْفَ مَنَزَلَةُ اللَّهِ مِنْهُ عِنْدَ الذُّنُوبِ»

سوم: حافظ دین خدا هستند: سومین ویژگی از ویژگی‌های حجت خدا حفظ دین است (حافظ دین) می‌فرماید: «يَحْفَظُ اللَّهُ بِهِمْ حُجَّتَهُ وَ بَيِّنَاتِهِ حَتَّىٰ يُودِعُوهَا نَظْرَاءَهُمْ وَ يَرْزَعُوهَا فِي قُلُوبِ أَشْبَاهِهِمْ»

توضیح: یکی از مهم‌ترین تفاوت‌ها در نگاه شیعه به مقام امامت با نگاه اهل سنت حفظ دین توسط امام است، از نظر اهل سنت حفظ دین وظیفه‌ی امام نیست بلکه امام یک مجری توانمند و سیاست‌مدار است و حفظ دین از وظایف عالمان دین است و حتی بنابر دیدگاه برخی فرقه‌ها امام لازم نیست متخصص در دین باشد و اگر موردی پیدا شد می‌تواند از عالمان دین استفتاء و وفق نظر آن‌ها عمل کند، اما از نظر شیعه یکی از مهم‌ترین وظایف امام بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص) تفسیر دین و حفظ دین است، و این وظیفه برای او محفوظ است خواه برای اداره‌ی امور سیاسی و اجتماعی انتخاب شد، خواه انتخاب نشد (لذا می‌بینیم امام علی (ع) در خلافت خلفا هرگاه احساس خطر نسبت به دین کرد وارد شد و مشورت داد و مشکل را به گونه‌ای حل کرد) بنابراین امامت از نظر شیعه ولایت لایه‌های دارد که پایین‌ترین لایه‌ی آن نقش سیاسی و اجتماعی است، اما در کنار این ولایت، نقش تشریحی و تکوینی نیز دارد لذا، امام چه انتخاب شود چه انتخاب نشود، امام است و نقش و وظایف خود را انجام می‌دهد. به عبارت دیگر وظایف پیامبر اکرم به عنوان رسول و صاحب رسالت بر دو نوع

است:

۱) برخی از وظایف و نقش‌های پیامبر(ص) با رحلت او منقطع می‌شوند و نیاز به ادامه ندارند، مانند: دریافت و ابلاغ وحی یا پیام‌آوری از خداوند برای راهنمایی و هدایت بشر.
 ۲) برخی از وظایف نیاز به ادامه دارند و اگر منقطع شوند، خود رسالت زیر سؤال می‌رود و به حکمت خداوند لطمه وارد می‌شود و قطع آن حکیمانه نیست، مانند:

۱. تفسیر و تبیین وحی الهی
 ۲. بیان و توضیح احکام موضوعات جدید در حوزه‌ی وظایف و احکام فردی و اجتماعی مسلمانان
 ۳. پاسخ‌گویی به شبهات مخالفین اسلام و ردّ اعتراضات آنان به حقانیت آیین اسلام
 ۴. محافظت و پاس‌داری از کیان آموزه‌های دینی و جلوگیری از وقوع تحریف و بدعت در آنها
 ۵. داوری و قضاوت در اختلافات و نزاع‌های بین مسلمین و تطبیق و اجرای حدود و قوانین کلی الهی
 ۶. حکومت‌داری و ریاست بر عامه‌ی مردم در همه‌ی مسائل اجتماعی و سیاسی
- بنابراین شیعه امامیه معتقد است که تمام وظایف پیامبر اکرم(ص) به استثنای دریافت وحی بعد از وفات پیامبر به امام معصوم واگذار می‌شود از جمله حفظ دین از تحریف و تغییر است. اما اهل سنت این وظیفه علما می‌دانند نه وظیفه امام، از نظر شیعه وجود امام مانع از اختلاف در دین است البته به شرط اینکه به امام مراجعه کنند و دینشان را از او بپرسند لذا، امیرالمؤمنین علی(ع) در خطبه‌ی ۸۸ تعجب می‌کند و افسوس می‌خورد که چگونه با وجود حجت باز مردم در دین خودشان اختلاف می‌کنند و می‌گوید: «فیا عجبا! و مالی لا اعجب من خطأ هذه الفرق علی اختلاف حججها فی دینها، لایقتصون اثر نبی و لا یقتدون بعمل وصی و لا یؤمنون بغیب و لا یعفون عن عیب».

او عامل اختلاف آنها را سه امر می‌داند: (حضرت اختلاف در دین را در سه عامل مهم می‌داند):

۱. مراجعه نکردن به پیامبران و جانشینان آنان
 ۲. ایمان نداشتن به غیب
 ۳. از فعل عیب پرهیز نکردن
- او در ادامه‌ی همین خطبه، افرادی را که با وجود حجت خدا باز به اختلاف در دین دامن می‌زنند دو دسته می‌داند:
۱. دسته‌ای که دین را نپذیرفتند و در مشکلات تنها به عقل خود تکیه دارند (روشن فکر) که عقل نیز نمی‌تواند پاسخ‌گوی کاملی برای آنها باشد
 ۲. دسته‌ای دیگر دین را پذیرفتند ولی به دستورات حجت خدا عمل نکردند که اینان نیز در مبهمات گرفتارند، زیرا برای انتخاب درست در موارد اختلافی نیازمند حجت هستند و چون به دستورات او عمل نمی‌کنند سرگردان می‌مانند.

چهارم: دارای علم لدنی و غیر اکتسابی اند: علم آنها علم الهی است نه اکتسابی، حضرت علی(ع) در توصیف علم آنها می‌فرماید: «هَجَمَ بِهِمُ الْعِلْمُ عَلٰی حَقِيقَةِ الْبَصِيْرَةِ» مرحوم علامه مجلسی در تفسیر این جمله می‌نویسد: «تعبیر به هجوم در این جا اشاره به این است که خداوند «علم لدنی» را نسبت به حقائق اشیا دفعتاً به آنها تعلیم داده و حجاب‌ها و پرده‌ها را کنار زده و حقایق را بر آنها مکشوف ساخته است یعنی علم و دانش و بصیرت و بینش یک‌باره رو به ایشان می‌آورد».

در روایتی که هم اهل سنت و هم شیعه نقل کردند حضرت علی(ع) می‌فرماید: «انَّ رَسُوْلَ اللهِ صِ عَلَّمَنِي الْاَلْفَ بَابٍ مِنَ الْاَلْفِ وَالْحَرَامَ وَ مِمَّا كَانَ اِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلِّ بَابٍ مِنْهَا يَفْتَحُ اَلْفَ بَابٍ فَذَلِكِ الْاَلْفُ الْاَلْفِ بَابِ حَتَّى عَلَّمْتُ عِلْمَ الْمَنَائِيَا وَ الْبَلَايَا وَ فَضَّلَ الْخِطَابَ».

غزالی در رساله‌ی «العلم اللدنی» این روایت را نقل می‌کند و ضمن تأیید صحت آن می‌گوید: «اگر این علوم را بخواهیم با تعلیم و تعلم متعارف مقایسه کنیم، امکان ندارد. چگونه می‌شود یک میلیون باب علم را در لحظات کوتاهی تعلیم داد؟ این تعلیم و تعلم به‌نحو متعارف و معمولی نیست» لذا، در ادامه می‌گوید: «این گستردگی و گشایش در علم، به صرف تعلیم و تعلم حاصل نمی‌شود، بلکه این افاضه امری آسمانی و الهی و لدنی (یعنی از جانب درگاه خداوند متعال) است».

پنجم: تحمل سختی‌ها در راه خدا؛ امیرالمؤمنین در ادامه‌ی توصیف حجت خدا به ویژگی دیگری از ویژگی‌های حجج الهی اشاره می‌کند و می‌فرماید: «وَ اسْتَلَانُوا مَا اسْتَوْعَرَهُ الْمُتْرَفُونَ وَ اَنْسُوا بِمَا اسْتَوْحَشَ مِنْهُ الْجَاهِلُونَ» بنابراین انسان‌های ناز پرورده هرگز نخواهند توانست تحمل سختی‌ها و فداکاری‌های حجج الهی را در امر دین

درک کنند، زیرا آن‌ها جز دنیا و مواهب آن، چیزی را نمی‌بینند، در حالی که حجت‌های الهی به واسطه‌ی اینکه حقیقت عالم را به وضوح دریافتند، به‌آسانی این سختی‌ها را تحمل می‌کنند. (نقل از امیرالمؤمنین «لو كشف الغطاء ما ازدت يقينا»).

لذا در ادامه می‌فرماید: «وَصَحِبُوا الدُّنْيَا بِأَبْدَانِ أَرْوَاحِهَا مُعَلَّقَةً بِالْمَحَلِّ الْأَعْلَى» از نظر جسمی در این دنیا و در میان انسان‌های دیگر هستند، ولی روحشان هم‌نشین با ارواح اولیا و انبیای پیشین و فرشتگان مقرب است، به‌همین دلیل دنیا در نظرشان بی‌ارزش و بالاترین ارزش برای آن‌ها جلب رضای پروردگارشان است. ششم: به مقام «خلیفه‌الله» نائل شدند؛ «أُولَئِكَ خُلَفَاءُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَالِدُعَاءُ إِلَى دِينِهِ آه شَوْقًا إِلَى رُؤْيَيْهِمْ!» کسی که مستجمع ویژگی‌های فوق باشد به مقام خلافت الهی می‌رسد و حجت خدا بر خلق می‌شود. خلیفه و مشتقات آن در قرآن کریم در دو معنای عام و خاص به کار رفته است:

معنای عام: استخلاف انسان از انسان (هم خلیفه و هم مستخلف عنه انسان است) این آیات مکرر در قرآن کریم در مواردی که انسان‌ها به‌جای یک‌دیگر به کار رفته‌اند و بدون استثناء تمام آیاتی که مسئله‌ی استخلاف و جانشینی انسان از انسان را مطرح می‌کنند، در سیاقی از آیات واقع شده که صحبت از هلاکت اقوام گذشته (مستخلف عنه) است:

۱ یونس: ۱۳۱۴ «وَلَقَدْ أَهَلَكْنَا الْقُرُونََ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَاءَهُمْ رَسُولُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ مِنْ بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ»

۲ انعام: ۱۶۵: «وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيُبْلِغَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ»

۲ معنای خاص: خلیفه‌ی انسان و مستخلف عنه الله است، خلافت در این آیات جعل الهی است و شأنی از شئول الهی معرفی شده است.

(۱) وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً... (بقره/۳۰).

(۲) وَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ (نور/۵۵).

(۳) «يا داؤد إنا جعلناك خلیفه فی الارض فاحکم بین الناس بالحق» (ص/۲۶).

بنابراین خلیفه باید توسط مستخلف عنه تعیین شود، زیرا «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» دال است که وصف دائمی است، پس همواره مجعولی آن چنان باید زیرا «جاعل» دال بر استمرار است چنانکه کلمه «انی» دال بر اینکه جز حق تعالی هیچکس حق تعیین خلیفه ندارد، لذا فرمود: «اللهم بلی لا تخلو الارض من قائم لله بحجه اما ظاهرا مشهورا او خائفا مغمورا»

جمع‌بندی سخنان سید زهیرالمسیلینی:

اول: این حکمت یکی از سندهای محکمی بر لزوم وجود حجت در میان خلق تلقی شده است، بنابراین زمین هیچ‌گاه از حجت خدا خالی نمی‌ماند.

دوم: مراد از حجت خدا در حکمت ۱۴۷ حجت نقلی است نه حجت عقلی است، یعنی انسان کاملی است که مستجمع جمیع کمالات معنوی است که مصداق اتم آن پیامبر (ص) و ائمه‌ی اطهار هستند.

سوم: وجود حجت خدا ضرورتی ندارد که همیشه در دسترس خلق باشد بلکه گاهی اقتضا می‌کند خائف و مغمور باشد که با وظیفه‌ی اصلی آن منافات ندارد.

چهارم: راه حل اختلاف موجود بین فرق اسلامی از دیدگاه امیرالمؤمنین عمل به دستورات حجت خدا است.

پنجم: مهم‌ترین ویژگی حجت خدا عبارتند از:

از لحاظ عدد محدود هستند

از جهت کیفیت دارای جایگاه عظیم نزد خدا هستند

حافظ دین خدا هستند

دارای علم لدنی و غیر اکتسابی‌اند

سختی‌ها را در راه خدا تحمل می‌کنند

به مقام «خلیفه‌الله» نائل شدند

و الحمد لله رب العالمین...

راه‌های مقابله با خشونت مسری در شبکه‌ی اجتماعی توئیتر

نشست «راه‌های مقابله با خشونت مسری در شبکه اجتماعی توئیتر» با سخنرانی دکتر علی شاکر، رئیس بخش آموزش مؤسسه‌ی همشهری، یکشنبه ۶ تیرماه ۱۴۰۰ توسط پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات و تحقیقات اسناد فرهنگی آسیا برگزار شد.



در ابتدای نشست دکتر معصومه تقی‌زادگان با اشاره به اینکه خشونت و درگیری یکی از ارزش‌های عنصر خبری است گفت: حال که سویه‌های مجازی زندگی با سرعت هر چه بیشتر قوت می‌گیرد، پررنگ می‌شود و بازنمایی خشونت بیش از پیش سرعت گرفته است. سوال بزرگ این است که چه می‌توان کرد؟ اما این سؤال پسینی است، پیش از آن باید پرسید که چگونه خشونت مسری می‌شود؟ چگونه خشونت راه خود را باز می‌کند و فضا را می‌گیرد؟

دکتر شاکر با اشاره به اینکه دغدغه‌ی اولیه‌ی وی این بوده است که آیا بستر روابط شبکه‌های مجازی می‌تواند برای برپاداری پیام‌های تنش‌زدا آماده باشد یا نه گفت: در درجه‌ی نخست باید بدانیم شکل پخش پیام‌ها در شبکه چگونه است و از چه سازوکاری پیروی می‌کند. با شناخت این سازوکار و نحوه‌ی پخش خشونت (که در اینجا به مثابه یک بیماری به آن می‌نگریم) می‌توانیم راه‌های جلوگیری از انتشار آن را نیز پیشنهاد دهیم. شبیه پزشکی که از همه‌گیری یک بیماری جلوگیری می‌کند.

رئیس بخش آموزش همشهری افزود: برای مطالعه دقیق‌تر چگونگی انتشار پیام‌های تعارض‌محور در شبکه‌ی اجتماعی توئیتر دو درگیری آبی کشاورزان شرق اصفهان و غیزانیه انتخاب شد تا نشان دهیم کاربران توئیتر در مواجهه با تنش‌های پیش آمده چگونه پیام‌های خود را در شبکه منتشر و پخش کرده‌اند و آیا این پیام‌ها سویه‌های کاهنده تنش‌ها داشته‌اند یا نه؟

وی در توضیح بیشتر روش مطالعه گفت: برای پیدا کردن گره‌های مهم و بررسی محتوای توئیتهای آنان از روش ترکیبی (تحلیل شبکه و تحلیل مضمونی) استفاده کردیم؛ یعنی پس از تعیین بازه زمانی و استخراج توئیتهای مرتبط، با کمک نرم‌افزارهای اکسل و تَبَلو کار پالایش داده‌ها را انجام دادیم و سپس با کمک نرم‌افزار گفی پارامترهای تحلیل شبکه را استخراج کردیم و افراد موثر در انتشار پیام و خوشه‌ها را یافتیم. نتایج این بخش نشان می‌دهد در میان افراد موثر هر دو شبکه روزنامه‌نگارها و فعالان رسانه‌ای محیط‌زیستی نقشی ندارند و کار انتشار پیام‌ها برعهده کاربرانی با مرکزیت بالا و با هویتی نامشخص است. نتیجه مهم این بود که برخلاف نظریه‌های رایج پیام‌ها در شبکه وایرال نمی‌شوند، بلکه عده‌ای محدود (رابطه‌ها، خبره‌ها و فروشنده‌ها) در شبکه آن را به شکلی مسری به دیگر کاربران می‌رسانند و این امر از مدل آستانه خطی پیروی می‌کند و در این مدل تقلید از گره‌های نزدیک اهمیت زیادی دارد.

دکتر شاکر ادامه داد: مضامین توییت‌های ۶ خوشه‌ی اصلی و همچنین ۲۵ کاربری که خود را در توییت‌های خبرنگار معرفی کرده‌اند، بررسی شد که نتایج نشان می‌دهد، توییت‌های خوشه‌های اصلی رویدادمحور هستند و به پیشینه و علت اتفاق‌ها پرداخته نمی‌شود و اظهارنظرها کلی و بدون مدرک است. در آن توهین‌های لفظی مستقیم، قطبی‌سازی، اظهارنظرهای یک‌سویه و تحریک به شورش خیابانی دیده می‌شود. به این ترتیب هر سه نوع از اعمال خشونت شبکه‌ای (نمادین، مرافعه و گروهی) در این توییت‌ها دیده می‌شود. با این همه، معدودی از توییت‌های روزنامه‌نگاران به نسبت دیدی تحلیلی‌تر به درگیری دارند. به این ترتیب، بر اساس مؤلفه‌ها روزنامه‌نگاری صلح (مردم‌گرایی، حقیقت‌گرایی، فرایندمداری و راه‌حل‌گرایی) پیام‌هایی که منتشر شده‌اند، در پی کاهش سطح درگیری نیستند و همچنین روزنامه‌نگاران در این دو اتفاق مرکزیت انتشار پیام‌ها را بر عهده ندارند. اما همان معدود خبرنگارانی که در توییت‌های این اتفاق را پوشش داده‌اند، سعی کردند از احساس‌گرایی تاحدی فاصله بگیرند و دیدی تحلیلی‌تر به تعارض داشته باشند.

دکتر شاکر در انتها افزود: حذف شدن و محدود شدن دایره‌ی عمل خبرنگاران و اصحاب رسانه سبب می‌شود جریان‌ها و سویه‌های رادیکال در فضای مجازی قوت بیشتری بگیرند و از این رو نیازمند تغییر رویکردها هستیم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات
و تحقیقات اسناد فرهنگی آسیا برگزار می‌کند:

**راه‌های مقابله با خشونت مسری
در شبکه اجتماعی توییت‌ر**

سخنران:

دکتر علی شاکر
(پژوهشگر ارتباطات رئیس بخش آموزش موسسه همشهری)

دبیر نشست:

دکتر معصومه تقی‌زادگان
(عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

یکشنبه ۶ تیرماه ۱۴۰۰ ساعت: ۱۳ تا ۱۵

لینک ورودیه نشست: <https://webinar.ihcs.ac.ir/b/ihc-rsm-rov-hsh>

سیر تاریخی ارتباطات سلامت و وضعیت فعلی آن در ایران و مالزی

ترویج یافته‌ها پیش‌نیاز اثربخشی تحقیقات سلامت‌محور است

نشست تخصصی ارتباطات سلامت با عنوان «سیر تاریخی ارتباطات سلامت و وضعیت فعلی آن در ایران و مالزی» به‌صورت مجازی و به میزبانی پژوهشکده‌ی مطالعات فرهنگی و ارتباطات و تحقیقات اسناد فرهنگی آسیا، روز ۲۱ تیرماه ۱۴۰۰، برگزار شد.

در این نشست، دکتر محمد نظام عثمان از دانشکده‌ی ارتباطات دانشگاه پوترا مالزی و دکتر داود مهربانی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سخنرانی کردند.

در ابتدای این نشست، دکتر محمد نظام عثمان به نقش کلیدی ارتباطات در فرایندهای ارتباطات سلامت اشاره کرد، و گفت: در شرایط فعلی اهمیت این رشته بیش از پیش نمایان شده است. وی در خصوص سیر تاریخی ارتباطات سلامت در مالزی بیان کرد: مالزی در دو دوره‌ی پیش از استقلال این کشور (سال ۱۹۵۷) و دوران پس از استقلال به‌نحوی از ارتباطات در حوزه‌ی سلامت بهره برده است. بدین‌گونه که در دوران قبل از استقلال، ارتباطات بین فردی و استفاده از مشاوره‌ی متخصصان مذهبی، و تکیه بر باورهای سنتی به‌نوعی بر حوزه‌ی سلامت اثرگذار بوده‌اند.

این استاد دانشگاه افزود: در دوران پس از استقلال این کشور، دولت نقش فعال‌تری در استفاده از امکانات ارتباطی به‌منظور توسعه‌ی سلامت ایفا کرد. استفاده از پویش‌های سلامت با بهره‌گیری از رسانه‌های جمعی از جمله این موارد هستند.

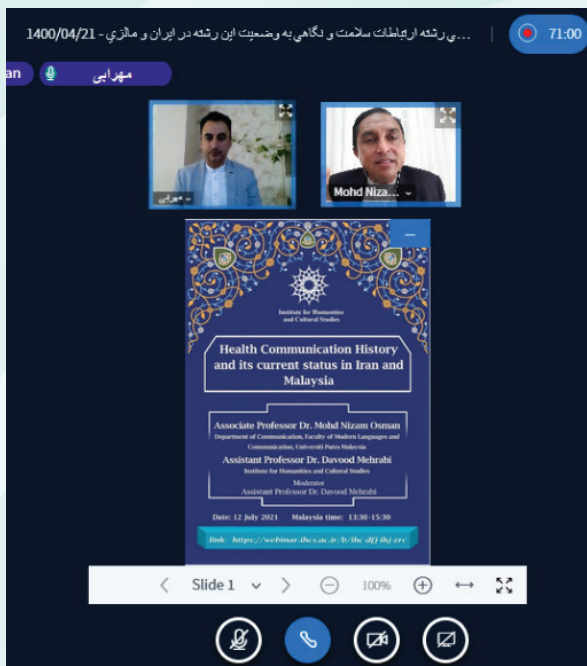
دکتر محمد نظام عثمان به‌عنوان متخصص ارتباطات که در سال ۱۹۹۸ مطالعه‌ای در خصوص HIV در مالزی انجام داده بود، بیان کرد: در آن زمان به دلایلی از جمله عدم گستردگی رسانه‌های جمعی در برخی از جوامع کوچک‌تر و محلی‌تر، افراد با این ویروس آشنایی بسیار اندکی داشتند.

بیماری‌های واگیردار، چاق، دیابت، و سبک زندگی از چالش‌های ارتباطات سلامت در مالزی در گذشته، چالش‌های سلامتی که در جامعه مالزی وجود داشت شامل HIV، تب دنگی، استعمال دخانیات، و تنظیم خانواده بود. این چالش‌ها در شرایط فعلی بیماری‌های واگیردار مانند ویروس کرونا، چاقی، دیابت، و مسائل مرتبط با سبک زندگی هستند.

دکتر محمد نظام عثمان تشریح کرد: ارتباطات سلامت پیش از این به‌صورت کلامی از طریق ارتباطات رو در رو انجام می‌شد، اما اکنون با پیشرفت فناوری‌های نوین استفاده از این قبیل امکانات در دستور کار دولت‌ها قرار گرفته، تا در مسیر کسب اهداف سلامت از چنین ظرفیت‌های ارتباطی استفاده کنند. یک مورد از این تلاش‌ها،

ایجاد برنامه‌ای با نام Mysejahtera توسط دولت مالزی است که با توجه به شیوع کرونا ایجاد شده است. هدف از ایجاد این نرم‌افزار نظارت بر مکان‌هایی همچون مراکز خرید، بیمارستان‌ها، رستوران‌ها، کلینک‌های درمانی، ادارات، دانشگاه‌ها و غیره است که توسط مالزیایی‌ها بازدید می‌شوند.

وی تصریح کرد: این نظارت با این هدف انجام می‌شود تا با افرادی که به مکان‌هایی که احتمالاً شیوع کرونا در آنجا وجود داشته است، ارتباط وجود داشته باشد و یا اینکه آن‌ها را از مخاطراتی که در چنین مکان‌های وجود دارد، مطلع سازند. البته دولت مالزی از سایر ظرفیت‌ها به‌منظور برقراری ارتباطات سلامت نیز بهره برده است. در بخش بعدی این نشست مجازی، دکتر داود مهربانی با اشاره به سیر تاریخی رشته‌ی ارتباطات سلامت بیان کرد: ارتباطات نقش مهمی در محیط‌های سلامت ایفا می‌کند. اهمیت چنین نقشی باعث شد که متخصصان رشته‌های مختلف از جمله روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و پزشکی توجه ویژه‌ای به مطالعه‌ی متغیرهای ارتباطات در



حوزه‌ی سلامت داشته باشند.

تولید ادبیات غنی، زمینه‌ساز تشکیل رشته‌ی ارتباطات سلامت شد

مهرابی افزود: نقشی که ارتباطات ایفا می‌کند، می‌تواند در کیفیت اطلاعات سلامت نمایان شود. در واقع اطلاعات سلامت که می‌تواند از منابع مختلفی از جمله گفت‌وگو با بیمار، گفت‌وگو با اطرافیان بیمار، و نتایج آزمایش‌ها گردآوری شود، به‌منظور دستیابی به اهدافی مورد استفاده قرار گیرد. ازجمله این اهداف می‌توان به شناسایی مشکل سلامت و اتخاذ بهترین تصمیم در فرایند درمان اشاره کرد. به‌گفته‌ی مهرابی، ارتباطات سلامت حوزه‌ی گسترده‌ایست که شامل ارتباطات درون فردی، ارتباطات بین فردی، ارتباطات گروهی، ارتباطات سازمانی، ارتباطات چهره‌به‌چهره، رسانه‌های جمعی و همچنین فناوری‌های نوین اطلاعاتی می‌شود. از این‌رو، رویکردهای مختلفی نسبت به تحقیقات ارتباطات سلامت وجود دارد. استاد پژوهشکده‌ی مطالعات فرهنگی و ارتباطات و تحقیقات اسناد فرهنگی آسیا در ادامه بیان کرد: دو رویکردی که در تحقیقات ارتباطات سلامت از گذشته وجود داشته و تا حدودی هم در رقابت با یکدیگر بوده‌اند، شامل ارائه خدمات سلامت (Health Care Delivery) و ارتقاء سلامت (Health Promotion) است. به‌گفته‌ی وی، محققانی که رویکرد ارائه خدمات سلامت را مورد توجه دارند، بیشتر به مباحث انسانی ارتباطات از قبیل روبرو بیمار - پزشک توجه دارند، در حالی که محققان ارتقاء سلامت به نقش پویای سلامت، روش‌های اقناعی و بهره‌گیری از رسانه‌های جمعی اهمیت می‌دهند. دکتر مهرابی ضمن اشاره به اینکه این دو رویکرد به‌دلیل نقش وابسته تا حدودی با یکدیگر هم‌گرایی داشته‌اند، تصریح کرد: تحقیقات ارتباطات سلامت که از نیمه‌ی دوم قرن بیستم توجه جدی به آن شد، به تدریج ادبیات غنی در این حوزه تولید کرد. این ادبیات غنی زمینه‌ساز اقدامات جدی به‌منظور شکل‌گیری رشته‌ی ارتباطات سلامت شد.

مشروعیت بخشی تحقیقات سلامت در حوزه‌ی ارتباطات

به‌گفته‌ی مهرابی، تولید روزافزون ادبیات ارتباطات سلامت، تشکیل نهاد یا حوزه‌ای که به فعالیت‌ها آن‌ها مشروعیت بخشد را به یکی از نیازهای اصلی محققان ارتباطات سلامت تبدیل کرد. در پاسخ به این نیاز بود که گروه ارتباطات درمانی (Therapeutic Communication) ذیل انجمن ارتباطات بین المللی (ICA) در سال ۱۹۷۲ شکل گرفت. شکل‌گیری این گروه، مطالعات سلامت در حوزه‌ی ارتباطات را مشروعیت بخشید. وی در ادامه خاطر نشان کرد، گروه ارتباطات درمانی در سال ۱۹۷۵ به گروه ارتباطات سلامت (Health Communication) تغییر نام داد. این تغییر باعث شد که حوزه‌ی مطالعات ارتباطی سلامت که پیش‌تر متمرکز بر ارتباطات بین فردی بود، اکنون زیر چتر گسترده‌تری قرار گیرد که شامل ارتباطات اقناعی، ارتباطات بین فردی، پویای سلامت، و رسانه‌های جمعی می‌شود.

این استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با بیان اینکه امروزه رشته‌ی ارتباطات سلامت در مقاطع تحصیلی کارشناسی ارشد و دکتری در بسیاری از کشورها آموزش داده می‌شود و فارغ‌التحصیلان این رشته در نهادهای مختلف نقش مهمی در ارتقاء سلامت ایفا می‌کنند، تصریح کرد: در ایران رشته‌ی ارتباطات سلامت تاکنون شکل گرفته و گفته می‌شود که برخی از دانشگاه‌ها اقدامات اولیه در این خصوص انجام داده‌اند.

ترویج یافته‌ها پیش‌نیاز اثربخشی تحقیقات سلامت محور است

دکتر مهرابی در خصوص ضرورت‌های آینده رشته‌ی ارتباطات سلامت بیان کرد: ارتباطات سلامت رشته‌ی نوپایی است، که با توجه به نقش غیرقابل انکار ارتباطات در سلامت افراد جامعه، باید بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد. هم‌گرایی رسانه‌ها و ظرفیت‌های سلامت‌محور در رسانه‌های جدید، آموزش سلامت، راه‌اندازی، اجرا و ارزیابی پویای سلامت و سبک زندگی سالم از جمله مواردی هستند که نیازمند توجه از سوی متخصصان ارتباطات سلامت هستند.

وی در پایان سخنانش ضمن اشاره به ضرورت انجام تحقیقات بین‌رشته‌ای جهت دستیابی به جامعه‌ای سالم، تصریح کرد: ترویج یافته‌های پژوهش‌های سلامت‌محور که مورد نیاز جامعه هستند، از جمله اقداماتی است که محققان حوزه‌ی ارتباطات سلامت باید توجه ویژه‌ای به آن داشته باشند، تا اثربخشی آن بر جامعه مشاهده شود.

مصاحبه با دکتر سید کلالی رئیس مرکز نوآوری و توسعه‌ی فناوری

در این شماره از خبرنامه با دکتر نادر سید کلالی، عضو هیأت علمی گروه مدیریت و رئیس مرکز نوآوری و توسعه‌ی فناوری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، مصاحبه‌ای پیرامون این مرکز تازه تأسیس و مسائل مربوط به آن انجام دادیم که از نظرتان می‌گذرد:



– با سلام، به‌عنوان اولین سؤال، «مرکز نوآوری و توسعه‌ی فناوری» چه کارکردی دارد؟

* با سلام و احترام متقابل، براساس سند راهنمای راه‌اندازی ساختارهای اجرایی در توسعه‌ی کارآفرینی، فناوری و نوآوری در دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی مصوب سال ۱۳۹۹، نهادهایی برای مدیریت امور مرتبط با کارآفرینی، فناوری و نوآوری در دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های زیرمجموعه وزارت علوم تعریف شده‌اند از جمله کانون‌های خلاقیت و شکوفایی، مراکز کارآفرینی و مهارت‌افزایی، مراکز رشد، مراکز پیش‌شتاب‌دهی و شتاب‌دهی، پارک‌های علم و فناوری و مراکز نوآوری و توسعه‌ی فناوری.

مراکز نوآوری و توسعه‌ی فناوری از سامان‌دهی و مدیریت تمامی فعالیت‌های حوزه‌های کارآفرینی، توسعه‌ی فناوری و نوآوری در دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی توان‌مند ایجاد می‌شوند. مرکزی که با این عنوان در پژوهشگاه علوم انسانی ایجاد شده مشتمل بر کارکردهای گوناگونی است از جمله برگزاری برنامه‌ها، رویدادها، کارگاه‌ها و نشست‌های مهارت‌افزایی و دانش‌افزایی، ارائه‌ی مشاوره‌های تخصصی کسب‌وکار، شتاب‌دهی به شکل‌گیری تیم‌های استارت‌آپی و تشکیل حلقه‌های پژوهشی با محوریت نوآوری و همکاری‌های میان‌رشته‌ای. فعالیت‌های دیگری مانند ترویج مفاهیم کارآفرینی و نوآوری در علوم انسانی و فرهنگ‌سازی از طریق انتشار کتاب را هم می‌توان به این فهرست افزود.

– امکان دارد تاریخچه‌ی راه‌اندازی مرکز نوآوری و توسعه‌ی فناوری پژوهشگاه علوم انسانی را تشریح بفرمایید؟

* ظاهراً ایده‌ی راه‌اندازی مرکز نوآوری و توسعه‌ی فناوری پژوهشگاه علوم انسانی مربوط به سال ۱۳۹۶ است. دکتر حسینعلی قبادی، رئیس پژوهشگاه توجه ویژه‌ای به این مهم داشتند و در همین راستا دکتر حمیدرضا دالوند، عضو هیأت علمی پژوهشکده‌ی زبان‌شناسی پژوهشگاه را مأمور کردند تا برای دریافت مجوزها و منابع اولیه‌ی لازم جهت راه‌اندازی مرکز اقدام کنند.

در اواخر سال ۱۳۹۸ بنده، نادر سید کلالی، به‌عنوان مسئول راه‌اندازی مرکز نوآوری منصوب شدم. با فعالیت‌ها و

پیگیری‌های بنده، برنامه‌ی استراتژیک و عملیاتی مرکز تدوین و مورد موافقت هیأت رئیسه پژوهشگاه قرار گرفت. سپس در پنجمین نشست از دوره‌ی چهارم هیأت امنای پژوهشگاه مورخ ۱۳۹۹/۴/۲۱ با تأسیس مرکز نوآوری و توسعه‌ی فناوری پژوهشگاه علوم انسانی موافقت شد. در ادامه تشکیلات و نمودار سازمانی مرکز نوآوری پژوهشگاه در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مصوب و در تاریخ ۱۳۹۹/۹/۱۹ جهت اجرا به پژوهشگاه ابلاغ شد. البته بنده منتظر مجوزها نماندم و به‌طور هم‌زمان از چند معمار و طراح دعوت کردم تا برنامه‌ای برای ساخت و تجهیز دفاتر ستادی، دیپارتمان شتاب‌دهی و فضای کار اشتراکی مرکز در طبقات هشتم و اول ساختمان کریم‌خان زند پژوهشگاه علوم انسانی تهیه کنند و طی مدت کوتاه چندماهه به‌طور فشرده عملیات عمرانی مرکز انجام و امکانات و تجهیزات مورد نیاز برای راه‌اندازی مرکز خریداری شد و در محل استقرار یافت. به‌منظور تأمین هزینه‌ها، بودجه‌های حمایتی از معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری جذب شد.

– آیا مرکز نوآوری پژوهشگاه، تاکنون بانی و برگزارکننده‌ی برنامه‌هایی هم بوده است؟

* بله. به‌طور موازی با فعالیت‌هایی که ذکر شد و جنبه‌ی زیرساختی داشتند، نشست‌ها و کارگاه‌های آموزشی متعددی نیز توسط مرکز برگزار شده است و دیدارهایی با فعالان اکوسیستم نوآوری و کارآفرینی کشور انجام شده و مذاکراتی هم جهت جلب همکاری آن‌ها صورت پذیرفته است. اطلاعات مربوط به این اقدامات در وب‌گاه مرکز به آدرس: <https://www.ihcs.ac.ir/innocent/fa> که در سال ۱۳۹۹ راه‌اندازی شد، قابل مشاهده است. طی سالهای ۱۳۹۹ و بهار ۱۴۰۰، مرکز نوآوری پژوهشگاه علوم انسانی همکاریهای ارزنده‌ای را با نهادهای شناخته‌شده‌ی اکوسیستم کارآفرینی، نوآوری و فناوری کشور آغاز کرده است. از جمله مشارکت‌های قابل ذکر می‌توان به همکاری با کارخانه‌ی نوآوری «هماوا» در زمینه‌ی «پوش افرا» با موضوع فرهنگ کارآفرینی، همکاری با شتاب‌دهنده‌ی «دیموند» دانشگاه تهران در زمینه‌ی شبکه‌سازی و همکاری با ستاد فرهنگ‌سازی اقتصاد دانش‌بنیان و توسعه‌ی صنایع خلاق و فرهنگی معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری برای راه‌اندازی «خانه‌ی خلاق و نوآوری علوم انسانی و فرهنگ» اشاره کرد.

– شروع فعالیت شما مصادف با انتشار همه‌گیری کرونا در جهان و ایران بود و با دوره‌های طولانی قرنطینه و محدودیت‌های مرتبط با آن همراه شده است. با این وجود دستاوردهای متعددی در این دوران حاصل شده است، چه مشکلات و چالش‌هایی در این مدت وجود داشته است؟

* اجازه دهید، ابتدا به‌طور خلاصه اهم اقدامات انجام شده توسط مرکز نوآوری و توسعه‌ی فناوری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در سال‌های ۱۳۹۹ و چندماهه‌ی نخست سال جاری را با وجود محدودیت‌های ناشی از همه‌گیری ویروس کرونا در جهان و ایران خلاصه‌وار ذکر کنم. اهم اقدامات از این قرار است:

۱. اخذ مجوزهای لازم از هیأت امنای پژوهشگاه، وزارت علوم و معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری
۲. ساخت و تجهیز فضای کار اشتراکی، دیپارتمان شتاب‌دهی و دفاتر ستادی مرکز
۳. فراخوان انتخاب شتاب‌دهنده از بخش خصوصی، گزینش موارد برتر و تدوین قرارداد مشارکت
۴. جذب بودجه‌های حمایتی از معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری
۵. برگزاری نشست‌ها و کارگاه‌های ملی و بین‌المللی تخصصی
۶. برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌ی ابتکاری مشاوره‌ی مدیریت در ایران
۷. ایجاد حلقه‌ی پژوهشی مطالعات انتقادی در نوآوری و استراتژی
۸. فراهم آوردن زیرساخت‌های سازمانی و تشکیلاتی مرکز از جمله طرح‌ریزی و تصویب برنامه‌ی استراتژیک و نمودار سازمانی
۹. طراحی و تشکیل شورای راهبردی مرکز و برگزاری جلسات آن
۱۰. انتشار کتاب
۱۱. حمایت از پوش فرهنگ کارآفرینی «افرا» که توسط شرکت «هماوا» پایه‌ریزی شده است
۱۲. انعقاد و اجرای چندین تفاهم‌نامه با شتاب‌دهنده‌های برتر کشور مانند «هماوا» و «دیموند»
۱۳. دیدار و مذاکره با ده‌ها مرکز رشد و نوآوری و پارک علم و فناوری در کشور و فراهم آوردن مقدمات همکاری با آنها
۱۴. امضای تفاهم‌نامه‌ی راه‌اندازی نخستین خانه خلاق و نوآوری علوم انسانی و فرهنگ کشور توسط مرکز

نوآوری پژوهشگاه با ستاد فرهنگسازی اقتصاد دانش بنیان معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری درخصوص مشکلات و موانع باید عرض کنم که چالش‌ها زیاد بوده‌اند. کرونا مشکلی اساسی بود. تعطیلی‌ها و کاهش ساعات کار و بی‌انگیزه شدن بسیاری از نهادهای مرتبط به دلیل پاندمی و مشکلات عدیده‌ی اقتصادی و اجتماعی کشور در سالیان اخیر طبیعتاً مانعی برای سرعت و گسترش فعالیت‌های ما بود. با این حال همه‌ی توان خود را به کار گرفتیم تا مشکلات را برطرف کنیم و کار را پیش ببریم. پژوهشگاه علوم انسانی در زمینه‌ی فعالیت‌های مرتبط با کارآفرینی، نوآوری و فناوری آکادمیک که قدمت آن در نظام آموزش عالی و پژوهش کشور حداقل به سه دهه می‌رسد، سابقه‌ی چندانی ندارد و راه‌اندازی این مرکز نخستین فعالیت جدی پژوهشگاه در این زمینه محسوب می‌شود. به این ترتیب یکی از بزرگترین مشکلات ما نبود آمادگی فرهنگی و ناآشنایی برخی با این موضوعات در سازمان پژوهشگاه بود که همچنان ادامه دارد و گاهی باعث توقف یا تأخیر شماری از فعالیت‌ها شده است.

– برای راهبری کلان مرکز چه فکری کرده‌اید؟

* درخصوص راهبری و مباحث مرتبط با حاکمیت مرکز، در بهار سال ۱۴۰۰، شورای راهبردی مرکز نوآوری و توسعه‌ی فناوری پژوهشگاه با حضور رئیس پژوهشگاه و معاون کاربردی‌سازی پژوهشگاه، بنده (نادر سیدکلایی) به عنوان رئیس مرکز نوآوری پژوهشگاه و مدیران و صاحب‌نظران داخل و خارج از پژوهشگاه تشکیل شد و آغاز به کار کرد و جلسات آن ادامه دارند. این شورا به استناد مصوبه‌ی هیأت رئیسه محترم پژوهشگاه تأسیس و شیوه‌نامه‌ی آن تصویب شد. نخستین جلسه‌ی این شورا در تاریخ ۸ خرداد ماه سال ۱۴۰۰ برگزار شد. شورا متشکل از ترکیب اعضای داخلی و خارجی است که درخصوص اهداف، سیاست‌ها و برنامه‌های مرکز نوآوری پژوهشگاه تصمیم‌گیری می‌کند.

– فلسفه‌ی وجودی مرکز چیست و آیا مأموریت‌های ویژه‌ای دارد؟

* براساس برنامه استراتژیک مصوب مرکز نوآوری پژوهشگاه، این مرکز چند مأموریت اصلی را به عهده گرفته است. این مأموریت‌ها عبارتند از:

۱. فرهنگ‌سازی و ترویج مباحث خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی در پژوهشگاه و جامعه علوم انسانی و فرهنگ کشور
۲. شکل‌دهی و حمایت از هسته‌های نوآوری، کارآفرینی و توسعه‌ی فناوری؛ و پیش‌شتاب‌دهی و شتاب‌دهی تیم‌های استارت‌آپی
۳. برگزاری مسابقات و رویدادهای تخصصی نوآوری و کارآفرینی
۴. برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی، نشست‌های تخصصی، مدرسه‌های تابستانی و بوت‌کمپ‌های تخصصی حوزه نوآوری و کارآفرینی
۵. ایجاد هسته‌های پژوهشی، شبکه‌سازی و انسجام بخشی به فعالیتهای نوآورانه در حوزه‌های علوم انسانی و فرهنگ

تمامی این فعالیت‌ها با تمرکز بر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و جامعه علوم انسانی و فرهنگ کشور انجام می‌شود.

– به‌عنوان سرپرست این مرکز چه برنامه‌هایی برای تأثیرگذاری و پیشرفت مجموعه دارید و دورنمای فعالیت این مرکز را چطور می‌بینید؟

* ببینید، براساس برنامه‌ی استراتژیک مرکز، چشم‌انداز ما این است که به بزرگترین مرکز نوآوری‌های علوم انسانی، اجتماعی و فرهنگ در ایران تبدیل شویم. با این حال به قول شیخ اجل سعدی شیرازی که در گلستان می‌فرمایند:

دو چیز طیره‌ی عقل است دم فروبستن به وقت گفتن و گفتن به وقت خاموشی

باید به محدودیت‌ها اذعان کرد. باید توجه داشت که به‌منظور دستیابی به این چشم‌انداز، رقاباتی جدی داریم که از سال‌ها پیش در این زمینه فعال شده‌اند و زیرساخت‌های فیزیکی، سازمانی و سرمایه‌ی دانشجویی آن‌ها نسبت به پژوهشگاه ما برتری دارد. تأخیر طولانی پژوهشگاه در ورود به این عرصه امکان دستیابی به این چشم‌انداز را دشوار کرده است. البته استراتژی تمرکز و محدود شدن به نوآوری‌های علوم انسانی و فرهنگ می‌تواند تاحدی برای پژوهشگاه کارساز و یاری‌رسان باشد.

به‌علاوه هنوز در میان اعضای هیأت علمی و کارکنان پژوهشگاه نسبت به مفاهیم کارآفرینی، توسعه‌ی فناوری و نوآوری دانشگاهی و آکادمیک شناخت کافی وجود ندارد که گرفتاری‌های فراوانی ایجاد کرده است. با این حال می‌شود امیدوار بود که به تدریج مقاومت‌های سازمانی کم‌تر شود و چه‌بسا در آینده بازتعریفی از کارکرد مرکز نوآوری پژوهشگاه صورت پذیرد که بتواند اجماع میان نخبگان را تسریع و رشد و توسعه‌ی فعالیت‌های مرکز را امکان پذیر کند.

– ارتباط و همکاری این مرکز جدید با سایر پژوهشکده‌ها چه‌طور می‌تواند باشد؟

* ارتباط زمانی ممکن است که در وهله‌ی اول درک مناسبی از ظرفیت‌های همکاری به‌وجود بیاید و زیرساخت‌های همکاری هم فراهم آید. مثلاً ایجاد شرکت‌های دانشگاهی و دانش بنیان می‌تواند زمینه‌ای باشد برای فعالیت استادان یا دانشجویان‌شان در مرکز. با این حال این تصور در میان برخی وجود دارد که اگر ایده‌ای داشته باشند مرکز باید آن را اجرایی کند درحالی‌که نقش مرکز حمایت است نه اجرا. روال کار این است که ایده‌های پیشنهادی در کمیته‌های تصمیم‌گیر در مرکز طرح می‌شوند و از میان آن‌ها بهترین‌ها انتخاب می‌شوند و امکاناتی نظیر فضای فیزیکی، اینترنت، آب، برق، گاز و خط تلفن در اختیار تیم‌های شکل گرفته حول ایده‌ها قرار می‌گیرد.

به‌علاوه صاحبان ایده و اعضای تیم‌ها امکان دریافت مشورت از منتورها و مشاوران مرکز در امور تجاری، مالی و حقوقی را خواهند داشت. امکانات و خدمات با قیمت‌هایی کم‌تر از بازار ارائه خواهد شد و دسترسی به پژوهش‌های ارزشمند و پژوهشگران نامدار پژوهشگاه فرصت‌های خوبی را در اختیار صاحبان ایده قرار خواهد داد تا نسبت به توسعه‌ی فعالیت‌های خود اقدام کنند.

– جدیدترین اقدام یا برنامه‌ی شما برای پیشبرد اهداف مرکز چیست؟

* در خرداد ماه سال جاری تفاهم‌نامه‌ای با ستاد فرهنگ‌سازی اقتصاد دانش بنیان معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری منعقد کردیم و در پی آن هستیم که با همکاری ایشان نخستین خانه‌ی خلاق و نوآوری در حوزه‌ی علوم انسانی و فرهنگ کشور را راه‌اندازی کنیم. امیدواریم به‌زودی بتوانیم چند تیم موفق را در مرکز مستقر کنیم و فعالیت‌های شتاب‌دهی را هم آغاز کنیم. بسیاری از زیرساخت‌ها آماده شده و امیدوارم معاونت ریاست جمهوری تعهدات خود را هرچه زودتر عملی کند و بدنه‌ی پژوهشگاه نیز با رویکردی موافق و همراه در این زمینه یاری‌گر ما باشند.

– اگر نکته‌ی خاصی مدنظر تان هست، طرح بفرمایید.

* به نظر من خیلی مهم است که به کارکردهای یک مرکز نوآوری و توسعه‌ی فناوری توجه داشته باشیم. ما قرار نیست محصول تولید کنیم و مستقیماً درگیر کسب و کار شویم. در اصل مأموریت دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها چیزهای دیگری است که اصلی‌ترین آن‌ها آموزش عالی و پژوهش است. مراکز نوآوری قرار است بستر و زیرساخت‌های لازم را فراهم کنند تا اساتید و دانشجویان خوش‌ذوق، به خصوص آن‌هایی که پژوهش‌هایی انجام داده‌اند که قابلیت تبدیل شدن به محصول یا خدمت را دارند، تیم‌هایی تشکیل دهند و شروع به فعالیت کنند. مرکز هم ضمن فراهم آوردن فضای فیزیکی و نیازهای کار، دسترسی این تیم‌ها به منتورها و مشاوران متخصص و به‌طور خلاصه اکوسیستم کارآفرینی و نوآوری را امکان‌پذیر خواهد کرد.

به‌طور کلی وزارت علوم تلاش می‌کند در حوزه‌ی فناوری در حد حوزه‌های آموزش عالی و پژوهشی عمل کند. در نقطه‌ی مقابل، نقش اثرگذار معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری در این زمینه را نمی‌توان نادیده گرفت. به‌طور کلی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های ایران در موضوعاتی مانند کارآفرینی، توسعه‌ی فناوری و نوآوری آکادمیک، بحث کاربردی‌سازی و ارتباط با جامعه و صنعت همچنان دچار ابهاماتی هستند و در نهادهایی مانند وزارت علوم و معاونت علمی هم سرگشتگی‌های زیادی در این خصوص وجود دارد. گمان می‌کنم در این زمینه لازم است در آینده گفت‌وگوی دیگری داشته باشیم تا به تفصیل به چالش‌ها و راهکارهای آن بپردازیم. بنابراین به فرموده مولانا:

شرح این هجران و این خون جگر این زمان بگذار تا وقت دیگر

در پایان لازم می‌دانم تا از راهنمایی‌ها و مساعدت‌های رؤسا و استادان پژوهشگاه از جمله دکتر قبادی، سرکار دکتر پارساپور، دکتر دلیر، دکتر کامیار، الهام سرونندی و هم‌هی بزرگواران همراه و هم‌دل تشکر کنم.
– از شما ممنونم.

مجموعه منشورات جدید طرح جامع اعتلا

«آموزش عالی فلسفه در ایران»



طرح جامع اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور در راستای انتشار آثار پژوهشی مجریان طرح‌ها، یکی دیگر از این آثار پژوهشی را که پیش‌تر در قالب گزارش طرح به‌صورت محدود منتشر شده بود، در ساختار جدید و به‌صورت کتاب در دسترس همه‌ی علاقه‌مندان به علوم انسانی قرار خواهد داد. کتاب «آموزش عالی فلسفه در ایران؛ گفتمان‌های فکری، برنامه‌ریزی آموزشی، مهارت و اشتغال» به قلم استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی دکتر مالک شجاعی جسوقانی به رشته‌ی تحریر درآمده است.

این کتاب چنان‌که عنوان آن نیز گویا است به موضوع تخصصی‌پیدایش رشته‌ی فلسفه در ایران به‌عنوان یک رشته‌ی دانشگاهی و همچنین ارتباط

برنامه‌ریزی درسی این رشته و مهارت و اشتغال دانش‌آموختگان این رشته در طی دهه‌هایی که از پیدایش این رشته در ایران می‌گذرد، تا حال حاضر اختصاص یافته است.

موضوع پیدایش رشته‌های علوم انسانی، ارتباط برنامه‌ریزی‌های تحصیلی در این رشته‌ها با مهارت و اشتغال دانش‌آموختگان هریک از رشته‌ها، از محورهای اصلی تعدادی از طرح‌های پژوهشی در طرح جامع اعتلای علوم انسانی است. در این محور تاکنون کتاب‌هایی مرتبط با رشته‌های «علوم اجتماعی» «علوم تربیتی» «باستان‌شناسی» «زبان و ادبیات فارسی» منتشر شده‌اند و در کنار «رشته‌ی فلسفه» ۵ عنوان کتاب دیگر مرتبط با رشته‌های علوم انسانی تا پاییز ۱۴۰۰ منتشر خواهد شد.

مؤلف کتاب در بخش مقدمه اثر موضوع را با جایگاه رشته‌ی فلسفه در علوم انسانی آغاز می‌کند و درباره‌ی تأثیر این رشته در شکل‌گیری جریان‌های گوناگون علمی و اجتماعی ایران چنین می‌نویسد: «اگر این استعاره نسبتاً مشهور (و البته تا حدی قابل دفاع) را بپذیریم که «فلسفه، مادر علوم است» و علوم در بسط تاریخی خود آهسته‌آهسته از فلسفه جدا شده و عزم سلوک تخصصی کرده‌اند، می‌توان به‌نوعی از تقدم معرفتی، تاریخی، ارزشی و حتی سیاست‌گذارانه فلسفه نسبت به سایر علوم انسانی مدرن، سخن گفت. به نظر می‌رسد نوع نگاه پیشگامان طراحی آموزش فلسفه‌ی غربی به این حوزه معرفتی و انتظارات و تلقی‌های بعضاً متفاوت و گاه متعارضی که از ماهیت و کارکرد علمی معرفتی و گفتمانی فلسفه‌ی جدید غربی داشته‌اند در برخی حوزه‌ها همچون شیوه‌ی سیاست‌گذاری این رشته، تأثیر آن در شکل‌دهی به جریان‌های فکری فرهنگی و حتی سیاسی اجتماعی ایران معاصر جدی بوده است.

اگر چه در خاستگاه‌های اولیه ورود فلسفه‌ی غربی (دانشکده‌ی ادبیات و نه الهیات) به دانشگاه تهران، لزوماً نوعی خودآگاهی انتقادی در نسبت ما و این حوزه معرفتی نداشته است، اما آهسته‌آهسته در مسیر توسعه‌ی رشته و به‌ویژه در اواخر دهه‌ی چهل و با شکل‌گیری زمینه‌های انقلاب اسلامی ایران و به‌ویژه پس از انقلاب این وضعیت متفاوت شده است. در تلقی رایج، پرداختن به رشته‌ی فلسفه، نوعی پرداختن به دغدغه‌های شخصی و به معنایی عمیق‌تر وجودی تلقی می‌شود اما اهداف مورد نظر سیاست‌گزاران آموزش و پژوهش در نهادهایی چون وزارت علوم یا اساساً چنین اولویتی برای رشته‌های دانشگاهی و ازجمله فلسفه قائل نیستند یا حداقل اولویت اصلی این نهادها چنین دغدغه‌هایی نیست.»

دکتر مالک شجاعی در بخش دیگری از مقدمه این کتاب به ارتباط کارآفرینی و مهارت در رشته‌ی فلسفه اشاره می‌کنند: «با توجه به مباحثی که در سال‌های اخیر در باب تجاری‌سازی و کارآفرینی در آموزش عالی مطرح شده و مدام از توجه بیشتر به الگوهای نسل سوم و چهارم دانشگاهی سخن گفته می‌شود، رشته‌های دانشگاهی علوم انسانی و هنر و به ویژه فلسفه (که به ظاهر انتزاعی‌اند و غیر کاربردی) با چالش‌ها و سئوالات جدی

مواجه می‌شوند. فلسفه هم در غرب و هم در ایران در دهه‌های اخیر به شاخه‌های مختلفی تقسیم شده و امروزه حوزه‌هایی همچون فلسفه‌ی اخلاق، فلسفه‌ی دین، فلسفه‌ی علم، فلسفه‌ی منطق و... حوزه‌هایی تخصصی در فلسفه محسوب می‌شوند. این تقسیم بندی‌ها اگرچه مباحث فلسفی را از انحصار فلسفه محض و متافیزیک به معنای مصطلح خارج ساخته و آن را به شاخه‌ای از فلسفه تبدیل کرده است، اما توفیق این حوزه‌های نوپدید در گره‌زدن مسائل فلسفی به زمینه‌های کاربردی کمتر بوده است.

به‌طور کلی برنامه‌ی آموزشی حلقه‌ی اتصال دانشجویان به دانش و مهارت است و چارچوبی است که دانش‌آموختگان در درون آن تخصص‌های لازم را پیدا می‌کنند و برای ورود به جامعه و بازار کار مهیا می‌شوند. هر قدر این برنامه مهارت‌افزا، تخصص‌گرا، کاربردی‌تر و متناسب با نیازهای جاری کشور و بازار تقاضا باشد به همان نسبت هم نظام آموزش عالی موفقتر است و هم جامعه در پاسخ به نیازهایش کامیابتر. بنابراین بررسی و تحلیل محتویات برنامه‌های آموزشی فلسفه و مبانی فکری و معرفتی آن و نیز اهدافی که دنبال کرده و تحولاتی که در دوره‌های گوناگون پیش و پس از انقلاب به آن تن داده است، با توجه به مناسبات برنامه‌ی درسی فلسفه و مسائل مهارت‌آفرینی و اشتغال دانش‌آموختگان از اهداف این مطالعه است.

ذکر این نکته ضروری است که در این مطالعه با توجه به اینکه به لحاظ آماری عمده دانش‌آموختگان رشته‌ی فلسفه در مقطع کارشناسی هستند و مسئله اشتغال و مهارت دانش‌آموختگان هم عمدتاً ناظر به این مقطع تحصیلی است، تمرکز اصلی ما بر مقطع کارشناسی فلسفه‌ی غرب خواهد بود. این پژوهش که خود را در آغاز راه می‌داند، گامی «کوچک» جهت پرداختن به مسائل «بزرگ» فوق است و بدیهی‌ست که با توجه به توسعه‌ی کمی و کیفی فلسفه در چهار دهه‌ی اخیر و حساسیت جامعه‌ی فلسفه‌پژوهان و استادان فلسفه در کشور خلل‌هایی جدی در کار ما وجود دارد و قطع‌یقین برای ارتقای آن محتاج نقد و نظر استادان و پژوهشگران هستیم».

این کتاب با شمارگان ۳۰۰ نسخه در آخرین ماه تابستان در اختیار علاقه‌مندان و دوست‌داران رشته‌ی فلسفه قرار خواهد گرفت.

برای کسب اطلاع از فهرست مطالب این اثر می‌توانید به وبگاه پژوهشگاه علوم انسانی بخش تازه‌های انتشارات یا بخش طرح جامع اعتلاء مراجعه فرمائید.



«انسان به منزله‌ی ابژه‌ی دانش»



طرح جامع اعتلای علوم انسانی یکی دیگر از آثار پژوهشی خود را با عنوان «انسان به منزله‌ی ابژه‌ی دانش؛ «مشاهده» در پزشکی و نقش آن در تکوین علوم انسانی مدرن» از ابتدای شهریورماه به بازار نشر روانه کرد.

این اثر به قلم دکتر غلامحسین مقدم حیدری عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با شمارگان ۳۰۰ نسخه به بازار نشر عرضه شد. در ادامه بخش‌هایی از مقدمه‌ی مؤلف در معرفی اجمالی این اثر ارائه می‌شود.

این کتاب بخشی از پژوهش‌هایی است که در قالب رویکرد «ارزیابی رابطه‌ی ایجابی قدرت و پیدایش و تکوین علوم انسانی در غرب» در کلان‌طرح اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور در پژوهشگاه

علوم انسانی و مطالعات فرهنگی انجام شده است. هدف اصلی این طرح آن بود که شرایط تحقق علوم انسانی در غرب را نشان دهد و سپس به‌عنوان کاربردی از این پژوهش نشان دهد که آیا این شرایط در جامعه ایرانی فراهم بوده است یا نه؟

این طرح در چهارچوب نظری آرای میشل فوکو (جامعه‌شناس و فیلسوف معاصر فرانسوی) - درباره‌ی رابطه‌ی قدرت و دانش انجام شد. البته ادبیات پژوهشی فراوانی در سطح جهان و تا حدودی در جامعه‌ی ما درباره‌ی آراء و نظریات فوکو وجود دارد اما آنچه این اثر را از پژوهش‌های دیگر متمایز می‌کند، آن است که پژوهش پیش‌رو موضوع را از منظر «فلسفه‌ی علم» بررسی کرده است.

یکی از موضوعات مهم در فلسفه‌ی علم تحلیلی مفهوم «مشاهده» است. اینکه «علم از مشاهده آغاز می‌شود» از مهمترین بحث‌هایی است که مناقشات فراوانی حول آن رخ داده است و مکاتب گوناگون در این باره شکل گرفته است. از این رو ایده‌ی مجری طرح (که تخصص و تألیفاتش در حوزه‌ی فلسفه علم است) این بود که نقش «مشاهده» را در شکل‌گیری علوم انسانی در غرب از منظر فلسفه‌ی علم قاره‌ای مورد بررسی قرار دهد.

ازجمله افرادی که می‌توان این مفهوم را در برخی از مهم‌ترین آثارش به کرات دید «میشل فوکو» است. شاید بتوان گفت که آموزه‌ی اصلی او در سه گانه تاریخ جنون، تولد کلینیک، تاریخ تنبیه و مجازات و تاریخ سکسوالیته بررسی «مشاهده» یا به تعبیر او «نگاه» در پیدایش علمی است که حقیقت انسان به منزله‌ی سوژه توانست به ابژه دانش علمی بدل شود. به‌طوری‌که می‌توان گفت؛ پروژه‌ی فوکو «تبارشناسی سوژه‌ی مدرن به‌منزله‌ی واقعیتی تاریخی و فرهنگی است». (میلر، ۱۳۸۲، ص ۱۶۴)

مشاهده در فلسفه‌ی علم و نگاه نزد فوکو

بررسی چگونگی «مشاهده» در پژوهش‌های علمی و رابطه‌ی آن با نظریه‌ها یکی از موضوعات و مناقشات مهم در فلسفه‌ی علم است. طبق نظر تجربه‌گرایان منطقی، مشاهده در فرایندی مانند جریان کارکردن دستگاه عکاسی محقق می‌شود. اندام‌های حسی، محیط مادی و اجتماعی را عیناً دریافت و آن را به سلسله اعصاب گزارش می‌کنند. تنها پس از این گزارش است که شخص به آنچه حساس شده، معنایی می‌دهد. از این دیدگاه، حس قبل از معنا تحقق می‌یابد و حس کردن و یافتن معنا، دو فرایند جداگانه‌اند. بر این اساس فیلسوفان علم تجربه‌گرا گزاره‌های مشاهده‌ی و گزاره‌های نظری را از هم تفکیک می‌کنند. پاپر (پوپر) با نقد این آرا در کتاب «منطق اکتشافات علمی» نشان داد که گزاره‌های مشاهده‌ی هستی‌های همه‌گانی هستند که به زبان عام صورت‌بندی شده و دربرگیرنده‌ی نظریه‌هایی با درجات مختلف از کلیت و پیچیدگی هستند. از این‌رو گزاره‌های مشاهده‌ی «همیشه از تئوری‌ها آبدن‌اند» (پاپر، ۱۳۷۰، ص ۱۴۲) و همواره نوعی نظریه بر گزاره‌های مشاهده‌ی مقدم است. به عبارت دیگر گزاره‌های مشاهده‌ی باید به زبان نوعی نظریه ساخته شوند.

«تامس کوهن» در کتاب «ساختار انقلاب‌های علمی» از دوتایی مشاهده/نظریه فراتر رفت. او متأثر از روان‌شناسی گشتالت و فلسفه‌ی ویتگنشتاین متأخر نشان داد؛ مشاهده صرفاً ادراکی نیست که دستگاه عصبی دانشمند آن را

ثبت می‌کند، بلکه «آنچه یک شخص می‌بیند، هم به چیزی که به آن می‌نگرد و هم به تجربه‌ی مفهومی بصری پیشین او که دیدن را به وی آموخته، وابسته است. (Kuhn, ۱۹۷۰, p ۱۱۳) بحث‌هایی از این دست چگونگی تأثیر مشاهده‌ی امور طبیعی را از اهداف و تجربه‌های پیشین مشاهده‌گر (فاعل شناسا) از منظر معرفت‌شناختی، معناشناختی، روان‌شناختی یا جامعه‌شناختی بررسی می‌کند. در واقع آنچه که در این مکاتب ابژه مشاهده هستند اشیا و پدیده‌های طبیعی هستند، چیزهایی که موضوع آنها چیزهایی غیر از انسان باشند.

باید توجه کرد که در تاریخ رشد و تحول معرفت تنها اشیا طبیعی ابژه‌ی فاعل شناسا نبوده است بلکه خود انسان نیز ابژه‌ی خود شده و مورد مطالعه قرار گرفته است. در پزشکی، «بدن» ابژه‌ی فاعل شناسا قرار گرفته است و در علوم انسانی، روان، کردارهای فردی و اجتماعی او ابژه‌ی پژوهش خود انسان شده‌اند. موضوع این کتاب بررسی عمل «مشاهده کردن» و نقش آن در تولید دانش‌هایی است که با انسان مرتبط‌اند. البته مشاهده کردن به سه معنا در آثار فوکو به کار رفته‌اند: مشاهده به معنای «رصد کردن»، مشاهده به معنای «دیدن» و مشاهده به معنای «نگاه کردن». وقتی از مشاهده‌ی کنش و رفتار افراد در جامعه‌ای خاص سخن می‌گوییم در واقع اعمال آنان را در جامعه‌ی مزبور رصد می‌کنیم. مشاهده‌ی رفتار افراد محبوس در زندان، دانش‌آموزان مشغول به تحصیل در مدرسه، افراد بستری در بیمارستان یا تیمارستان و افراد قرنطینه شده در یک شهر، نمونه‌هایی از این نوع مشاهده هستند.

منظور از مشاهده به معنای دیدن، به چشم آمدن پدیده‌ها هستند. مثلاً وقتی پزشک پیشامدن با بیماری مواجه می‌شود آنچه می‌دید فردی بود که به دلیل به هم ریختن تعادل اخلاطش بیمار شده بود در حالی که پزشک مدرن وقتی در کلینیک با بیمار مواجه می‌شود فردی را می‌بیند که کارکرد یکی از اندام‌های بدنش مختل شده است از این‌رو خود را در مواجهه با توده‌ی کالبد فردی می‌بیند که دارای ضایعه‌ای آسیب‌شناختی است. در یک جامعه دینی پیشامدن، پدیده جرم وقتی به چشم می‌آید که فرد از سنت‌های الهی عدول کرده باشد در حالی که در جامعه‌ی مدرن، مشاهده جرم یعنی دیدن پدیده‌ای که از هنجارهای اجتماع خاصی منحرف شده است.

این دو معنا از مشاهده (که از موضوعات مهم و مناقشه‌آمیز فلسفه‌ی علم نیز هستند) متأثر از همه‌ی تجارب پیشین فرد می‌باشند و قابل بررسی معرفت‌شناختی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی هستند. در مورد سوم، مشاهده به معنای نگاه کردن، میشل فوکو دارای آرای برجسته‌ای است. او بدون انکار تأثیر عوامل روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و معرفت‌شناختی بر شکل‌گیری این نوع مشاهده، بر تأثیر عوامل سیاسی بر عمل مشاهده تأکید می‌کند. البته اگر منظور او فقط این بود که عوامل سیاسی نیز همچون عوامل جامعه‌شناختی و روان‌شناختی بر مشاهده اثر می‌گذارند. می‌توانستیم ردیاب چنین تأثیری را در برخی اشاره‌های کوهن در کتاب ساختار انقلاب‌های علمی یافت و با تعمیم و گسترش آن به نقش عوامل سیاسی نیز در کنار عوامل دیگر پرداخت. اما باید به این نکته توجه کرد که آنچه «فوکو» بر آن تأکید می‌کند این است که چنین مشاهده‌ای اساساً فعلی سیاسی است. البته باید دقت کرد که معنای ویژه‌ای از سیاست مورد نظر فوکو است. از نظر او ما نباید سیاست را فقط در نظام‌های سیاسی یک حکومت خاص منحصر کنیم بلکه باید «سیاست را نظام روابط قدرت بفهمیم» (فوکو، ۱۳۹۱، ص ۱۴۰)

بیان این نکته اهمیت دارد که مشاهده به معنای نگاه کردن، فعلی متفاوت از دو نوع مشاهده‌ی پیشین نیست، بلکه «نگاه» امری عام‌تر از دو نوع پیشین است و می‌تواند بنا به موقعیت‌های گوناگون، علاوه بر امری سیاسی، بر رصد کردن و دیدن نیز دلالت داشته باشد. از این‌رو هر فصل کتاب بنا به موضوع خود یکی از این ویژگی‌ها یا هر سه‌ی آنها را ذیل واژه‌ی مشاهده یا نگاه برجسته می‌نماید.

ابتدای علوم انسانی بر پزشکی مدرن

حال این پرسش مطرح می‌شود که چرا برای بررسی شکل‌گیری علوم انسانی مدرن، به شکل‌گیری پزشکی مدرن پرداخته‌ایم؟

از آنجا که انسان دارای سه وجه بدن، کنش‌های روانی و کنش‌های اجتماعی است از این سه منظر می‌تواند ابژه‌ی دانش علمی قرار گیرد. وجه اول به پیدایش پزشکی کلینیکی (نویسن) منجر شده است و وجه دوم سبب پیدایش علوم‌ی همچون علوم روان‌شناسی و روان‌پزشکی و وجه سوم شرایط پیدایش علوم اجتماعی را فراهم کرده است.

این علوم، دانش‌هایی هستند که ابژه‌ی آنها انسان هستند از این‌رو هم پزشکی را در بر می‌گیرد و هم

روانشناسی، روان‌پزشکی و علوم اجتماعی. گرچه دانش پزشکی جزو علوم انسانی قرار نمی‌گیرد اما این دانش را نمی‌توان در حوزه‌ی علوم طبیعی نیز قرار داد. به عبارت دیگر گرچه این دانش دارای وجه علوم طبیعی است اما نباید از وجه علوم انسانی آن نیز غافل شد. تنها این ویژگی نیست که پزشکی را برای «فوکو» با اهمیت کرده است بلکه او معتقد است که در شکل‌گیری علوم انسانی در غرب دو الگو تأثیر به‌سزایی داشته است: الگوی پزشکی و الگوی قضایی. (فوکو، ۱۳۹۸، ص ۹۶) الگوی پزشکی مدرن به‌لحاظ تاریخی اولین حوزه‌ای بود که بدن انسان را ابژه‌ی دانش کرد و تأثیر این الگو در قرن نوزدهم سبب پیدایش رشته‌های علوم انسانی مدرن همچون روان‌شناسی و روان‌پزشکی، علوم اجتماعی و جرم‌شناسی شد. «بر این اساس می‌توان به اهمیت علم پزشکی در تأسیس علوم انسانی پی برد، اهمیتی که فقط روش‌شناختی نیست، زیرا به هستی انسان به منزله‌ی ابژه‌ی دانش اثباتی مربوط می‌شود» (فوکو، ۱۳۹۲، ص ۲۶۷)

آنچه در الگوی پزشکی اهمیت دارد، عمل «مشاهده» است که از سویی نقش محوری در پیدایش پزشکی کلینیکی و از سویی دیگر اساس تکنیک قرنطینه در بیماری‌های همه‌گیر است. مشاهده‌ی سیاسی، مشاهده‌ی هنجاری و مشاهده‌ی محاسبه‌گرانه سه ویژگی از مشاهده در پزشکی بالینی هستند که سبب پیدایش پزشکی مدرن در قرن هیجدهم و نوزدهم شده‌اند. همین الگو در درمان دیوانگان و بازپروری بزه‌کاران و مجرمان به‌کار گرفته شده است. یعنی رفتار آنان ابژه‌ی مشاهده‌ای قرار گرفته است که منجر به پیدایش دانش‌هایی همچون روان‌شناختی و علوم تربیتی و علوم اجتماعی و جرم‌شناسی شده‌اند که بخش‌هایی از علوم انسانی کنونی را تشکیل می‌دهند. از سوی دیگر مشاهده به معنای رصد کردن و رویت‌پذیر کردن افراد در تکنیک قرنطینه که در بیماری‌های همه‌گیر مثل طاعون به‌کار گرفته شد، سبب پیدایش شبکه‌ای از قدرت پزشکی در سراسر جامعه‌ی اروپایی در قرن هیجدهم و نوزدهم شد که نمونه‌ی آن را می‌توان در شبکه‌های بهداشت در جامعه‌ی معاصر دید.

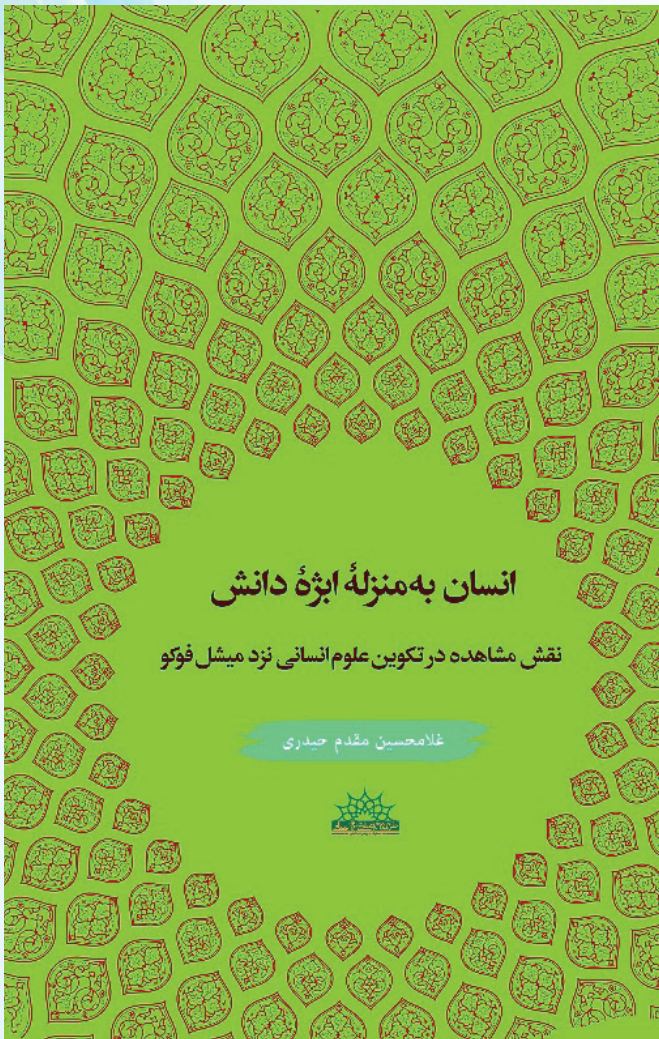
این شبکه‌ی قدرت سیاسی-پزشکی سبب شد تا برای اولین بار «علم فرد» (آمار و اطلاعات مرتبط با هر فرد) به‌وجود آید. بعدها در اواخر قرن نوزدهم شبکه‌ی قدرت سیاسی-پزشکی به‌همراه نگاه سراسربین زندان جرمی بتنام سبب شکل‌گیری جامعه‌ی انضباطی در دنیای مدرن شد که از ره‌گذر آن علوم اجتماعی متولد شد.

با توجه به آنچه بیان شد، این پژوهش بر دو مبنای بدیع و جدیدی قرار گرفته است:

اول، با رویکردی فلسفه‌ی علمی پیدایش علوم انسانی مدرن را در آثار فوکو بررسی می‌کند. و از این‌رو به بررسی نقش «مشاهده» در چگونگی ابژه شدن انسان می‌پردازد.

دوم، نشان می‌دهد که مشاهده ابژه‌ساز (به‌صورتی که ما اکنون با آن آشنا هستیم) به‌لحاظ تاریخی اولین بار در پزشکی مدرن شکل می‌گیرد و الگویی برای ابژه ساختن جنبه‌های روانی و کنش‌های اجتماعی انسان می‌شود.

مؤلف امیدوار است که این نگرش افق‌های جدیدی را در عرصه‌ی پژوهش‌هایی درباره‌ی رابطه قدرت و دانش در شکل‌گیری علوم انسانی مدرن بگشاید.



انسان به‌منزله‌ی ابژه دانش

نقش مشاهده در تکوین علوم انسانی نزد میشل فوکو

غلامحسین مقدم حیدری



« نقش انجمن‌های علمی در گسترش علوم انسانی »



اثر جدید طرح جامع اعتلاء با عنوان «نقش انجمن‌های علمی در گسترش علوم انسانی» در مرداد ماه به بازار نشر آمد. اثر جدید طرح جامع اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور با عنوان «نقش انجمن‌های علمی در گسترش علوم انسانی» در مرداد ماه ۱۴۰۰ با شمارگان ۳۰۰ نسخه به بازار نشر عرضه شد. این کتاب با موضوع بررسی نقش و ارتباط انجمن‌های علمی و رشته‌های علوم انسانی در ایران از جمله طرح‌های انجام گرفته در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است که در ذیل کلان طرح ملی طرح جامع اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور سامان یافته است. مؤلف طرح دکتر محمد منصورنژاد به همراه ۴ تن از

همکاران خود دکتر اکرم قدیمی، دکتر خسرو قبادی، دکتر حسین سالاری و مهندس مرتضی منصورنژاد این طرح را به انجام رسانیده و در بخش‌های اصلی آن را در قالب این کتاب منتشر ساخته است.

مؤلف کتاب نقش انجمن‌های علمی در گسترش علوم انسانی در ابتدای اثر موضوع این پژوهش را چنین مطرح می‌کند که نقش بالقوه و بالفعل مجموعاً ۱۵۰ انجمن‌های علمی علوم انسانی، با توجه به ظرفیت‌های بالای آنها در ارتقا، اعتلا و گسترش علوم انسانی حایز اهمیت بسیار است؛ زیرا هم ماهیت این تشکلهای فرهنگی بوده و نقش منظور شده برای آنان از جنس علم است و هم نوع فعالیت آنها حرکتی خودجوش از درون «اجتماعات علمی» است و این خود بهترین مجرای اصلاح امور است. با این همه هم‌اکنون انجمن‌های علمی علوم انسانی فعال (جدای از انجمن‌هایی که تحرکی ندارند)، بر علوم انسانی رسمی ایران، نقش تعیین کننده‌ای ندارند، به‌ویژه این که علوم انسانی کشور در ابعاد گوناگون، در وضعیت مطلوبی به‌سر نمی‌برد. برای برون‌رفت از برخی مشکلات رشته‌های علوم انسانی و نیز گسترش کمی و کیفی این رشته‌ها، عوامل متعددی ایفای نقش می‌کنند. در مطالعه‌ی حاضر توجه بحث بر نقش نهادهای مدنی، با تأکید بر «انجمن‌های علمی» است.

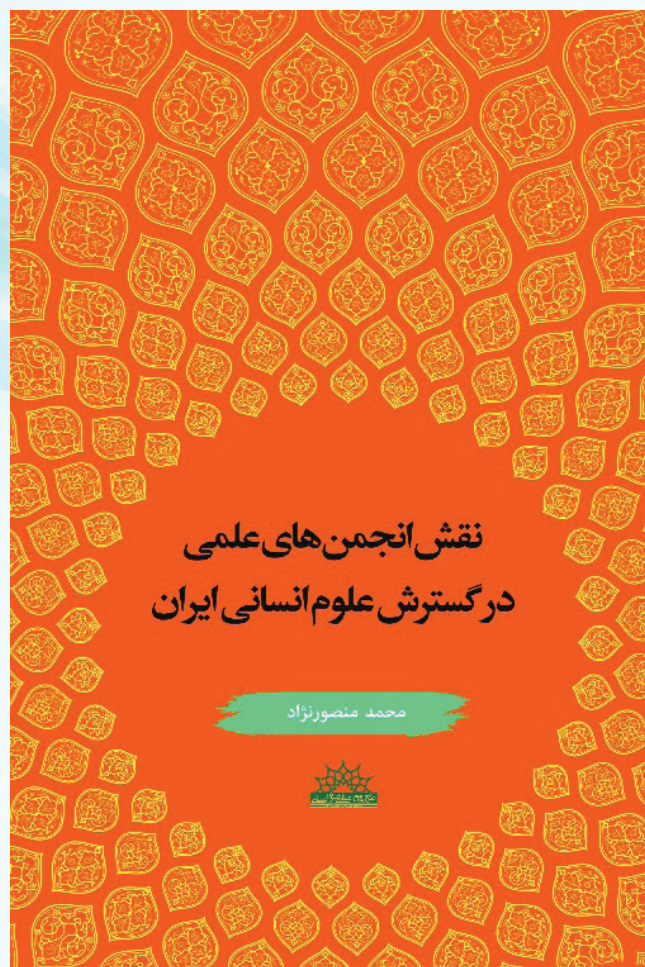
طی سال‌های اخیر، درباره‌ی انجمن‌های علمی ایران، پژوهش‌های ارزشمندی صورت گرفته و بخش‌هایی از آنها در این پژوهش نیز بازتاب یافته است. از جمله نوآوری‌های تأمل حاضر آن است که اول‌بار، برای «انجمن‌های علوم انسانی ایران»، در عرض سایر انجمن‌های علمی کشور (غیر علوم انسانی اعم از پزشکی و علوم پایه و...) هویت و نقش مستقل قائل شده و کارکرد و عملکرد ویژه آنان در چهار محور «سیاستی» «حرفه‌ای» «انتقادی» و «عمومی»، مورد ارزیابی همه‌جانبه قرار گرفته است. کارهای میدانی بسیار خوبی در این مطالعه انجام و گزارش شده است. حتی گزارش‌هایی از محل کار و فعالیت انجمن‌های علمی علوم انسانی انجام و نقاط قوت و ضعف این انجمن‌ها بررسی شده است و این همه می‌تواند در آینده به‌وسیله‌ی دیگر پژوهش‌ها تکمیل شود. در این مطالعه در کنار «قوت‌ها و فرصت‌های انجمنی»، «ضعفها و تهدیدات انجمنی» نیز مورد مذاقه قرار گرفته، همچنین برای برون رفتن از مشکلات، راهبردها و راهکارهایی مشخص پیشنهاد شده است. ایده‌ی «جامعه شبکه‌ای انجمنی» نیز از دیگر ابتکارات پژوهش حاضر است و...

نامطلوب بودن وضعیت علوم انسانی ایران، مسئله و مدعایی است که نه‌تنها مورد توجه کارشناسان علوم انسانی کشور است، بلکه از سوی سیاست‌گذاران نیز مورد عنایت قرار گرفته، و برای بازنویسی و بازفهمی علوم انسانی در این سامان، دست به اقداماتی نیز زده‌اند. در میان مسائل یاد شده از سوی اصحاب علوم انسانی درباره‌ی وضعیت علم و از جمله علوم انسانی، کمتر از ضعف‌ها و ناتوانی‌های انجمن‌های علمی و از توانایی‌های آنها برای رفع مشکلات در حیطه دانش، سخن به میان آمده است. در یک جمع‌بندی کلی

و بر اساس مسئله‌ی تحقیق حاضر به این موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

یک) در ایران حکومت‌ها به تنهایی در تدبیر علوم انسانی، توفیق نداشته‌اند و «مهندسی فرهنگی» نیز برای تحول در علوم انسانی مسیر درستی نیست؛ دو) انجمن‌های علمی مثل سایر نهادهای مدنی در سطح کشور و جهانی در حال گسترش‌اند و به‌دنبال به‌دست آوردن جایگاه هویتی خویش هستند؛ سه) جهت‌گیری کلی سیاست‌ها و اقدامات دولت‌مردان، پذیرش نقش انجمن‌های علمی برای گسترش کم و کیف علوم انسانی این سامان نیست؛ چهار) انجمن‌های علمی در کنار نهادهای رسمی به‌جد می‌توانند در ابعاد گوناگون به گسترش علوم انسانی کشور یاری رسانند. بر این اساس پرسش اساسی که این پژوهش در پی پاسخ آن است چنین مطرح شده است: انجمن‌های علمی علوم انسانی، در گسترش علوم انسانی ایران بالفعل چه نقشی دارند و بالقوه چه نقشی می‌توانند داشته باشند؟

در ادامه پژوهشگر این طرح تلاش کرده است تا در فصول مختلف کتاب به این پرسش‌ها پاسخ دهد: یک) در گسترش و اعتلای علوم انسانی چه نقش‌هایی از انجمن‌های علمی علوم انسانی انتظار می‌رود؟ دو) انجمن‌های علمی علوم انسانی ایران در وضعیت موجود چه نقشی در گسترش و اعتلای علوم انسانی دارند؟ سه) انجمن‌های علمی علوم انسانی ایران برای ایفای نقشی که از آنها انتظار می‌رود، با چه موانعی روبه‌رو هستند؟ چهار) راهبردها و راهکارهای رفع موانع انجمن‌های علمی علوم انسانی ایران برای ایفای نقش مورد انتظار، کدامند؟ این کتاب در چهار فصل و ۳۴۰ صفحه در مرداد ماه ۱۴۰۰ از طریق کتاب‌فروشی‌ها در دسترس علاقه‌مندان پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی قرار گرفت.



تسلیت به همکاران داغدار

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

جناب آقای محمدرضا عزیزوکیلی

مصیبت درگذشت دختر گرامی تان را تسلیت عرض می‌کنیم و از خداوند سبحان برای آن مرحومه علو درجات و برای جناب‌عالی و خانواده‌ی محترم، صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت داریم.

جناب آقای رضا عزیزوکیلی

مصیبت درگذشت خواهر گرامی تان را تسلیت عرض می‌کنیم و از خداوند سبحان برای آن مرحومه علو درجات و برای سرکارعالی و خانواده‌ی محترم، صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت داریم.

سرکار خانم المیرا خانلرخانی

مصیبت درگذشت مادر گرامی تان را تسلیت عرض می‌کنیم و از خداوند سبحان برای آن مرحومه علو درجات و برای جناب‌عالی و خانواده‌ی محترم، صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت داریم.

سرکار خانم هانیه کاوسی

مصیبت درگذشت مادر گرامی تان را تسلیت عرض می‌کنیم و از خداوند سبحان برای آن مرحومه علو درجات و برای سرکارعالی و خانواده‌ی محترم، صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت داریم.

جناب آقای محسن گلدانی

مصیبت درگذشت مادر گرامی تان را تسلیت عرض می‌کنیم و از خداوند سبحان برای آن مرحومه علو درجات و برای جناب‌عالی و خانواده‌ی محترم، صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت داریم.

جناب آقای دکتر فتح‌الهی

مصیبت درگذشت پدر گرامی تان را تسلیت عرض می‌کنیم و از خداوند سبحان برای آن مرحوم علو درجات و برای جناب‌عالی و خانواده‌ی محترم، صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت داریم.

سرکار خانم دکتر صابره سیاوشی

مصیبت درگذشت پدر گرامی تان را تسلیت عرض می‌کنیم و از خداوند سبحان برای آن مرحوم علو درجات و برای جناب‌عالی و خانواده‌ی محترم، صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت داریم.

سرکار خانم سهیلا شمس‌الله

کارشناس محترم پژوهشکده‌ی دانشنامه‌نگاری

مصیبت درگذشت پدر گرامی تان را تسلیت عرض می‌کنیم و از خداوند سبحان برای آن مرحوم علو درجات و برای جناب‌عالی و خانواده‌ی محترم، صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت داریم.

روابط عمومی



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



همایش ملی

بازشناسی

چالش‌های رشد اقتصادی در ایران تبیین موانع تولید و بهسازی راهبردها و سیاست‌ها



National Conference of Growth
Diagnostics in Iran
Explaining Production Obstacles
and Reforming Strategies and Policies

برگزاری همایش:

۱۴۰۰ بهمن ماه ۱۱ و ۱۲



کداختصاصی:

۰۰۲۱۰-۶۳۰۱۸

محورهای همایش

مسائل نظری و بنیادی

بینش نظری مشترک میان دولت، بازار و جامعه در پارادایم رشد و رفاهت‌های آن
راهبردها و الگوهای کلان رشد، همگرایی، توازن منطقه‌ای و فراگیری
راهبردهای تأمین مالی رشد

مسائل بخشی و فرابخشی اقتصاد

منابع و سرمایه انسانی، سرمایه، فناوری، منابع طبیعی، کشاورزی، صنعت، خدمات، بخش خلاق، اقتصاد بین‌الملل، اقتصاد دیجیتال، اقتصاد پسا کرونا، و ...

مسائل سیاستی اقتصاد کلان

مالی، پولی، بدهی، بودجه‌ای، مالیاتی، ارزی، بازار کار، تجاری، ریسک‌های اقتصادی و تجاری و ...

مسائل اجتماعی و محیط زیستی

آموزش، سلامت و بهداشت، پایداری اجتماعی، پایداری محیط زیستی، فرهنگ، رسانه، ورزش، اطلاعات، تأمین امنیت، خدمات اجتماعی، مسائل تربیتی و روانشناختی

مسائل سیاسی و نهادی

محیط سیاسی داخلی و بین‌المللی، ریسک‌های سیاسی، تحریم، حکمرانی، نظام حقوقی و قضایی، حقوق مالکیت، سرمایه اجتماعی، نهاد رقابت، فضای کسب و کار، آزادسازی و خصوصی‌سازی، تنظیم‌گری، رانت‌جویی و ...

تارنمای همایش

Economicgrowthconf.ihcs.ac.ir/fa

پست الکترونیک دبیرخانه

ecogrowth1400@ihcs.ac.ir

شماره تماس دبیرخانه

۰۹۰۲۲۹۹۵۸۱۷ - ۰۹۳۹۲۴۰۰۷۴۸

دبیرخانه همایش: تهران، بزرگراه کردهستان، خیابان دکتر صادق آیینی‌بند (۶۴ غربی)

کدپستی: ۱۴۳۷۷۴۶۸۱، صندوق پستی: ۶۴۱۹-۱۴۱۵۵

مهلت ارسال چکیده مقالات ۱۱ آبان ماه ۱۴۰۰

مهلت ارسال متن کامل مقالات ۳۰ آذر ماه ۱۴۰۰

❖ امکان ارزیابی مقالات برتر در مجلات علمی:

«بررسی مسائل اقتصاد ایران» و «اقتصاد و تجارت نوین»

❖ ارسال چکیده و مقالات از طریق تارنمای همایش

مدیر مسئول: سید محسن علوی پور

سر دبیر: حوریه احدی

دبیر تحریریه: شهرام اصغری

هیأت تحریریه: محسن باباخانی، مجید زارع، سعیده زندی و صادق کیا

ravabet1@ihcs.ac.ir

www.ihcs.ac.ir

پیام‌رسان‌ها: @ihcss, @pajoheshgah